

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، تیر ۱۳۹۷
سال سوم، شماره دو (پیاپی: ۱۰)، جلد ۲: مطالعات علوم انسانی
شاپا: ۲۵۳۸-۶۲۹۸

سیر تحول فرهنگ و تمدن درسرزمین آذربایجان (آتروپاتگان) از گذشته
تا حال
وحید رشیدوش

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش
گردشگری شهری؛ موردپژوهی: شهر ساحلی چابهار
مریم ده بالائی، علی ریگی

توسعه پایدار شهری بر مبنای رشد هوشمند شهری تحلیلی بر مولفه‌ها،
ویژگی‌ها و مزایای شهر هوشمند
مازیار ابراهیمی. مریم معرف

غم در شعر فروغ فرخزاد
بابک دهقانی، فریده انصاری

سقف شیشه‌ای، از چالش‌ها و راهکارها تا توانمندسازی زنان
اسداله مهر آراء، سیده فاطمه شفیع پور، ربابه دیانتي، علیرضا زارع زیدی

بررسی اثر موسیقی بر امواج مغزی: مطالعه الکتروانسفالوگرافی کمی
حدیث غفاری خلیق، احمد علی پور

بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس‌داری معلمان در مدارس و مراکز
آموزشی
معصومه افشارنیا، رضا عباسی، مرتضی دسترنج

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی

سال سوم، شماره دو (پیاپی: ۱۰)، تیرماه ۱۳۹۷

شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

میلاد فتحی

سر دبیر: امیر حسین یوسفی

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی نشریه:

سرکار خانم دکتر پریسا آروند، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر حسنعلی آقاچانی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر سجاد اکبری، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علیرضا اکرمی، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر اعظم بابکی راد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

جناب آقای دکتر محمد باقری، دانشگاه زنجان

سرکار خانم دکتر مرضیه تراجی، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر نغمه خرازیان، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر روح الله رحیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر داود رضائی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر بهادر زمانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

سرکار خانم دکتر مینو شغائی، دانشگاه هنر اصفهان

جناب آقای دکتر جواد شکاری نیری، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر ناصر صنوبر، دانشگاه تبریز

جناب آقای دکتر محمدرضا طبیبی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر مظفر عباس زاده، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علی عمرانی پور، دانشگاه کاشان

جناب آقای دکتر افشین عموزاده، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر غزال کرامتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر امیررضا کریمی آذری، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر محسن کشاورز، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر محمد مهدی گودرزی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان

جناب آقای دکتر مهرداد متین، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر بهزاد محبی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر علیرضا محمدی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر حسین مدی، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر مهدی مقیمی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر علیرضا مهدی زاده، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر سید محسن موسوی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر کیانوش ناصرالمعمار، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

جناب آقای دکتر امیر هوشنگ نظر پوری، دانشگاه لرستان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

فراخوان پذیرش مقاله

نقش علوم انسانی و هنر با کارکرد انتقادی در خصوص طرح سوالات بنیادین در فلسفه و مبانی علمی به عنوان ابزاری برای دستیابی به تفکر نواندیش، خلاق و کارآفرین در زیرساخت‌های سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسیاری در فرآیند توسعه برخوردار است. از اینرو می‌توان گفت دستیابی به توسعه بومی، همه جانبه و پایدار، جز با بذل توجه به پژوهش و مطالعه در حوزه علوم انسانی و هنر میسر نخواهد شد.

ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و مطالعات علمی، از مسیر انتشار نتایج مطالعات علمی و تخصصی پژوهشگران می‌گذرد. با این نگاه نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی توسط موسسه تحقیقاتی مدیریت دانش شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه پژوهش هنر و مطالعات علوم انسانی می‌پردازد.

از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات علوم انسانی و هنر دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود به از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.rahs.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

محورهای نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی:

- | | |
|---|--|
| مطالعات هنر: | پژوهش‌های علوم انسانی: |
| ۱- هنرهای پژوهشی و پژوهش در هنر | ۱- علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی |
| ۲- هنرهای نمایشی و سینما | ۲- زبان‌شناسی، ادبیات و آموزش |
| ۳- مرمت، احیا و بازسازی | ۳- علوم جغرافیایی |
| ۴- هنرهای تصویری و طراحی | ۴- علوم تاریخ و باستان‌شناسی |
| ۵- موسیقی | ۵- فلسفه، الهیات و معارف اسلامی |
| ۶- معماری و شهرسازی | ۶- روانشناسی و علوم تربیتی |
| ۷- هنرهای تجسمی و موضوعات دیگر در هنر | ۷- حقوق |
| ۸- دیگر موضوعات در مطالعات هنر و پژوهش‌های میان رشته‌ای | ۸- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل |
| | ۹- حسابداری، مدیریت و علوم اقتصادی |
| | ۱۰- دیگر موضوعات در علوم انسانی و پژوهش‌های میان رشته‌ای |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	سیر تحول فرهنگ و تمدن درس‌رزمین آذربایجان (آتروپاتگان) از گذشته تا حال وحید رشیدوش
۱۳	بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش گردشگری شهری؛ مورد پژوهی: شهر ساحلی چابهار مریم ده بالائی، علی ریگی
۲۵	توسعه پایدار شهری بر مبنای رشد هوشمند شهری تحلیلی بر مولفه‌ها، ویژگی‌ها و مزایای شهر هوشمند مازیار ابراهیمی، مریم معرف
۳۵	غم در شعر فروغ فرخزاد بابک دهقانی، فریده انصاری
۴۵	سقف شیشه‌ای، از چالش‌ها و راهکارها تا توانمندسازی زنان اسداله مهرآرا، سیده فاطمه شفیع پور، ربابه دیانتي، علیرضا زارع زیدی
۵۹	بررسی اثر موسیقی بر امواج مغزی: مطالعه الکتروانسفالوگرافی کمی حدیث غفاری خلیق، احمد علی پور
۷۳	بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس‌داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی معصومه افشارنیا، رضا عباسی، مرتضی دسترنج

سیر تحول فرهنگ و تمدن در سرزمین آذربایجان (آتروپاتگان) از گذشته تا حال

وحید رشیدوش

استادیار و عضو هیات علمی دپارتمان مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

rashidvash@yahoo.com

چکیده

سرزمین آذربایجان که امروزه شامل استان‌های آذربایجان غربی، شرقی، اردبیل و زنجان می‌باشد یکی از سرزمین‌های باستانی و مهم ایران است که بر اساس اسناد، مدارک تاریخی و باستان‌شناسی از هزاران سال پیش محل سکونت اقوام و جوامع مختلف انسانی بوده است. آذربایجان را دروازه مشرق زمین نامیدند و این سخن از اهمیت سوق الجیشی این خطه می‌باشد. این موقعیت حساس سبب گردیده است که آذربایجان محل وقوع رخداد‌های بسیار تاریخی گردد. به گواه تاریخ منطقه غرب ایران، خصوصاً آذربایجان مهد تمدن بشری بوده است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای به بررسی و مطالعه سرزمین آذربایجان (آتروپاتگان) از لحاظ مردم‌شناسی و تاریخی پرداخته است.

واژگان کلیدی: فلات ایران، آذربایجان، تاریخ و تمدن آذربایجان.

۱- مقدمه

فلات ایران به علت دارا بودن موقعیت طبیعی و شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی، و همچنین به دلیل داشتن سابقه تاریخی طولانی، موجب شده تا این سرزمین در زمره یکی از نخستین تمدن‌ها، زیستگاه‌ها و کانون‌های اجتماعی انسان پیش از تاریخ به شمار رود و مطالعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و دیرینه‌شناسی نیز این موضوع را تایید کرده است. شاید بتوان گفت که دو عامل بزرگ در پیدایش تحول، عظمت، انحطاط و احیای تمدن ایرانی وظیفه بزرگی را انجام داده اند:

یکی عامل جغرافیایی و وضع طبیعی کشور ایران می باشد که از ابتدای پیدایش تمدن ایرانی، این کشور در تحولات بشری وظیفه خود را چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی بخوبی ایفا کرده است و شاید هم یکی از عللی که مانع شده است با وجود حملات و تهاجمات پی در پی یونانیان، مغولان و بخصوص ترکان که بزرگترین خطر برای هویت و موجودیت ایران به شمار می رفته، بکلی تمدن ایرانی رو بزروال نرود و هویت خود را حفظ کند.

عامل دوم نبوغ ذاتی ایرانی است که مانع شده است که تمدن ایرانی بکلی پایمال شود، چون سایر اقوام و ملل قدیم چه سامی و چه نژاد زرد پس از آنکه دوران درخشندگی خود را پیمودند، در اثر عوامل متعددی رو به انحطاط گذاشتند. در حالی که اقوام ایرانی به علت نبوغ ذاتی و هوش سرشار خود همیشه پس از مدت کوتاهی که تحت سلطه اقوام دیگر قرار میگرفتند تسلط معنوی خود را بر فاتحان تحمیل و آنها را در خود جذب می کردند. بطوریکه اقوام تازه وارد رنگ ایرانی به خود میگرفتند و تمدن ایرانی مجدداً حیات خود را بدست می آورد. (مجیرشیبانی، ۱۳۴۳؛ ۱۳۷) منطقه شمال غرب ایران، سرزمین آذربایجان به گمان قوی، توأم با اراضی حاشیه مدیترانه و شمال آفریقا، مناطقی بودند که نیاکان بشر در آنجا زندگی می کردند. این خطه محل ظهور زردشت بود که شاگردانش، معلّمان سقراط و فیثاغورث بودند. اقوام این دیار، نه تنها مربیان اقوام مهاجری بودند که

از سرزمین‌های دور دست به این خطه آمده و تحت تاثیر مردمان متمدنش قرار گرفته‌اند، بلکه دیگر ملل جهان نیز وامدار تمدن‌های درخشان آن بودند. (سرداری نیا، ۱۳۸۷؛ ۴۱) این منطقه از سرزمین ایران به عنوان محل احتمالی پیدایش کشاورزی و دامداری مطرح شده که به نوبه خود ویژگی‌های علمی و خصوصیات جغرافیایی باستانی منطقه را تایید میکند. سرزمین پر رمز و راز قره داغ (ارسباران) به عنوان منطقه‌ای که تمدن انسانهای اولیه از آن جا شروع شده است، مورد توجه دانشمندان و اهل تحقیق می باشد. با توجه به اکتشافات متعدد، می‌توان به این حقیقت پی برد که این منطقه در دوره آشل «آغاز عصر حجر قدیم»، موسسه «واسط عصر حجر قدیم و دوران یخبندان» و اورینیاک «اواخر عصر حجر قدیم» خالی از سکنه نبوده است.

۲. فرهنگ و تمدن ایرانی در گذر تاریخ:

تمدن به طور کلی، نظمی است که در اجتماع و جامعه به وجود می آید و در پی آن خلاقیت فرهنگی رواج و رونق پیدا میکند. (دورانت، ۱۳۹۶؛ ۱۷) فلات ایران در طول قرن‌ها جایگاه قبایل و ملل بسیاری بوده است که در مجاورت یکدیگر زندگی میکردند. هزاران سال قبل اقوامی مهاجم یا مهاجر که به آنها نام آریایی داده شده است از آسیای مرکزی به سمت جنوب مهاجرت کرده و وارد فلات ایران شده اند و سه گروه مهم آنها در فلات ایران (فارس ها در مرکز و جنوب، پارت‌ها در شمال شرق و مادها در غرب و شمال غرب) استقرار یافتند. بخشی از این اقوام به سمت شبه قاره هند و بخش دیگر به سمت اروپا مهاجرت کرده و اقوام مدرن هندواروپائی را پدید آورده‌اند. ورود آریاییها به فلات ایران در گروه‌های گوناگون بزرگ و کوچک طی تقریباً هزار سال (از هزاره دوم شروع شده) به طول انجامید و سرانجام در اوایل هزاره اول قبل از میلاد جایگزین و سپس ایجاد فرمانرواییان آنان در نقاط گوناگون این سرزمین شکل گرفت. فلات ایران با این اقوام تازه نفس آریایی زندگی تاریخی نوین خود را آغاز کرد که دوران ایران باستان را شکل داد. ماد نام سرزمینی بود که تیره ایرانی مادها در آن ساکن بودند. این سرزمین در برگرفته بخش غربی فلات ایران می باشد. آنها توانستند در اوایل قرن هفتم قبل از میلاد اولین دولت ایرانی را تأسیس کنند. (دیاکونف، ۱۳۸۳؛ ۱۲۴) دولت ماد در ۵۵۰ پیش از میلاد به دست کوروش منقرض شد و سلطنت ایران به پارسی‌ها منتقل گشت.

هخامنشیان (۳۳۰ - ۵۵۰ پیش از میلاد) نام دودمانی پادشاهی در ایران پیش از اسلام است. پادشاهان این دودمان، از پارسیان بودند و تبار خود را به هخامنش می‌رساندند که سرکرده خاندان پاسارگاد از خاندان‌های پارسیان هخامنشیان، ابتدا پادشاهان بومی پارس و سپس انشان بودند. در طی سال‌ها و بر اثر تحولات سیاسی و لشکرکشی دولت‌های دیگر، این کشور همواره شاهد یکسری تغییرات نژادی و آمیختگی قومی بود. به عنوان مثال میتوان از لشکرکشی‌های صورت گرفته به ایران، به لشکرکشی اسکندر مقدونی، نفوذ و غلبه تمدن یونانی اشاره کرد. اما با این حال تمدن یونانی نتوانست مدت طولانی سلطه و نفوذ خود را در ایران نگاه دارد و همینکه اشکانیان توانستند وحدت سیاسی خود را بدست آورند و حکومت مقتدری تشکیل بدهند کم کم نفوذ تمدن یونانی و هلنیسم رو به زوال رفت. (بویس و گرئر، ۱۳۷۵؛ ۷۱) در دوره ساسانیان جنگ‌های ایران و روم به اوج رسیده بود. ساسانیان موفق شدند که هویت فرهنگی، نظامی و مذهبی ایران‌شهر را نزدیک به چهارصد سال گسترش دهند (هوار، ۱۳۸۴؛ ۱۵۹) و مرزها حکومتشان را تا سالهای پایانی برپایی‌شان، به گستره امپراتوری هخامنشی نزدیک‌تر کنند. اما با این حال با گذشت زمان، دستگاه مذهبی در کار کشورداری و دربار، نفوذ بسیاری نمود و نبردهای چندین ساله با رومیان نیز، حکومت را در آستانه فروپاشی قرار داد. (کریستن سن، ۱۳۷۷؛ ۵۷۶)

امپراتوری پهناور ساسانی که از رود سند تا دریای سرخ وسعت داشت، در اثر مشکلات خارجی و داخلی ضعیف شد. در دوره یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی، مسلمانان به ایران حمله کردند و ایرانیان را در جنگ‌ها شکست دادند و بدین ترتیب دولت ساسانی از میان رفت. ساسانیان اولین سلسله‌ای در ایران هستند که ایده ایران‌شهر را به عنوان یک ایده سیاسی و هویت فرهنگی ایرانیان برپا کردند. (زرین کوب، ۱۳۸۴؛ ۲۳۲) حضور و گسترش دین مقدس اسلام در ایران، دگرگونی‌های عظیمی در تمامی سطوح زندگی مردم این سرزمین به وجود آورد. دین مقدس اسلام همه نیروهای انسانی را محترم شمرد و برابری و برادری را در بین مردم ترویج داد. مردم مسلمان ایران در زیر سایه دین مقدس اسلام و حضرت محمد(ص)، شخصیت والای

انسانی، ارزش های واقعی و معنوی خود را بدست آورده اند و چنان شخصیتی یافته بودند که بزرگترین افتخارشان انسان بودن به شمار می رفت. آمیختگی قومی و نژادی در فلات ایران محدود به رومی ها نمی شود. بلکه در دوره های مختلف تاریخی مهاجرت های دیگری توسط ترکان غزنوی، سلجوقیان و مغولان به ایران انجام گرفت. شمار ترکان در شرق نزدیک افزایش یافت. این افزایش یا از راه دادوستد بود یا از جایگزین شدن آنان در سرزمینهای اسلامی چه گروهی و قبیله ای و چه انفرادی صورت می گرفت. (فرای، ۱۳۸۸؛ ۲۳۱)

ترکان غزنوی و سلجوقیان، که بزرگ ترین دسته از مهاجرین را تشکیل میدادند پس از ورود به ایران، در این کشور ماندگار شدند. هجوم وحشیانه مغول به فرمانروایی چنگیزخان با بهره گیری از بی تدبیرهای سلطان محمدخوارزمشاه که برای مردم، فرهنگ و تمدن ایران مصیبت بزرگی بود و باعث کشتار بسیاری از مردم بی گناه و به ویرانی تعدادی از شهر های آباد که با زحمات چند نسل به وجود آمده بود گردید. حمله چنگیزخان مغول از دیگر عوامل مهاجرت طوایف پرجمعیت زردپوست مغول و تاتار بود که موجب پیدایش موج جدیدی از ترکیب نژادی در ایران شد. هنوز خاطره خشونت مغولان از ذهن ایرانیان پاک نشده بود که فرمانروای خونریزی دیگری که خود را از نسل مغولان میدانست ظهور کرد. او تیمورگورگانی بود که به تیمور لنگ نیز شهرت داشت. (یوسف جمالی، ۱۳۷۷؛ ۶۶)

علاوه بر این مهاجرت ها، حکومت های ایران برای جلوگیری از دست اندازی کشورهای همسایه، اقدام به کوچاندن قبایل کوچ نشین مانند: ازبک ها، بربرها و ترکمن ها به داخل کشور کردند. اقوام کم جمعیتی نیز وجود دارند که هم زمان یا در تاریخ های گوناگون به ایران مهاجرت کردند. ارامنه، گرجی ها، لک ها، آسوری ها، یهودی ها، هندوها و کولی ها از جمله این اقوام اند. که هر کدام از این اقوام تأثیرات بسیاری در فرهنگ و تمدن ایرانی برجا گذاشتند. اما با ظهور حکومت صفوی، چرخش مذهبی جامعه در این عصر وارد دورانی شد که در حیات فرهنگ و تمدن ایرانی بسیار اثر گذار بود و باعث گردید تا پایتخت های آن دوران هم چون اصفهان با بهره گیری از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی به کانون و قطب های بزرگ فرهنگ و تمدن ایران و جهان مبدل گردد و مجدداً فرهنگ و تمدن ایرانی از زیر خاکستری که تا آن روزگار به خاطر ورود برخی از اقوام پنهان بود پرتو افکند و دنیای زمانه خود را از نور خورشید روشن سازد و حتی قسمتی از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را به دنیای غرب هدیه دهد. در این دوره شکوفایی هنر بیشتر در قالب نقاشی، معماری، فرش، سفال سازی و ... و آن هم بیشتر به خاطر علاقه پادشاهان آن زمان به هنر بود. در دوران طولانی سلطنت شاه طهماسب (۷۶ - ۱۵۲۴ / ۸۴ - ۹۳۰) فنون مختلفی که هنر کتابسازی را تشکیل می دادند به منتهی درجه کمال رسیدند این تا حد زیادی به واسطه آن بود که شاه طهماسب نه تنها یک حامی مشتاق هنر بود بلکه خود نیز اوقات زیادی از جوانی را صرف آموختن نقاشی کرده بود. به طوریکه وی در تذهیب سرلوحه، صفحه عنوان نوشته ها مهارت داشت. (سیوری، ۱۳۷۸؛ ۱۲۵)

نخستین کارگاه قالببافی در زمان سلطنت شاه عباس کبیر (۱۶۲۹ - ۱۵۸۸ / ۱۰۳۸ - ۹۹۶) در اصفهان ساخته شد. بخش از شهرت مستمر فرش ایران و ایرانی به واسطه کیفیت برتر آن و بخشی به واسطه کمال و بزرگی آن در رنگ و طرح می باشد. (سیوری، ۱۳۷۸؛ ۱۳۳) در این دوره کارهای کوزه گران صفوی از معیار بالایی برخوردار بود و خشت های سفالین آنها بی نظیر بود. واژه فارسی برای خشت لعابدار، کاشی است و از نام شهر کاشان اقتباس شده که از اوایل دوران اسلامی به عنوان مرکز صنعت سفال سازی مشهور بود. در زمان صفوی اصفهان و مشهد نیز به صورت مراکز عمده این صنعت در آمده بودند و رنسانسی در هنر سفالسازی دراه بود. کوزه گران صفوی به تقلید کورکورانه از الگوها و سبک های دوران قبل نپرداختند بلکه انواع جدیدی از محصولات سفالین را تکامل دادند و قوه تخیل و ابتکار خود را به کار انداختند. (سیوری، ۱۳۷۸؛ ۱۳۹) قاجاریه که از طریق پیروزی بر زندیه وارث سازمان دولتی بازمانده از افشاریه و صفویه بود تختگاه خود را در طهران که بیش از شیراز و اصفهان با مراکز نیروی عشایر خود نزدیک بود انتخاب کرد و خود را میراث خوار واقعی خاندان صفویه و لاجرم ادامه دهنده شیوه حکومت آنها می دانستند. در این دوران حوادث ناگواری در این ملک رخ داد که بالنتیجه منجر به ضعف این کشور و بر باد رفتن قطعات آن و اعمال نفوذ بیگانگان و متزلزل شدن اساس استقلال ایران گردید. از دست رفتن هر قطعه از خاک ایران آن

هم به بهای گزاف شهادت مردم فداکار در طی جنگ‌های ناخواسته طبق معاهده‌های ننگین گلستان و ترکمانچای از مهمترین حوادث جبران نشدنی در تاریخ ایران می باشد.

۳. گروه‌های نژادی در ایران

به طور کلی سه نژاد مخصوص در ایران وجود دارد.

۱. ایرانیان یا فارسی‌ها که در کوهستانهای البرز و زاگرس در جنوب و شمال تا سفیدرود سکونت دارند. اکثریت ساکنان تهران و قزوین ازین گروه هستند که از لحاظ لهجه و همچنین خصوصیات بدنی هیچ‌گونه تفاوتی با سایر اقوام ساکن در فلات ایران ندارند.

۲. مازندرانی‌ها و گیلانی‌ها که در ولایات ساحلی بحرخرساکن هستند که به وسیله تقسیم آب وهوای شمالی البرز از جمعیت فارسی زبان دره های البرز جدایی باشند. این گروه و دسته از مردم جزء ایرانی اصیل محسوب می شوند که دارای قیافه تیره رنگ پریده، چشمان مشکی، مو و ریش سیاه و انبوه می‌باشند.

۳. ترکها که در قسمتهای شمال و شمال غربی و تا حدودی در نواحی مرکزی ایران ساکن می باشند، معمولاً از اولاد کسانی هستند که به ایران مهاجرت کرده و میان فارس‌ها استقرار یافتند. شهر ساوه که در جنوب تهران واقع شده است کاملاً فارسی‌نشین است ولی دهات اطرافش تا چند مایل ترک هستند. در حدود یک سوم جمعیت شهر قزوین در غرب تهران و قسمت کوچکی از جمعیت تهران ترک می‌باشند. در طول تاریخ اقوام بسیار زیادی به ایران هجوم و یا مهاجرت کردند که هر کدام دارای فرهنگ و نژاد مخصوص به خود بودند.

۴. علاوه بر گروه‌های نژادی فوق عده ای ارمنی، کلدانی و اقلیت های دیگر در شهرهای دیگر مخصوصاً تهران و اصفهان زندگی می‌کنند. (سعیدیان، ۱۳۷۵: ۵۳)

۴. نام آذربایجان

بخش اعظم فلات ایران که بین دره سند و جیحون، کوههای زاگرس و قفقاز قرار گرفته است، فلات آذربایجان (آتروپاتگان) بخش شمال آن را تشکیل می‌دهد. اوضاع طبیعی آذربایجان (آتروپاتگان) در اوایل دوران سوم زمین شناسی پوشیده از آب دریای بزرگ بود که تئیس نامیده میشد. در نتیجه دگرگونی های عظیم در پوسته زمین و حرکات کوه زایی و فعالیت‌های آتشفشانی شدید، چهره جغرافیایی فلات آذربایجان (آتروپاتگان) شکل نهایی خود را گرفت. (درویش زاده، ۱۳۷۰؛ ۶۵) شکل طبیعی و جغرافیایی، در سرنوشت و روی دادهای تاریخی این سرزمین تاثیر داشته است. مادها مردمانی بودند آریایی نژاد و در ابتدای قرن هفتم قبل از میلاد سلطنت ماد را تأسیس کردند. چه زمانی این مردم به ایران آمده اند و در جنوب آذربایجان کردستان امروزه سکنی گزیده اند درست معلوم نیست. عقیده دمرگان که حفريات شوش را اداره می‌کرده، این است که در دو هزار سال قبل از میلاد به ایران آمده‌اند و از قفقاز گذشته و چون نتوانسته اند با دولت قوی آرات^۱ طرف شوند، آذربایجان امروزه و کردستان را متصرف شده اند و در اوایل قرن هفتم پیش از میلاد سلطنت مستقلی تشکیل داده اند و سرانجام سلسله ماد بعد از ۱۵۸ سال سلطنت در سال ۵۵۰ قبل از میلاد بوسیله کوروش کبیر منقرض و آذربایجان جز ایالات پارس در آمد. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۸۷)

آتروپات یا آرتابازان یا آتروپاتن یا آذرپد یا آذرپاد یا آذرباد در عهد داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشین، ساتراپ (شهربان) ماد بود. وی پس از جنگ و شکست داریوش سوم توانست لشگری عظیم گردآوری کند تا بلکه جلو اسکندر را بگیرد. ولی قبل از اینکه داریوش از دجله عبور کند اسکندر از فرات و دجله گذشت. روز اول اکتبر سال ۳۳۱ ق.م در مشرق دجله در نزدیک شهر آشور (آربل) در کنار دهکده گائوگامل جنگی در گرفت. در این نبرد آتروپات فرمانده مادها بود. در نبرد گائوگامل

۱. اقوام اورارتو در شمال دریاچه ارومیه بین صوفیان و سلماس ساکن بوده اند.

که به شکست داریوش انجامید، داریوش به اکباتان گریخت و از آنجا به شرق رفت. از طرف دیگر آتروپات هم به حضور اسکندر نیامد و گرچه ظاهراً از داریوش هم حمایت نکرد. آتروپات در ابتدا تمایل داشت که با اسکندر جنگ کند اما نه نیرو و نه امکانات داشت و نه مقدرات مقتضیات فراهم بود. آتروپات به منظور همکاری با اسکندر، باریاکس که لقب پادشاه پارس و ماد را داشت تسلیم وی نمود و آخر الامر آتروپات هم از طرف اسکندر به سمت ساتراپ ماد انتخاب شد. (دیاکونوف، ۱۳۸۳؛ ۸۵) جغرافی نگاران عهد قدیم ماد را به دو یا سه بخش تقسیم کرده اند. ماد بزرگ که با عراق عجم قرون بعد مطابق است و ماد کوچک شامل آذربایجان و قسمتی از کردستان می‌شد. بعضی به سه ماد قائل شده. ماد رازی یا ری که آن را جزء عراق عجم می‌دانند. (رئیس نیا، ۱۳۶۸؛ ۲۶۹) دیاکونوف سرزمین ماد را شامل سه بخش می‌داند: ماد آتروپاتن که شامل آذربایجان و کردستان کنونی ایران بود. ماد سفلی از طرف شمال به رشته کوه های البرز و از مغرب به رشته کوه های زاگرس محدود می‌شود. ماد پارتاکنا، که شامل اصفهان می‌باشد. اما اکثر مورخین معتقد هستند که ماد دارای دو سرزمین بود: ماد بزرگ که شامل همدان می‌شد. ماد کوچک که شامل آذربایگان می‌شد.

بنابر داده ها و مدارک تاریخی آذربایجان در دوران هخامنشیان و پیش از آن جزوی از قلمرو ماد بوده است و قسمت شمال غربی آن را تشکیل می‌داده است. تاریخ این ناحیه را پیش از تأسیس دولت ماد، باید در تاریخ دولت اورارتو جستجو کرد.^۱ کادوسیایان در دوره قراسو ساکن بوده اند و اورارتوها و مانائیت ها در غرب جنوب و شرق دریاچه ارومیه حاکمیت داشتند و در بخش شمالی آن قبیله دالیان سکونت داشتند. در دوران باستان، آذربایگان جزو مملکت ماد بوده و ساکنان آن از طوایف آریایی به شمار می‌رفتند که از آسیای مرکزی مهاجرت کرده و در بعضی از نواحی آسیای غربی متوطن شده بودند. پس از داریوش سوم و مرگ اسکندر در ۳۲۳ ق.م و روی کار آمدن سلوکیدها، آذربایجان با قسمتی از نواحی مجاور به صورت ساتراپ نشین در آمده و به اعتبار نام آتروپاتن فرمانروای ایرانی، این سرزمین به نام آتروپاتکان یا آذربایگان نامیده شد. نام آذربایجان که اصل آن آتورپاتکان بوده از زمان اسکندر ماکدونی که تاکنون بیست و سه قرن فزونتر است پیدا شده است. آذربایگان یا آتروپاتکان که اکنون یک کلمه شمرده می‌شود در اصل از سه کلمه ترکیب یافته است:

- آتور: این کلمه یکی از کلمه های مشهور فارسی کهنه یا پهلوی می باشد به معنی آتش است. این کلمه سپس آذر شده که هنوز در فارسی امروزه متداول می‌باشد.
- پات: مصدر پائیدن که به معنی نگهبانی کردن است. در پهلوی پاتن بوده. گویا پات، آتورپاتکان هم مشتق از آن است که از این رو معنی آتورپات «آتش نگهدار» و معنی ورتپات «گل نگهدار» بود.
- کان: این کلمه که سپس گان با کاف فارسی گردیده است، در آخر نامهای شهرها و ده های فراوان آمده، چنانکه اردکان، گرگان، زنجان، ارزنجان و بسیار مانند اینها. (سپهروند، ۱۳۸۱؛ ۳۴)

به هر حال معنی آذربایگان یعنی سرزمین یا شهر آذرپاد. البته شکل نخست و دیرین آن آتورپاتکان بود است. سپس آذرپادگان و سپس آذربادگان و پس از آن آذربایگان شده است.

۵. سرزمین آذربایجان در گذر تاریخ

فلات ایران اولین و مهم ترین گذرگاه انسان مدرن در مسیر مهاجرت به سرزمین های ناشناخته و جهت دستیابی به منابع جدید بوده است. بدین ترتیب تصور عمومی در مجامع علمی بر این است که اولین حضور و استقرار انسان مدرن در فلات ایران چیزی در حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار سال قبل بوده است که شواهد و یافته های سطحی از محوطه های پیش از تاریخ نیز بر همین امر دلالت می‌کنند. بدین ترتیب، انسان مدرن در سرتاسر فلات ایران استقرار و اسکان داشته و پس از طی چند ده هزار سال با پیدایش کشاورزی در حدود ۱۰، ۱۱ هزار سال قبل و سپس اهلی کردن حیواناتی مانند برخی احشام، نقش عمده ای در پیدایش اولین فرهنگ های یکجانشینی و تمدن های اولیه جهانی ایفا کرده است. در حدود چهار هزار سال قبل اقوامی مهاجم یا مهاجر که

۲. این ناحیه در قرون هشتم و نهم پیش از میلاد در قلمرو اورارتو بوده است.

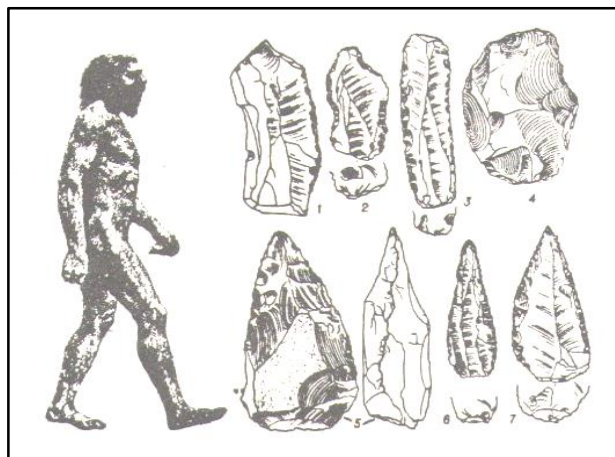
به آنها نام آریایی داده شده است از آسیای مرکزی به سمت جنوب مهاجرت کرده و وارد فلات ایران شده اند و پس از استقرار، سه گروه مهم آنها در فلات ایران^۱، بخشی از این اقوام به سمت شبه قاره هند و بخش دیگر به سمت اروپا مهاجرت کرده و اقوام مدرن هندواروپائی را پدید آورده‌اند. در طی سال‌ها و بر اثر تحولات سیاسی و لشکرکشی دولت‌های دیگر، این کشور همواره شاهد یکسری تغییرات نژادی و آمیختگی قومی بود. به عنوان مثال میتوان از لشکرکشی‌ها و مهاجرت‌های صورت گرفته به ایران، لشکرکشی اسکندر مقدونی، ترکان غزنوی، سلجوقیان و مغولان را نام برد. ترکان غزنوی و سلجوقیان، که بزرگ‌ترین دسته از مهاجرین را تشکیل می‌دادند، پس از ورود به ایران، در این کشور ماندگار شدند. حمله چنگیزخان مغول از دیگر عوامل مهاجرت طوایف پرجمعیت زردپوست مغول و تاتار بود که موجب پیدایش موج جدیدی از ترکیب نژادی در ایران شد. (نواپی، ۱۳۷۰: ۹۷) علاوه بر این مهاجرت‌ها، حکومت‌های ایران برای جلوگیری از دست اندازی کشورهای همسایه، اقدام به کوچاندن قبایل کوچ‌نشین مانند: ازبک‌ها، بربرها و ترکمن‌ها به داخل کشور کردند. با توجه به اکتشافات متعدد، می‌توان به این حقیقت پی برد که این منطقه در دوره آشل «آغاز عصر حجر قدیم»، موسستیه «اواسط عصر حجر قدیم و دوران یخبندان» و اورینیاک «اواخر عصر حجر قدیم» خالی از سکنه نبوده است. زیرا کاوش‌های باستان‌شناسی سابقه زندگی انسان در این سرزمین را تا دوران پارینه سنگی پیش می‌برد. این دوران، طولانی‌ترین عصر زندگی انسان است و نزدیک به یک میلیون سال عمر دارد. این عصر از اوایل دوران چهارم زمین‌شناسی از حدود یک میلیون سال پیش شروع شده تا هزاره ۱۲ ق.م ادامه می‌یابد.^۲ از کاوش‌های باستان‌شناسی چنین بر می‌آید که ساکنان آذربایجان تا پیش از اواخر دوره میانه سنگی و اوایل نوسنگی غالباً در غارها و کوه‌ها به سر می‌بردند. پیدایش غار آزیخ در کناره شمالی رود ارس در چند سال اخیر و کاوش‌های باستان‌شناسی در آن غار، دستاوردهای علمی گرانبه‌ای را در دسترس دانشمندان قرار داده است. این غار یکی از اقامتگاه‌های دسته‌جمعی انسان‌های پیش از تاریخ است.

یکی از جالبترین یافته‌های غار آزیخ سنگواره قسمتی از فک پایین یک انسان بود که در حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ هزار سال پیش زندگی می‌کرده است. این انسان که آزیخ آنتروپ نامیده می‌شود از نظر ویژگی‌های آنتروپولوژی، شباهتهایی با انسان سین آنتروپ، هایدلبرگ و نئاندرتال^۳ دارد. کشف فک آزیخ آنتروپ در سال ۱۹۶۹ در آذربایجان به عنوان پنجمین حادثه جهانی به ثبت رسیده است. انسان آزیخ آنتروپ و پیرامونیانش، خالق یکی از کهن‌ترین تمدن‌های تاریخ بشریت بودند که باستان‌شناسان، آن را تمدن قوروچای نامیده‌اند. (سرداری نیا، ۱۳۸۷: ۳۴) انسان این دوره آتش را می‌شناخت و در زنده نگه داشتن آن پیوسته تلاش می‌کرد و همین تلاش برای زنده نگه داشتن آتش شاید دلیلی باشد برای اینکه چرا آتش پرستی یکی از ادیان باستان آذربایجان بوده و حتی چنان که گذشت بعضی از دانشمندان نام این سرزمین را با آتش پرستی مرتبط داشته اند و از سده‌های بعد دیار آتش نامیده‌اند.

۱. این سه گروه عبارتند از: (فارس‌ها در مرکز و جنوب، پارت‌ها در شمال شرق و مادها در غرب و شمال غرب).

۱. بعد از عصر پارینه سنگی، عصر میانه سنگی قرار دارد که از هزاره ۱۲ ق.م شروع شده تا هزاره ۶ ق.م ادامه پیدا می‌کند. عصر نوسنگی نیز از هزاره ۶ ق.م تا هزاره ۳ ق.م را در بر می‌گیرد.

۲. انسان نئاندرتال از این جهت به او داده شد که استخوان‌های او اولین بار در سال ۱۸۵۶ در غاری به نام نئاندرتال در آلمان به دست آمد. (شربتیان، ۱۳۹۲: ۴۶)



تصویر شماره ۱- آزیخ آنتروپ و ابزارهای سنگی یافته شده در غار آزیخ (رئیس نیا، ۱۳۶۸: ۱۲۸)

در اواخر دوران پارینه سنگی که پارینه سنگی نوین نامیده می شود، انسان به تدریج در دشت ها و دره ها فرود آمد و با این فرود گامی بسیار بلند در جاده ناهمواره تمدن به پیش برداشت. در نتیجه تکامل و تدریجی نیروهای مولد و گذار به یکجانشینی، زندگی دسته جمعی انسان استحکام بیشتری یافت. گله های انسانی بتدریج به سازمان اجتماعی تبدیل شدند. اشیای بدست آمده از اقامتگاه های انسانهای اولیه در آذربایجان حاکی از رواج دامداری و کشاورزی در اواخر دوران میانه سنگی و اوایل نوسنگی در این سرزمین است. از همین زمان کشاورزی و دامداری به صورت دو پایه اصلی زندگی ساکنین این منطقه در می آید. از مهمترین این سکونتگاه ها می توان به دشت مغان، گوی تپه، یانیق تپه، تپه حسنلو در غرب، جنوب و جنوب غربی آذربایجان اشاره کرد.

یانیق تپه که قره تپه نیز نامیده می شود در فاصله ۳۱ کیلومتری جنوب باختری تبریز در ۶ کیلومتری شمال باختری خسرو شهر در جوار دهی به نام تازه کند و آبادی کوچکی به نام قشلاق قره تپه قرار گرفته است. این طبقه که ارتفاعش از سطح اراضی اطراف ۱۶/۵ متر و وسعتش در حدود ۲۰ آکر (۸۰ هزار متر مربع) است یکی از بزرگ ترین تپه های باستانی پیش از تاریخ نزدیک به دریاچه ارومیه به شمار می آید که در سال ۱۳۳۷ / ۱۹۵۸ م مورد بررسی و خاک برداری قرار گرفت. (دیباچ، ۱۳۴۶؛ ۲۲) کاوشهای باستان شناسی در این منطقه نشان دهنده این مطلب می باشد که این محل در حدود اواخر هزاره سوم قبل از میلاد^۱ دارای چشمه ها و جویبارهایی بوده و برای زندگی انسان شرایطی مناسب داشته است و ساکنان آن در آن دوران جماعتی بوده اند کشاورز و دام پرور یک جا نشین. یافته شدن اسباب دستیء داس سنگی، مقداری بقایای کاه و پوشال در انباری یکی از خانه ها و نیز کشف استخوان حیوانات اهلی در محدوده حفاری شده همه حاکی از رواج کشاورزی و دام پروری در میان جماعت ساکن تپه است. همچنین کشف خانه هایی دایره ای متعلق به این اقوام و نقش ها و تزئینات روی سفال های یافته شده در جریان کاوش های انجام شده در این منطقه حاکی از تاثیر زندگی چادر نشینی بر فرهنگ و ذهنیت این اقوام می باشد. (رئیس نیا، ۱۳۶۸؛ ۱۴۶) غیر از وسایل و ابزارهای یاد شده آلات و ادوات و ظروف دیگری چون هاون، تیشه و تیغه سنگی، یک تیغه خنجر مسی، دو مهر از گل نیخته، ۴ چراغ گلی، سبوها و بادیه ها و خم های دهان گشاد و بزرگ و کوچک و بی دسته و دسته دار، سفال زیادی نیز در جریان کاوش در یانیق تپه کشف گردید.

تپه حسنلو یکی دیگر از قدیمترین اقامتگاههای بشری می باشد که در کناره جنوبی دریاچه ارومیه در دشت سولدوز در آذربایجان غربی واقع شده است. پیدا شدن جام زرین حسنلو در سال ۱۹۸۵ (۲۳ مرداد ۱۳۳۷ شمسی) با قدمتی سه هزار ساله که صحنه های ورزشی تیر و کمان، مشتش زنی، کشتی گیری، چوگان بازی و ارابه رانی به طور برجسته و با ظرافت تمام در بدنه خارجی آن نمایانده شده است، معلوم می دارد در آن روزگاران در آذربایجان سربسز و پرآب، این ورزشها با آن چنان مورد توجه

۱. مقارن است با اواخر عصر سنگ و مس و اوائل عصر مفرغ در آذربایجان.

بوده که شهرپایان مقتدر آن زمان ضمن تجسم آن بر جام طلا، همواره آن را در کاخ سلطنتی مد نظر داشته اند. پیدا شدن جام نشان دهنده این مطلب است که مردم آذربایجان به آن چنان درجه ای از تمدن رسیده بودند که دو هزار سال پیش از میلاد مسیح توانسته بودند چنین سفال هایی بسازند. به دنبال عصر میانه سنگی، عصر نوسنگی از راه می رسد. مردم دوره نئولیت (نوسنگی) در قوبستان، ناحیه ای در آذربایجان شمالی ایران، برای ضربه زدن های سیلیکاتی سنگهای نوک تیز، از مته های سنگی استفاده می کردند. تهیه ظروف سفالی در این دوره رواج بود. چنین ظروفی در یانیق تپه واقع در نزدیکی تبریز و در فیروزتپه نزدیک قریه حسنلو واقع در ساحل جنوبی غرب دریاچه ارومیه کشف شده است. در این دوران برای پیشرفت دامداری، دامپروری و کشاورزی شرایط مناسبی در آذربایجان وجود داشت. (سرداری نیا، ۱۳۸۷: ۳۶)

آغاز عصر آهن در آذربایجان از اوایل نیمه اول هزاره قبل از میلاد می باشد که پیدایش آهن اسکان بنا گذاری تمدن امروزی را به وجود آورد. در حدود اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم، بازرگانی و شهرنشینی در آذربایجان توسعه یافت و پول بعنوان مقیاس ارزش و وسیله گردش پدیدار گشت. نقش زن در این دوره در آذربایجان به جهت تضمین بقای طایفه و حفظ بستگی های خونی و چه به سبب پرداختنشان به میوه چینی و گردآوری گیاهان و نیز اشتغال به امر کشاورزی و تامین مواد غذایی و نگهداری آن و هم چنین ساختن ظروف سفالین و حفظ آتش داری، نقش قابل توجهی داشت و این وظایف و عملکرد برای زن موقعیت ممتازی را در بین افراد طایفه فراهم آورد. اما همین که دامداری و کشاورزی توسعه یافت و به شاخه اصلی اقتصاد مبدل شد ارزش مردسالاری در جامعه رشد یافت.



تصویر شماره ۲- جام طلای حسنلو، تاریخ کشف ۱۳۳۶، جنس طلا، وزن ۹۵۰ گرم، اندازه ۲۱ سانتیمتر بلندی و ۲۵ سانتیمتر قطر، محل نگهداری موزه ایران باستان.

پیدایش شهرنشینی در آذربایجان یکی از پدیده هایی است که به طور آشکار نمایانگر دگرگونی مهم در اوضاع اجتماعی ساکنین این سرزمین می باشد. وجود زمینهای حاصلخیز، رودهای پرآب، افزایش طبیعی جمعیت و نیازهای روز افزون تولیدی از یک طرف و لزوم دفاع مشترک در برابر هجوم قبایل و اقوام بیگانه از طرف دیگر به رواج شهرنشینی در این سرزمین کمک کرد.^۱ رواج شهرنشینی بی گمان پای به پای تکوین نخستین دولت ها در این سرزمین، رشد و ترقی کرده و در ادوار بعدی و در روزگار سلسله های ماد، هخامنشیان و... از توسعه بیشتری بهرمند بودند. (ملک شهیرزاده، ۱۳۶۵: ۸۷)

با وجود این همه قدمت فرهنگی و تاریخ هنوز در این خطه زرخیز کاوش های علمی و تحقیقات اساسی انجام نشده تا آثار تمدن های درخشان این دیار در معرض دید همگان قرار گیرد. در آن صورت است که عظمت و شایستگی نیاکان متمدن و تاریخ ساز مردم آذربایجان برای جهانیان بهتر شناسانده خواهد شد. دکتر صمد سردار نیا به نقل از دکتر محمد جواد مشکور در

۱. درباره نخستین شهرهایی که در آذربایجان ساخته شد اطلاع دقیقی در دست نیست. اما با توجه به اکتشافات به عمل آمده ابتدا ۲۱ شهر در این سرزمین کشف شد. که می توان به اردبیل، شیز و ارمیه اشاره کرد.

این زمینه می نویسد: آذربایجان با وجود اهمیت و قدمت تاریخی که در تمدن مشرق قدیم و ایران دارد و از روزگاران کهن از طریق دربند، باب الابواب و آسیای صغیر سر راه اقوام مختلف و پلی بین ماورای قفقاز، ایران و بین النهرین بوده است و اقوام از یاد رفته و به یاد مانده ای چون آشوریها، اورارتو، ماننایی، میتانی، سکایی، کیمری، هیتی، کاسی، مادی و پارسی در آن می زیستند، هنوز آنچنان که شایسته است در آنجا کاوش و تحقیقات علمی به عمل نیامده است و با آن که گنج هایی از ذخایر و آثار مدنی و هنری پیشینیان به تحقیق در زیر خاک آن پنهان است متأسفانه تاکنون مانند بیشتر نقاط ایران تاریخ قدیم آن در طاق نیسان مانده است. به عنوان مثال حفاری های محوطه مسجد کبود تبریز در سال های اخیر که از سوی شهرداری تبریز نه برای اکتشافات علمی بلکه جهت ساختمان سازی انجام می شد سبب کشف مقابر متعددی گردید که قدمت تاریخ تبریز را تا بیش از ۳۵۰۰ سال پیش برد. (سرداری نیا، ۱۳۸۷: ۱۸)



تصویر شماره ۳- نمونه ایی از گورهای کشف شده در محوطه مسجد کبود تبریز (سرداری نیا، ۱۳۸۷: ۱۹)

تاریخ آذربایجان به عنوان ناحیه ای مشخص از هنگام دعوی استقلال آتروپات آغاز می شود و از آن زمان به بعد در بیست و سه قرن، مراحل مختلفی را از استقلال و نیمه استقلال و تابعیت دولتهای مرکزی به عنوان ایالتی جداگانه، گذرانده است. به طور خلاصه میتوان چنین گفت که هر گاه در ایران دولتی قوی با روش اداره مرکزی برسر کار بود، آذربایجان به عنوان یکی از ایلات مهم مملکتی از هر جهت تابع آن دولت می شد و هر گاه که یک حکومت مرکزی واحد و نیرومند در میان نبود و یا نظام ملوک الطوائفی به وجود می آمد، آذربایجان دسته کم استقلال داخلی پیدا میکرد. البته لازم به ذکر است که تشکیل دولت ماد در درجه اول، استقرار و تشکیل ناحیه ای آتروپات در آذربایجان در درجه دوم، نقاط عطف تاریخ آذربایجان در پیش از اسلام به شمار می روند. آرتاوازد برجسته ترین و نام آورترین نماینده از فرمانرویان دودمان آتروپات است که در زمان او حکومت آتروپاتکان در حوادث سیاسی منطقه نقش فوق العاده مهمی داشته است. آذربایجان جز در چند سال نخست حاکمیت ساسانیان که حدود ۴۰۰ سال بر ایران حکومت کردند، جزء قلمرو ساسانی بود. به نظر میرسید آتروپاتکان طی دوره حکومت ساسانیان رسماً به عنوان یک ایالات، این نام را به خود گرفته بود. (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۱۱۴)

پایتخت آذربایجان در این دوره شیز یا گنزک بود که در جنوب شرقی دریاچه ارومیه قرار داشت. شیز آتشکده مشهوری داشت که شاهان ساسانی به هنگام رسیدن به سلطنت به زیارت آن میرفتند. (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۹۷) در آغاز قرن پنجم هجری یازدهم میلادی، ترکان غز به فرماندهی سلجوقیان، نخست با دسته های کوچک و سپس به تعداد بیشتر، آذربایجان را اشغال کردند. در نتیجه اهالی ایرانی و نواحی مجاور ماوراء قفقاز حکومت ترکان را گردن گذاشتند. مغولان بر اثر تحریکات خوارزمشاهیان، به ایران و سپس به آذربایجان حمله ور شده اند. با ورود هلاکو خان به ایران، آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی شد که قسمتهای وسیعی از آسیا را در بر می گرفت. مقرر مغولان ابتدا مراغه و سپس به تبریز منتقل شد و شهر تبریز به یکی از

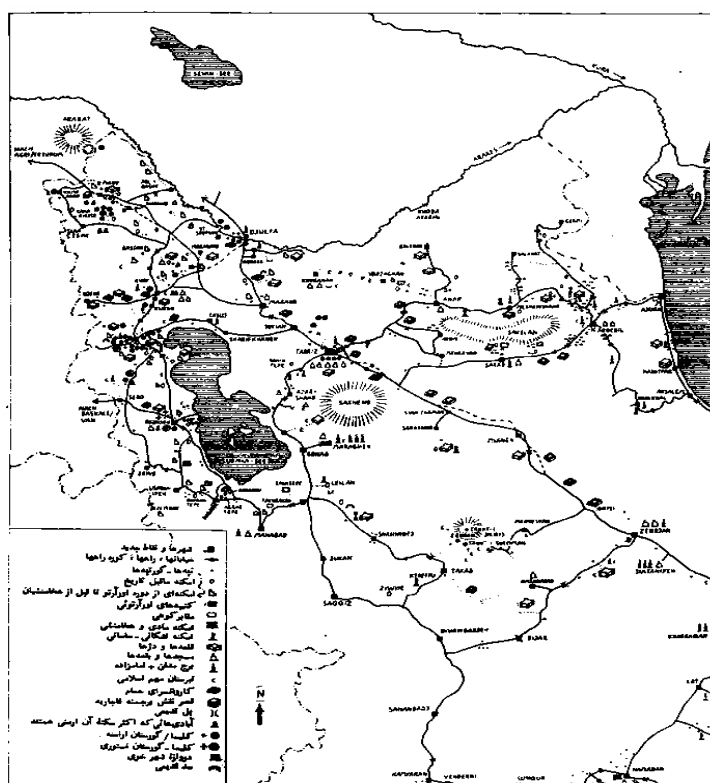
مراکز مهم دنیای آن روز مبدل گشت.^۱ در زمان مغولان آذربایجان به ۹ منطقه تقسیم که جمعا ۲۷ تا شهر داشت. رصد خانه مراغه یکی از یادگارهای علمی و فلکی خواجه نصیر الدین طوسی فیلسوف ریاضیدان و منجم بزرگ دوره ایلخانی است که به دست او و با عده ای از فضلا و دانشمندان در سال ۶۵۷ هجری بنا شده است. این رصد خانه زمانی مشهورترین رصد خانه های اسلامی بوده است که آوازه آن تمام جهان آن روز را فرا گرفته است و تاکنون با این همه تغییرات و تحولات که در جهان پدید آمده است هنوز هم نام رصدخانه و بانی آن بر سر زبان ها می باشد.



تصویر شماره ۴- نمایی از رصد خانه مراغه . عکاس پژوهشگر، بهار ۱۳۹۷.

پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی، تبریز مدتی پایتخت ایران بود و آذربایجان برای شاهان صفوی، سنگرگاه اصلی و مرکز عمده گردآوری قوای نظامی و همچنین محل جنگهای خونین میان سپاهیان ایران و عثمانی گردید. طی بیش از دو قرن حکومت صفوی، آذربایجان چندین نوبت مورد حمله و تهاجم نیروهای عثمانی قرار گرفت و در سالهای ۱۶۰۳ م- ۱۰۱۲ هجری، تبریز و نیمه غربی آذربایجان به طور کلی به اشغال نیروهای عثمانی درآمد. اما درسالهای بعد شاه عباس موفق شد این سرزمینها را دوباره از عثمانیها باز و پس بگیرد. کریم خان زند در سال ۱۱۷۵ هجری، ۱۷۵۵ میلادی آذربایجان را از دست خانهای محلی گرفت، اما پس از مرگ او باز خوانین محلی در این استان سر برآوردند. (شعبانی، ۱۳۷۷: ۲۷) تا اینکه بالاخره آقامحمد خان قاجار در سال ۱۲۰۵ هجری، ۱۷۸۵ میلادی موفق شد که آذربایجان را کاملا مطیع کند. در زمان قاجار تبریز ولیعهد نشین و پیشرفت فراوانی نمود. به طوری که بسیاری از مظاهر تمدن امروزی برای اولین بار در تبریز پایه گذاری شد و در واقع تبریز پایتخت دوم ایران محسوب می شد. تاریخ نیمه اول قرن سیزدهم، مقارن با نیمه اول قرن ۱۹ میلادی از جهاتی چند بخشی از مهمترین بخش های تاریخی است. زیرا در این پنجاه سال وقایع و حوادثی بزرگ در اروپا روی داد که اثرات آن از حدود اروپا خارج شد و در سایر قطعات عالم وارد گردید و ایران نیز به نوبه خود از آثار آن حوادث مهم مانند انقلاب کبیر فرانسه و جهان داری ناپلئون بی نصیب نماند. سیاست خارجی ناپلئون و عشق او به غلبه بر انگلستان خواه یا ناخواه دربار فرانسه و ایران را به هم نزدیک ساخت و نزدیکی این دو به یکدیگر انگلستان را به عرصه کشمکش سیاسی در ایران و آسیای غربی کشاند. از طرف دیگر بزرگترین و طولانی ترین محاربات خارجی ایران و روسیه تزاری در این عصر آغاز شد. (دهقانی، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸) در این دوره و درست زمانی که ملل اروپا و سایر نقاط جهان در راه پیشرفت و ترقی قدم بر می داشتند، شاهان بی کفایت ایران مشغول عیش و نوش درباری بودند. همین مساله و از طرفی، ورود بعضی از افکار دنیای پیشرفته آن زمان، سرانجام موجب رشد افکار عمومی و بالاخره وقوع انقلاب بزرگ مشروطیت گردید که آذربایجان نقش اصلی را در رهبری مشروطه ایفاء نمود. با آغاز جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ م و انقلاب روسیه ۱۹۱۷ و به دنبال شروع جنگ جهانی دوم ۱۹۲۴ م آذربایجان مورد اشغال نیروهای روسیه، ترکان عثمانی و انگلیسیها گردید. ولی در سال ۱۳۲۵ ش ۱۹۴۶ م وضع آذربایجان به کمک حکومت مرکزی به حالت عادی باز گردید. (شمیم، ۱۳۷۷: ۸۸)

۲. شهر تبریز در این زمان دستخوش زمین لرزه شدیدی شد که تقریباً تمام شهر ویرانی گردید.



تصویر شماره ۵- نقشه آثار تاریخی سرزمین آذربایجان. (رئیس نیا، ۱۳۶۸: ۱۰۴۴)

۶. نتیجه گیری

بدین ترتیب با توجه به مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که آذربایجان در تمامی طول تاریخ هویتی ایرانی داشته و بخش لاینفکی از خاک ایران بوده است. بیشترین اهمیت جغرافیایی فلات ایران در این هست که در تمام ادوار تاریخی در تمام حوادث اجتماعی و سیاسی آسیا عامل مهمی بوده و از تمام تمدنهای ملل آسیایی بیشتر به مورخان چیز آموخته است چون در اثر وضع جغرافیایی ارتباط کاملی با تمدنهای مختلف داشته و به واسطه همین رابطه با آنها آموخته است و یا تمدنش در تمدن این اقوام نفوذ یافته و به واسطه همین ارتباط کامل تاریخی با کشورهای متدین همسایه خود موجب گردیده است که ایران یکی از چهارراههایی گردد که در آنجا تمدنهای مختلف به هم برخورد نمودند. در نتیجه همین ارتباط است که ایران دارای تمدن بخصوصی گردیده که مخلوطی از همه تمدنهاست و در حقیقت به هیچ یک شباهت ندارد. سرزمین آذربایجان برای پیشرفت زندگی مادی و معنوی ساکنان خود دارای شرایط طبیعی و اقلیمی روی هم رفته مناسبی بوده و در پرتو همین شرایط است که این خطه یکی از کانونهای کهن تمدن بشری به شمار می رود و مردمانش از دیرباز فرهنگ مادی و معنوی خود را آفریده و هدیه گرانبها به گنجینه تمدن بشری بخشیده اند.

منابع

۱. پیرنیا، حسن، (۱۳۷۰)، ایران باستان، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۲. دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، (۱۳۸۳)، تاریخ ماد، ترجمه: کریم کشاورز، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. درویش زاده، علی، (۱۳۷۰) زمین شناسی ایران، تبریز، انتشارات نیا.

۴. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۶). تمدن ایران و مشرق زمین، مترجمان: حسین کامیاب - محمد امین علیزاده - فاطمه معیت، چاپ ششم، تهران، انتشارات بهنود .
۵. دبباج، اسماعیل (۱۳۴۶) آثار تاریخی و البنیه تاریخی آذربایجان، چاپ اول، تهران، _____.
۶. دهقانی، رضا، (۱۳۹۲)، تاریخ مردم ایران در دوره قاجار، چاپ اول، تهران، انتشاراتبنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۷. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، روزگاران، چاپ ششم، تهران، انتشارات سخن.
۸. رئیس نیا، رحیم، (۱۳۶۸)، آذربایجان در سیر تاریخ از آغاز تا اسلام، چاپ اول، تبریز، انتشارات نیما.
۹. سیوری، راجر، (۱۳۷۸)، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مرکز.
۱۰. سپهروند، مجید، (۱۳۸۱)، مراغه در سیر تاریخ، چاپ اول، تبریز، انتشارات احرار.
۱۱. سرداری نیا، صمد، (۱۳۸۷) سیری در تاریخ آذربایجان، چاپ دوم، تبریز، انتشارات اختر.
۱۲. سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۵) مردمان ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات علم و زندگی.
۱۳. شعبانی، رضا، (۱۳۷۷)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره افشاریه و زندیه، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۹)، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ نهم، تهران، انتشارات مدبر.
۱۵. شریتیان، یعقوب، (۱۳۹۲)، انسان شناسی پیش از تاریخ و جوامع ابتدایی، تهران، انتشارات آثار فکر.
۱۶. فرای، ریچاردن (۱۳۸۸). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه: مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش.
۱۷. ملک شهیرزاده، صادق، (۱۳۶۵)، شهرنشینی و شهرسازی در هزاره پنجم پیش از میلاد، به کوشش محمد یوسف کیانی، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۸. مجیر شیبانی، نظام الدین، (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن- از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۰)، تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، چاپ سوم، تهران، نشر هما.
۲۰. کریستن سن، آرتور، (۱۳۷۷)، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۲۱. هوار، کلمان. (۱۳۸۴). ایران و تمدن ایرانی، ترجمه: حسن انوشه، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. بویس، مری - گرنر، فرانترز (۱۳۷۵). پس از اسکندر گجسته، ترجمه: همایون صنعتی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
۲۳. یوسف جمالی، محمد کریم (۱۳۷۷). تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوران مغولان و ایلخانان تا صفویه در ایران، چاپ اول، اصفهان، _____.

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش گردشگری شهری (مورد پژوهی: شهر ساحلی چابهار)

مریم ده بالائی^۱، علی ریگی^۲

۱- کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

(Ali.reegi724@gmail.com)

چکیده

صنعت گردشگری در دنیای امروز یکی از موثرترین صنایعی است که علاوه بر منفعت اقتصادی، در زمینه های دیگر نیز ایفای نقش می کند. کشور ما از لحاظ جاذبه های تاریخی بسیار غنی می باشد اما با وجود این پتانسیل سهم ایران از بازار صنعت گردشگری برآورده نشده است. توسعه مناطق آزاد یکی از اهداف گسترش صنعت گردشگری در کشورهای مختلف است. سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار یکی از مناطق آزاد ایران است که با توسعه کارکردهای گردشگری می تواند تحقق بخش توسعه منطقه ای در جنوب شرق کشور باشد. مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان یک شهر توریستی از مهمترین عوامل جذب گردشگر می باشد. روش تحقیق حاضر، از نوع تحلیلی- توصیفی است. نتایج حاصل از ارزیابی شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با استفاده از مدل SWOT نشان از ضعف شهر چابهار در جذب گردشگر خارجی به دلیل کمبود مهارت شهروندان در زبان انگلیسی می باشد. پس از ارزیابی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها بهترین راهبرد جهت مطلوب شدن وضعیت، راهبرد تدافعی (WT) انتخاب شده است. در پایان راهکارهایی جهت توسعه صنعت توریسم با تاکید بر مهارت زبان انگلیسی شهروندان داده شده است.

واژگان کلیدی: گردشگری شهری، زبان انگلیسی، چابهار.

۱- مقدمه

امروزه کمتر کسی است که تاثیر زبان انگلیسی را در روابط بین المللی، علمی و تجاری نداند. کاربرد زبان در تمامی رشته ها مشهود بوده و باعث ایجاد حلقه ارتباطی برای معرفی محصولات به دنیا می شود. گردشگری از مهمترین صنایع در حال رشد است و توسعه صنعت گردشگری نیاز به برنامه های همه جانبه و مناسب دارد تا بتوان در جذب گردشگران بین المللی موفق بود. امروزه یکی از مهمترین کاربری شهرها، ارائه خدمات گردشگری نوین است، زیرا شکل گیری عصر پسمدرنیته با گزاره اصلی آن یعنی جهانی شدن، فرآوری اطلاعات و گردشگری همراه شده و دوره جدیدی در تعاملات اجتماعی و فرهنگی انسان ها در قالب ساخت های شهری رقم زده است (Boniface & Fowler, 1993:12). صنعت گردشگری بدون مهارت زبان انگلیسی تاثیرگذار نخواهد بود. آژانس های مسافرتی موجود در کشور به طور معمول به زبان مسلط نبوده و باعث می شود جذب گردشگر کاهش یابد. راهنمای تور گردشگری می تواند با تسلط به زبان انگلیسی، موقعیت مکانی منطقه و نقاط گردشگری را در شهرهای ایران به توریسم معرفی کند و باعث جذب سرمایه برای منطقه باشد و به توسعه پایدار آن منطقه کمک کند.

صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیربنایی شناخته می شود و همواره عامل مهمی برای توسعه اقتصادی به حساب می آید (ابراهیمی و خسرویان، ۱۳۸۴). کارشناسان پیش بینی می کنند که در سال ۲۰۲۰ میلادی این صنعت به عنوان سودآورترین صنعت جهان تبدیل خواهد شد به طوری که از آن به عنوان صادرات نامرئی که مرکز اقتصادی آن شهرها هستند نام برده شده است (موحد، ۱۳۸۱:۳).

گسترش زبان انگلیسی در بین شهروندان بر تعاملات اجتماعی و فرهنگی آنان با افراد سایر نقاط جهان تاثیرگذار است. با توجه به اینکه زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی در جهان مطرح است، یادگیری آن در جذب گردشگران خارجی بسیار تاثیرگذار است و ابزاری جهت مبادله اطلاعات و توسعه اقتصادی می باشد. کشور ایران جزء ۵ کشور برتر جهان از نظر تنوع گردشگری می باشد (زنگی آبادی، ۱۳۸۵:۱۳۱) و می تواند به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری مطرح باشد. ضرورت شناخت این جاذبه ها و معرفی آن ها به جهانیان یکی از ارکان مهم راه اندازی موتور گردشگری است.

هر کشور، شهر یا منطقه ای بیش از ایجاد زیربنای گردشگری خود و عرضه محصول و خدمات مناسب، باید بتواند مزایای مسافرت به آن منطقه را بیان کند و تصویر درستی از کشور، شهر یا منطقه خود در ذهن گردشگران ایجاد کند. دست اندر کاران حوزه گردشگری باید با تقویت و تسلط مهارت زبان انگلیسی و همچنین شهروندان نیز با یادگیری زبان، به جذب گردشگران و رونق اقتصادی شهر کمک کنند. شهروندان می توانند با مهارت زبان انگلیسی، به تبلیغات ارزش های فرهنگی و گردشگری شهر خود بپردازند و آن جا را به گردشگران خارجی به طور کامل معرفی کنند.

استراتژی توسعه گردشگری در مناطق آزاد با دو هدف تبیین شده است که عبارتند از: ۱- گسترش و توسعه گردشگری بر اساس جلب مشارکت و فعالیت سرمایه و تخصص داخلی و خارجی در زمینه های گردشگری دریایی، گردشگری طبیعی، گردشگری علمی و فرهنگی، خانوادگی و بوم گرا، از طریق ایجاد بسترهای لازم برای طرح های گردشگری مناسب، بهسازی و سالم سازی محیط و توسعه امکانات و زیرساخت ها در مناطق آزاد به منظور تحقق آن. ۲- تاکید و توصیه به منظور جذب و افزایش گردشگران علمی و فرهنگی از کشورهای توسعه یافته، گردشگران خانوادگی، ایرانیان مقیم سایر کشورها و توسعه گردشگری داخلی در مناطق آزاد (شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران، ۱۳۸۶). مقاله حاضر در نظر دارد با توجه به موقعیت منطقه آزاد تجاری- صنعتی شهر چابهار در جذب گردشگران خارجی، به بررسی میزان مهارت شهروندان و راهنماهای تورهای گردشگری در حوزه زبان انگلیسی بپردازد. از آن جایی که شهر چابهار دارای پتانسیل بالایی در زمینه جذب می باشد، لذا ضروری است جهت جذب بیشتر گردشگران خارجی، مهارت زبان شهروندان مطلوب باشد زیرا این مهارت به معرفی هر چه بیشتر مکان های توریستی منجر می شود و باعث ماندگاری بیشتر گردشگران خواهد شد. در نتیجه درآمد ارزی وارد شهر شده و باعث توسعه اقتصادی می شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- گردشگری ساحلی و مولفه های آن

گردشگری فعالیتی چند منظوره است که در مکانی خارج از محیط عادی گردشگر انجام می گیرد و مسافرت گردشگر بیش از یک سال طول نمی کشد و هدف تفریح، تجارت و یا فعالیت های دیگر است (W.T.O, 1997). چنان چه برای انجام چنین فعالیتی نواحی ساحلی و محیط دریایی مد نظر قرار گیرد آن را توریسم ساحلی می نامند (سرابی، ۱۳۸۷: ۷۹). گردشگری ساحلی مستلزم مسافرت از یک محل اقامت و تمرکز بر محیط های دریایی است (Ormas, 1999: 72). مفهوم گردشگری ساحلی طیف کاملی از گردشگری، فراغت و فعالیت های تفریحی را که در نواحی ساحلی و آب های نزدیک ساحل روی می دهد، در برمی گیرد (خانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱). گردشگری در سواحل، چهار منطقه موازی با ساحل را در برمی گیرد که به نواحی گردشگری ساحلی مشهورند:

- ۱- منطقه آب های ساحل: این منطقه دریایی اکولوژیکی نزدیک ساحل، از فلات قاره شروع می شود و تا ساحل ادامه دارد. این منطقه غنی ترین منطقه برای ماهی گیری است و غالباً شامل صخره ها و ستون های سنگی قابل توجه می باشد. این قسمت برای سفر به جزایر نزدیک نیز مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۲- منطقه ساحل: هم محدوده ای از دریا و هم محدوده ای از خشکی را در برمی گیرد. به خصوص اگر گسترده و شنی باشد، بسیاری از بازی ها و ورزش های آبی گروهی را حمایت می کند.
- ۳- منطقه پهنه کرانه ای: این منطقه به ناحیه پشت منطقه ساحل اطلاق می شود و بسیاری از تفریحات دریایی را حمایت می کند، مانند چادر زدن و گردش بیرون شهر. در برخی مکان ها، این منطقه هتل ها و برخی مشاغل را نیز در برمی گیرد. چشم انداز مهم این منطقه منظره دریا است.
- ۴- منطقه پس کرانه: اراضی پشت مناطق ساحلی عموماً شامل مناطقی است که خدماتی را برای فعالیت های تفریحی شامل می شود. منظره ساحلی توسط پستی و بلندی ها و پوشش گیاهی شکل گرفته است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

۲-۲- کارکردهای گردشگری در مناطق آزاد

در شروع قرن بیست و یکم گردشگری به یکی از پردرآمدترین فعالیت ها در دنیا تبدیل شده است. بر اساس پیش بینی انجام شده توسط سازمان جهانگردی در سال ۲۰۲۰ حدود یک میلیارد و ششصد میلیون نفر به گردشگری خواهند پرداخت و درآمدهای ناشی از گردشگری بین المللی در این سال به یک و نیم تریلیون دلار خواهد رسید (www.unwto.org). گردشگری به عنوان فعالیتی که در دنیای امروزی توان اثرگذاری بر فرآیند توسعه متوازن و خردورزانه را در تمامی دنیا به نمایش گذارده، مورد توجه طیف وسیعی از سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام های سیاسی و مدیریت اجرایی در تمامی کشورهای دنیا قرار گرفته است. جوامع سازمانی به ویژه نظام های اجرایی دریافته اند که در فرآیند گردشگری، اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، تکنولوژیک و... به فراوانی مستتر است و در این فرآیند توانمندسازی نیروی انسانی، منافع سیاسی، بین المللی و ترویج فرهنگ بومی در سایر نقاط دنیا ضروری است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

شناخت گردشگری و آثار آن می تواند برای بهره برداری بهتر از این منبع اقتصادی عظیم جهانی به کشورها و از جمله کشور ما که دارای منابع گسترده طبیعی و تاریخی است، کمک شایانی نماید. به طور کلی می توان اهداف ایجاد مناطق آزاد را این گونه بیان کرد که؛ پس از عدم توفیق نسبی استراتژی های توسعه مبتنی بر جایگزینی واردات، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، استراتژی مبتنی بر صادرات را تعقیب نموده اند. به دنبال آن ارزانی و مازاد نیروی کار در کشورهای در حال توسعه و بالا بودن سطح دستمزدها در کشورهای صنعتی باعث گردید تا شرکت های خارجی تصمیم گیرند که فعالیت های تولیدی کاربر خود را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند و این کشورها نیز جهت کاهش مشکل بیکاری از این امر استقبال نمایند. در عین حال افزایش محدودیت های تجاری نیز باعث گردیده تا شرکت های چند ملیتی جهت حفظ و گسترش بازارهای خود به سرمایه گذاری در این مناطق بپردازند (رفعتی، ۱۳۶۹: ۴).

در مورد اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری- صنعتی در ایران، ماده یک قانون تاسیس مناطق آزاد چنین بیان می کند: به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی، به دولت اجازه داده می شود مناطق آزاد تجاری و صنعتی را اداره نماید (سرلک، ۱۳۷۴: ۲۹).

۲-۳- سیاست گذاری زبان خارجی در ایران

سیاست های زبانی اعمال شده در تاریخ ایران را باید بخشی از فرآیند شکل گیری هویت ملی ایرانیان به حساب آورد. تصمیم های اتخاذ شده در این رابطه چه از سوی حکومت های رسمی و چه نخبگان اجتماعی ارتباطی عمیق با رویکردهای این نهادها به مسئله هویت ملی و مولفه های زبان موثر در آن دارند. زبان انگلیسی به عنوان پربسامدترین زبان غربی در ایران نقشی محوری در پیدایش و تغییر وجوه مختلف این نگرش ایفا می کند (حاجیان، ۱۳۸۸). رویکردهای سیاسی به مسئله آموزش زبان

انگلیسی در ایران را می توان به دو دسته عمده تقسیم کرد؛ در یک سو سیاست مدارانی وجود دارند که نشر و گسترش زبان انگلیسی در ایران را امری طبیعی و ضروری می دانند و معتقدند که دستیابی به دانش زبان انگلیسی در حد بالا امکان رقابت با کشورهای پیشرفته در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی را فراهم می نماید. در سوی دیگر گروهی این گونه می اندیشند که به دلیل ضربه خوردن ایران از کشورهای انگلیسی زبان، نباید زبان دشمن را فرا گرفت و همواره دیدگاهی بدبینانه به ترویج زبان انگلیسی دارند (شمس و شمسایی، ۱۳۹۲: ۶۰).

۲-۴- رابطه هویت ملی و آموزش زبان انگلیسی

یکی از ابعاد دو طرفه هویت ملی و زبان خارجی را می توان در مسئله تعیین استاندارد مشاهده کرد. امروزه زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین المللی مطرح است. آن چه در وهله اول به نظر می آید این است که ملت های دیگر از زبان انگلیسی به همان شکلی که توسط ملت های انگلیسی زبان شکل گرفته استفاده می کنند (جنکینز، ۲۰۰۷). در این فرآیند ناگزیر فرهنگشان تحت تاثیر فرهنگ کشورهای انگلیسی زبان قرار می گیرد (مک آرتور، ۲۰۰۳). هر چه ارتباطات بین فرهنگی میان ملت های انگلیسی زبان و دیگر ملت ها از کیفیت بیشتری برخوردار باشد، سوء تفاهم های کمتری در مورد تاثیرات منفی آموزش زبان انگلیسی بر هویت ملی گویش وران غریبومی به وجود می آید. معلمان زبان انگلیسی نقش مهمی در این زمینه بازی می کنند زیرا نگرش آن ها به رابطه آموزش زبان با هویت ملی تاثیر قابل توجهی بر کیفیت یادگیری زبان آموزان و دیدگاه های هویتی آنان می گذارد. لیدیکویت (۲۰۰۷) معتقد است رفتارهای معلمان زبان انگلیسی در کلاس های درس تاثیر غیر قابل انکاری بر نگرش زبان آموزان به جایگاه فرهنگی زبان انگلیسی و رابطه آن با هویت ملی شان دارد.

۲-۵- تاثیر مهارت زبان انگلیسی در گردشگری

زبان انگلیسی یکی از مهمترین راه های تعامل با گردشگران است زیرا از طریق زبان می توان فرهنگ و تفکرات و تاریخ را به گردشگران خارجی انتقال داد و از این طریق اطلاع رسانی کرد. آن چه برای دنیای امروز بسیار اهمیت دارد تعامل است و زبان اولین و بهترین راه تعامل است. با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در دوران مختلف زبان انگلیسی به عنوان زبان بین المللی شناخته شده و هر فردی که می خواهد به صورت بین المللی با دنیا در ارتباط باشد لازمه آن یادگیری زبان انگلیسی است. گردشگران خارجی زمانی که وارد یک کشور می شوند اکثر آنان به زبان انگلیسی مسلط هستند بنابراین ضروری است راهنما و شهروندان زبان انگلیسی را جهت برقراری ارتباط و تبلیغات بیاموزند. نکته مهمی که در یادگیری زبان برای راهنمایان گردشگری وجود دارد این است که باید زبان را به صورت کامل فرا بگیرند چرا که یادگیری زبان انگلیسی به صورت ناقص نه تنها تاثیر مطلوبی ندارد بلکه تاثیر منفی هم می گذارد. ارتباط کامل با یک گردشگر خارجی از طریق زبان انگلیسی است بنابراین اشتباه در رساندن مفهوم، فرآیند جذب گردشگر را با مشکل مواجه می کند (www.isna.ir).

۲-۶- سهم ایران از بازار جهانی توریسم در مقایسه با سایر کشورها

صنعت توریسم عملاً به طور توقفناپذیری طی دهه های اخیر رشد کرده که نشان دهنده قدرت و دوام این صنعت با وجود به وقوع پیوستن شوک های مقطعی است. تعداد مسافران گردشگری جهانی از ۲۵ میلیون نفر در کل جهان در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ و بعد به ۶۷۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ و یک میلیارد و ۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ رسید. درآمدهای جهانی صنعت توریسم از طریق مقاصد بین المللی از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۴ میلیارد در سال ۱۹۸۰ و بعد از آن به ۴۹۵ میلیارد در سال ۲۰۰۰ و ۱۲۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید.

با توجه به تقسیم بندی های سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، منطقه آسیا و اقیانوس آرام بیشترین رشد را از نظر ورودی های مسافران بین المللی با ۹ درصد افزایش به ثبت رساندند که بعد از آن آفریقا با ۸ درصد و قاره آمریکا با ۳ درصد جا گرفتند. پربازدیدترین منطقه جهان که اروپاست با ۲ درصد رشد نتایج مختلفی را به ثبت رساند و داده های در دسترس برای

منطقه خاورمیانه حاکی از این است که تعداد توریست‌های ورودی به آن با کاهشی ۴ درصدی مواجه بوده است. از نظر درآمد کسب شده از توریست‌ها، ایالات متحده و اسپانیا در رتبه‌های اول و دوم هستند و بعد از آنها تایلند قرار دارد که سال گذشته به رتبه سوم رسید. از این منظر چین چهارم است. فرانسه و ایتالیا به رتبه‌های پنجم و ششم ارتقاء پیدا کردند و از نظر تعداد توریست‌های ورودی، بریتانیا، مکزیک و تایلند به رتبه‌های ششم، هشتم و نهم رسیدند. آمارهای جداول سازمان جهانی گردشگری در مورد ایران که در ردیف کشورهای آسیای جنوبی جای گرفته است نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۰ چیزی نزدیک به ۳ میلیون نفر (۲ میلیون و ۹۳۸ هزار نفر) از دیگر کشورهای جهان وارد کشور شده‌اند که این تعداد در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ترتیب به ۴,۹۶۷ میلیون و ۵,۲۳۷ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است که به ترتیب رشد ۴,۲ و ۵,۴ درصدی را نسبت به سال‌های پیش از خود نشان می‌دهد. با این حال در سال ۲۰۱۶ تعداد توریست‌های ورودی به ایران به رقم ۴,۹۴۲ میلیون کاهش پیدا کرد که نشانگر افت ۵,۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۵ است. از نظر درآمدهای کشور از صنعت توریسم، آمارهای سازمان توریسم جهانی حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۰، ایران ۲,۴۳۸ میلیون دلار درآمد داشت که این درآمد در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ با به ثبت رساندن رشدی مداوم به ترتیب به ۳,۸۴۱ میلیون دلار و ۳,۸۶۸ میلیون دلار رسیده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶).

۳- مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از بررسی های کتابخانه ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. پس از بررسی توانمندی ها و قابلیت های گردشگری محدوده مورد مطالعه و میزان مهارت شهروندان و راهنمایان در زبان انگلیسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای متناسب با وضعیت و شرایط منطقه، با استفاده از روش تحلیل راهبردی SWOT انجام شده است. با بررسی های به عمل آمده در خصوص شرایط داخلی و خارجی موثر در صنعت گردشگری و مهارت زبان شهروندان، فهرستی از نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت ها و تهدیدها شناسایی شده و وزن هر کدام با نظر کارشناسان مورد محاسبه قرار گرفت. پس از بررسی های صورت گرفته و تنظیم عوامل راهبردی داخلی و خارجی، مهمترین راهبرد جهت ارتقای وضعیت موجود انتخاب شده است. جامعه آماری در تعیین اولویت راهبردهای پژوهش، شامل کارشناسان حوزه گردشگری، برنامه ریزی شهری و زبان انگلیسی می باشند.

۴- مدل راهبردی SWOT

برنامه ریزی راهبردی از جمله مباحثی است که از به کارگیری آن در علم جغرافیا به طور اعم و برنامه ریزی شهری و ناحیه ای به طور اخص مدت زمان زیادی نمی گذرد. برنامه ریزان راهبردی سعی می کنند با سنجش تمام جوانب برنامه ها و پروژه ها، به اتخاذ بهترین و راهبردی ترین تصمیم بپردازند. برنامه ریزی راهبردی، گونه ای از برنامه ریزی است که در واقع شیوه نظام یافته ای برای اخذ تصمیم ها و اجرای فعالیت ها در خصوص شکل دهی و رهنمود هر سیستم، کارکرد و شناخت علل آن است. عواملی همچون شیوه گردآوری اطلاعات به صورت گزینشی، تحلیل هدف مند و تعیین اهداف، اقدام های کنونی و اجرای موفقیت آمیز برنامه، این برنامه ریزی را از اشکال دیگر برنامه ریزی متمایز ساخته است (مرادی مسیحی، ۱۳۸۱). سوات یک واژه اختصاری برای قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها است (خورشید و رنجبر، ۱۳۸۹). این مدل، یک مرحله اولیه از تحلیلی با هدف نهایی ارائه و اتخاذ سیاست های لازم برای تناسب میان عوامل داخلی و خارجی است (Kajanus, 2004). تکنیک یا ماتریس SWOT که گاهی TOWS نیز نامیده می شود، ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت های موجود در محیط خارجی هر سیستم و بازشناسی ضعف ها و قوت های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل آن سیستم است. در واقع نقطه کلیدی این مدل، تجزیه و تحلیل دامنه ای از همه جنبه های موقعیتی سیستم و در نتیجه فراهم کننده چارچوب مفیدی برای انتخاب راهبرد است (مبارکی، ۱۳۸۶). این تحلیل دارای دو مولفه اصلی است.

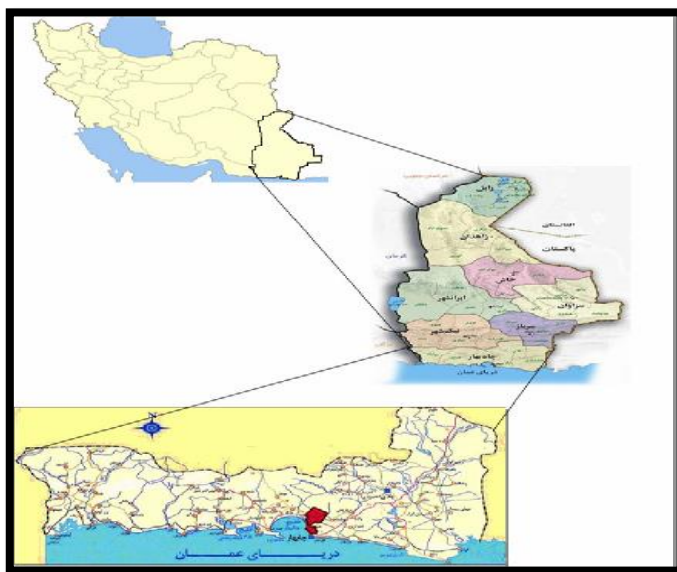
- الف- شاخص های شرایط درونی: که توسط نقاط قوت و ضعف در وضعیت موجود توصیف می شوند.
- ب- شاخص های بیرونی: که از طریق تهدید موجود و فرصت های ناشناخته توصیف می شوند.
- به طور کلی راهبردهای تعیین شده در این پژوهش پنج نوع می باشند که عبارتند از (Gasparini, 2005):
- الف- راهبرد قوت دهی: این راهبرد زمانی به کار می رود که نقاط قوت و فرصت ها بی شمار، استوار و امن هستند.
- ب- راهبرد غلبه کردن: این راهبرد منطق خود را برای عوامل مثبت داخلی و خارجی به کار می گیرد تا از این طریق عوامل منفی داخلی را کوچک و غیرفعال سازد.
- پ- راهبرد کنترل محیط: این راهبرد زمانی به کار گرفته می شود که تهدیدهای خارجی فراگیر و محدودکننده باشد، به طوری که مدیریت شهری مجبور باشد تمامی قوت ها و فرصت های خود را به کارگیرد تا اثرات این تهدیدها را به حداقل ممکن برساند.
- ت- راهبرد کنترل عوامل منفی: این شیوه زمانی به کار گرفته می شود که ضعف ها و تهدیدها قوی هستند.
- ث- راهبرد عوامل داخلی و خارجی برای کنترل محیط: این راهبرد زمانی به کار می رود که شرایط مثبت قوت ها و فرصت ها فراوان و یا ضعف ها شامل عناصر بی ربط هستند. در این صورت این راهبرد بر کاهش تهدیدها متمرکز می شود تا زمینه مدیریت مطلوب شهری را فراهم نماید.



شکل ۱- نمودار تجزیه و تحلیل سوات (Wright, 1998)

۵- معرفی محدوده مورد مطالعه

چابهار شرقی ترین شهرستان جنوبی کشور و اولین بندر ایرانی واقع در دریای عمان است که در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۵ از سوی مرکز آمار ایران، ۲۸۳۲۰۴ نفر بوده است که از این میزان، ۱۱۲۴۰۹ نفر آن مربوط به شهر چابهار می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۳۱۶۲ کیلومتر مربع حدود ۷ درصد از مساحت کل استان سیستان و بلوچستان را به خود اختصاص داده است (سلطان زاده، ۱۳۸۶: ۳).



شکل ۲- نقشه موقعیت جغرافیایی چابهار در سیستان و بلوچستان

شاید بتوان شهرستان چابهار را در زمینه گردشگری محل تجمع تضادها دانست و شاید هم بتوان بهشت گردشگری نامید. مکانی که در آن مناطق باستانی و فرهنگ بکر مردم محلی بلوچ در کنار فرهنگ های جدید و مختلفی که به علت حضور منطقه آزاد به وجود آمده و وجود دریا و مناطق ساحلی زیبای آن از یک سو و وجود مناطق کوهستانی آن با کوه های مریخی، جنگل های مانگرو و چنل و حرا، بازارهای سنتی در کنار بازارهای بزرگ و امروزی، صنایع دستی همراه با محصولات صنعتی و تجاری منطقه آزاد، زیستگاه گونه های کمیاب جانوری و پدیده منحصر به فرد زمین ساختی گل فشان از سوی دیگر باعث جذب گردشگران داخلی و خارجی به این نقطه از کشور شده است (آقاسی زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۰). با وجود این همه گوناگونی در جاذبه ها و محصولات گردشگری این شهرستان به عنوان یک مقصد توریستی، عملاً در صحنه گردشگری داخل و خارج کشور کمتر شناخته شده است. یکی از مهمترین عوامل در کمبود استقبال گردشگران خارجی از این شهرستان ضعف مهارت زبان خارجی در بین شهروندان و راهنمایان می باشد. ضعف در مهارت زبان باعث ضعف در تبلیغات و بازاریابی گردشگری در این شهر شده است.

در شرایط موجود منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار با ۱۴۰ کیلومتر مربع مساحت در جنوب شرق کشورمان در عرض جغرافیایی ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی در کنار آب های نیلگون دریای عمان قرار دارد. اصولاً مناطق آزاد بنابر خصوصیات طبیعی خود (مانند قرار داشتن در شاهراه های تجاری، حوزه های ارتباطی- اقتصادی متراکم) از قابلیت های بالقوه و بااهمیتی برخوردارند. در این مناطق، دخالت پاره ای از نهادهای رسمی سرزمین اصلی به حداقل می رسد تا بتوان جذب سرمایه، اعم از سرمایه های تجاری، توریستی یا صنعتی را به حداکثر ممکن رساند (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۲). با توجه به این که یکی از مهمترین اهداف مناطق آزاد که بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها و برتری های منطقه ای برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و پیشبرد توسعه اقتصاد ملی است، مهمترین محوری که این گونه مناطق با امکانات و قابلیت های منطقه ای و سازمانی خود می توانند از آن طریق تحقق بخش اهداف مورد نظر باشند، توسعه گردشگری است. زیرا مناطق آزاد با استفاده از توان های بالقوه خود که ناشی از قدرت تجاری، صنعتی، ترانزیتی و تفریحی می باشد و همین طور استفاده از قدرت اداری و توان تبلیغاتی، می توانند در جهت جذب گردشگر موفقیت های چشمگیری به دست آورند (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۳). شهرستان چابهار با ۲۲۸ جاذبه گردشگری شامل ۷۷ جاذبه طبیعی، ۴۴ مورد جاذبه فرهنگی- تاریخی و ۱۱۰ مورد جاذبه انسان ساخت و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس، هند، افغانستان و پاکستان و همین طور برخورداری از منطقه آزاد تجاری- صنعتی، می تواند با مدیریت و برنامه ریزی علمی به قطب توریستی مهمی در سطح منطقه تبدیل گردد و یکی از محور های مهم گردشگری کشور باشد.



شکل ۳- نمونه هایی از جاذبه های گردشگری چابهار

۶- تحلیل تاثیرات مهارت زبان انگلیسی در گردشگری با استفاده از مدل SWOT

۱-۶- عوامل داخلی موثر بر توسعه گردشگری از طریق مهارت زبان

در این مرحله به بررسی عوامل داخلی محدوده برای شناسایی نقاط قوت و ضعف پرداخته شده است (جدول ۱). در این پژوهش به هر کدام از نقاط قوت و ضعف عوامل داخلی، در ردیف اول، وزنی از صفر تا یک داده شده است به گونه ای که حاصل مجموع اوزان نباید بیشتر از یک باشد. در ردیف درجه بندی با توجه به اهمیت هر کدام، امتیازی از یک تا پنج داده شده و در ردیف آخر جدول، حاصل ضرب وزن و درجه بندی به دست آمده است.

جدول ۱- ماتریس سوات نقاط ضعف و قوت

شاخص ها	عوامل	وزن	درجه	امتیاز وزنی
نقاط قوت	S۱= وجود مهارت زبان انگلیسی در بین برخی از فروشندگان برای توضیح بهتر محصولات و فروش بیشتر به گردشگران خارجی S۲= ترجمه دقیق و درست موارد استفاده از کالاهای ایرانی در عرضه به گردشگران خارجی	۰,۱۰ ۰,۰۷	۲ ۲	۰,۲۰ ۰,۱۴
	S۳= وجود تابلوهای راهنما به زبان انگلیسی برای گردشگران خارجی به منظور معرفی مکان ها S۴= فراهم آمدن اشتغال برای شهروندان دارای مهارت زبان انگلیسی در آژانس های گردشگری S۵= وجود تورهای گردشگری با راهنمایی متخصصین زبان انگلیسی	۰,۰۷ ۰,۰۹ ۰,۱۱	۳ ۲ ۳	۰,۲۱ ۰,۱۸ ۰,۳۳
	W۱= ضعف در تبلیغات محصولات تجاری به دلیل کمبود مترجم متخصص زبان انگلیسی W۲= وابستگی شدید آژانس های تورگردان به سایر آژانس های بزرگ جهت انجام امور بازاریابی	۰,۱۱ ۰,۰۷	۳ ۲	۰,۳۳ ۰,۱۴
نقاط ضعف	W۳= ناآشنایی کامل برخی راهنمایان و کارکنان بخش های پذیرایی با زبان انگلیسی W۴= مهارت پایین اکثریت شهروندان در زبان انگلیسی و راهنمایی گردشگران خارجی W۵= کمبود افراد متخصص زبان انگلیسی در آژانس های مسافرتی جهت معرفی کامل مناطق گردشگری شهر به گردشگران خارجی	۰,۱۳ ۰,۱۱ ۰,۱۴	۴ ۳ ۵	۰,۵۲ ۰,۳۳ ۰,۷۰
مجموع		۱	-	۳,۰۸

۶-۲- عوامل خارجی موثر بر توسعه گردشگری از طریق مهارت زبان

در این مرحله به بررسی آثار محیط خارجی منطقه مورد مطالعه برای شناسایی فرصت ها و تهدیدهایی که صنعت گردشگری در صورت مهارت یا عدم مهارت شهروندان با زبان انگلیسی، با آن مواجه است پرداخته شده است (جدول ۲). در این پژوهش به هر کدام از فرصت ها و تهدیدهای عوامل خارجی، در ردیف اول، وزنی از صفر تا یک داده شده است به گونه ای که حاصل مجموع اوزان نباید بیشتر از یک باشد. در ردیف درجه بندی با توجه به اهمیت هر کدام، امتیازی از یک تا پنج داده شده و در ردیف آخر جدول، حاصل ضرب وزن و درجه بندی به دست آمده است.

جدول ۲- ماتریس سوات فرصت ها و تهدیدها

شاخص ها			عوامل		وزن	درجه	امتیاز وزنی
اقتصادی	فرصت ها	O۱=ارتقای مهارت زبان انگلیسی در راهنمایان و شهروندان با ایجاد کلاس های تخصصی جهت ارتباط قوی تر با گردشگران خارجی برای تبلیغات اقتصادی	۰,۰۸	۴	۰,۳۲		
		O۲=تعامل و مشارکت با گردشگران خارجی جهت سرمایه گذاری و برنامه ریزی در جهت استفاده از منابع طبیعی و انسانی	۰,۰۷	۲	۰,۱۴		
		O۳=آموزش شهروندان مورد علاقه در زمینه زبان انگلیسی جهت استفاده در آژانس های تبلیغاتی و گردشگری	۰,۰۹	۳	۰,۲۷		
اجتماعی- فرهنگی	فرصت ها	O۴=افزودن دفاتر گردشگری جهت استفاده بیشتر از افراد متخصص زبان انگلیسی در راهنمایی گردشگران خارجی و معرفی هر چه بهتر مکان های گردشگری	۰,۰۹	۴	۰,۳۶		
		O۵=استفاده از پتانسیل های گردشگری منطقه و ارائه توضیحات فرهنگی و تاریخی در مکان های توریستی به زبان انگلیسی همراه با جزئیات	۰,۰۷	۲	۰,۱۴		
		O۶=ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی توریست های خارجی در سراسر شهر و نقاط توریستی	۰,۰۷	۳	۰,۲۱		
اقتصادی	تهدیدها	T۱=عدم ترجمه صحیح توضیحات محصولات ایرانی و اعتماد نکردن گردشگران خارجی در خرید محصولات	۰,۰۶	۲	۰,۱۲		
		T۲=نبود سیستم اطلاع رسانی مناسب و فقدان نظارت بر فعالیت های بازاریابی مستقیم در گردشگری شهر	۰,۰۸	۳	۰,۲۴		
		T۳=ضعف مشتری مداری در مقابل گردشگران خارجی و عدم تسلط اکثر فروشندگان به زبان انگلیسی	۰,۱۰	۵	۰,۵۰		
اجتماعی- فرهنگی	تهدیدها	T۴=کمبود تورهای تفریحی برای گردشگران خارجی با وجود پتانسیل بالای منطقه از نظر گردشگری	۰,۰۹	۴	۰,۳۶		
		T۵=عدم معرفی دقیق مناطق گردشگری به گردشگران خارجی توسط راهنماها و مردم به دلیل ضعف در مهارت زبان انگلیسی	۰,۱۰	۵	۰,۵۰		
		T۶=عدم معرفی این مکان توسط گردشگران خارجی به سایر افراد جهان، به دلیل عدم شناخت کامل از مکان های توریستی منطقه با توجه به عدم ارتباط صحیح شهروندان از نظر زبانی	۰,۱۰	۴	۰,۴۰		
مجموع			۱	-	۳,۵۶		

۶-۳- تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها با استفاده از ماتریس سوات

همان گونه که در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده بر اساس ارزیابی انجام شده، ۵ قوت داخلی در برابر ۵ ضعف داخلی و همچنین ۶ فرصت خارجی در برابر ۶ تهدید خارجی شناسایی و بررسی شده است. بنابراین تعداد ۱۱ قوت و فرصت به عنوان

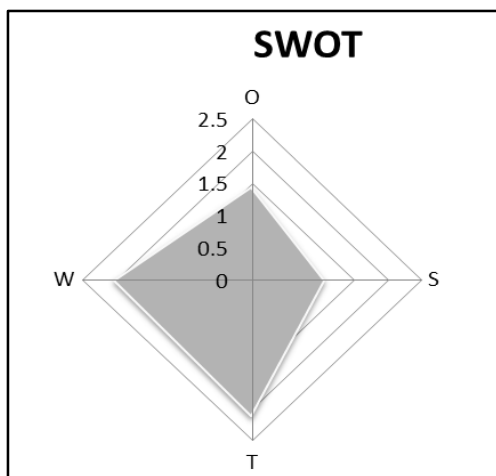
مزیت ها و تعداد ۱۱ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت ها و تنگناها، پیش روی موضوع حاضر است. پس از بررسی عوامل داخلی و خارجی مجموع امتیاز وزنی چهار عامل مشخص شده است (جدول ۳).

جدول ۳- محاسبه مجموع امتیاز وزنی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها

شاخص ها		قوت ها S		ضعف ها W		فرصت ها O		تهدیدها T	
		متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی
اقتصادی		S1-S2	۰,۳۴	W1-W2	۰,۴۷	O1-O2-O3	۰,۷۳	T1-T2-T3	۰,۸۶
اجتماعی- فرهنگی		S3-S4-S5	۰,۷۲	W3-W4-W5	۱,۵۵	O4-O5-O6	۰,۷۱	T4-T5-T6	۱,۲۶
مجموع امتیاز وزنی		۱,۰۷		۲,۰۲		۱,۴۴		۲,۱۲	

با توجه به امتیازات به دست آمده در مدل سوات، مشاهده می شود که مناسب ترین راهبرد برای پژوهش حاضر، راهبرد تدافعی (WT) می باشد. هدف کلی این راهبرد، که می توان آن را راهبرد بقا نیز نامید، کاهش ضعف های سیستم به منظور کاستن و خنثی سازی تهدیدات است. در این حالت وضعیت شهر چابهار در وضعیت نامناسبی قرار دارد و مدیران شهری باید با استفاده از راهکارهای گوناگون به دنبال خنثی کردن تهدیدات باشند. ضعف مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان شهر توریستی چابهار، بزرگترین تهدید برای کاهش جذب گردشگران خارجی می باشد. گردشگران خارجی که اکثرا به زبان انگلیسی مسلط می باشند، باید به درستی راهنمایی شوند و به طور کامل از مناطق توریستی بازدید کنند تا بتوانند با مشاهده پتانسیل های منطقه، علاوه بر سود اقتصادی باعث تبلیغات برای این منطقه باشند. تقویت مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان، مهمترین عامل در پویایی شهرهای توریستی مانند چابهار می باشد زیرا گردشگران خارجی سود اقتصادی به مراتب بالاتری نسبت به گردشگران داخلی دارند. متغیرهای متفاوتی برای فرهنگ سازی یادگیری زبان در بین مردم و دانشجویان وجود دارد که باعث ایجاد اشتغال زایی بیشتر در رشته هایی مانند گردشگری می شود. مدرس، زبان آموز، امکانات آموزشی، انگیزه مدرس و زبان آموز، هدف و خروجی آموزش، زمان کافی، منابع مالی و تاکید بر یادگیری از جمله متغیرهایی بوده که باید برای یادگیری زبان روی آن سرمایه گذاری کرد.

نداشتن توانمندی و تسلط به زبان انگلیسی در بین مسئولان آژانس های مسافرتی و گردشگری باعث می شود تا گردشگر به شهر جذب نشود. راهنمای تور و یا شهروندان، می توانند با تسلط به زبان انگلیسی، موقعیت مکانی منطقه و نقاط گردشگری را به گردشگران خارجی معرفی کنند و باعث جذب سرمایه برای توسعه شهر شوند. شهر چابهار با توجه به پتانسیل بالای گردشگری و دارا بودن نقاط گردشگری فراوان، نیاز به افراد بیشتری که مسلط به زبان انگلیسی باشند، دارد تا جذب گردشگر با سرعت بیشتری انجام شود و این شهر و قابلیت های آن به جهان معرفی شود. با توجه به ارزیابی انجام شده و انتخاب راهبرد مناسب، ضروری است با برنامه ریزی مدیران و برنامه ریزان شهری، کارشناسان رشته های گردشگری و زبان انگلیسی، نقاط ضعف را برطرف کرده تا تهدیدات اشاره شده، خنثی گردد.



شکل ۴- نمودار ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن راهبرد مناسب در SWOT

۷- نتیجه گیری

گردشگری شهری در ایران می تواند شکلی جدی از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را نشان دهد اما این صنعت پرسود در کشور ما به صورت جدی دنبال نمی شود. همان گونه که از نتایج بررسی ها مشاهده شد در شهر چابهار با وجود پتانسیل های فراوان گردشگری، میزان جذب گردشگر خارجی پایین می باشد. صنعت توریسم در مناطق آزاد جهان از نظر اقتصادی بسیار سود آور است اما در کشور ما به دلایل مختلف این صنعت آن طور که باید، رونق پیدا نکرده است. گردشگری با ویژگی های خاص خود، می تواند به عنوان یکی از اصلی ترین گزینه های مناطق آزاد در جهت ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی و توسعه منطقه ای باشد. صنعت گردشگری می تواند درآمد قابل توجهی برای کشور به همراه آورد و سود سالانه آن می تواند با درآمد نفتی رقابت کند. فراهم آوردن شرایطی برای ترغیب دانشجویان، شهروندان و راهنمایان گردشگری برای یادگیری زبان انگلیسی در شهرهای توریستی، از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد و این سرمایه گذاری بر روی این افراد در آینده بازگشت هزینه و سود اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. جذب گردشگر خارجی می تواند باعث پویا شدن اقتصاد شهرهای توریستی شود. در بررسی های انجام شده مشخص شد که شهر چابهار دارای مکان های گردشگری فراوانی است که به دلیل کمبود مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان، در جهان کمتر شناخته شده است. تقویت زبان انگلیسی و تبلیغات مناسب و ارائه خدمات مختلف به گردشگران خارجی موجب جذب بیشتر آنان می شود. طبق تحلیل های انجام شده در مدل SWOT، مشخص شد که در موضوع مهارت زبان انگلیسی جهت جذب گردشگر میزان ضعف ها بیشتر از قوت ها و تهدیدها بیشتر از فرصت ها می باشند در نتیجه بهترین راهبردی که می شد انتخاب کرد، راهبرد تدافعی است. در این راهبرد نیاز است با برنامه ریزی صحیح جلوی نقاط ضعف را گرفت تا تهدیدهای پیش رو خنثی شود. با توجه به راهبرد معرفی شده، راهکارهایی جهت بهبود وضعیت موجود پیشنهاد شده است که عبارتند از:

- استفاده از افراد متخصص و مسلط به زبان انگلیسی در سازمان ها، نهادها و بخش های ذی نفع در گردشگری شهری.
- شناسایی افراد علاقه مند به زبان انگلیسی و آموزش آنان جهت کار در مراکز گردشگری و راهنمایی گردشگران خارجی.
- استخدام راهنمایان آموزش دیده و مسلط به زبان های رایج در اماکن دیدنی و تاریخی توسط سازمان میراث فرهنگی.
- دعوت از سرمایه گذاران خارجی و ایجاد تسهیلات و امتیازات ویژه.
- آموزش و اطلاع رسانی مردم در نحوه برخورد با گردشگران خارجی و آموختن علائم راهنمایی به منظور جلوگیری از تعارض بین گردشگران و شهروندان.
- مدیریت آموزشگاه های زبان و تدریس اصولی به زبان آموزان و تشویق مردم شهرهای توریستی به فراگیری زبان انگلیسی.

منابع

۱. آقاسی زاده، عبدالله (۱۳۸۷)، بررسی نقش منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار در توسعه توریسم منطقه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. ابراهیم زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۶)، فهرست نقشه های منابع، پتانسیل ها و خدمات موجود گردشگری شهرستان چابهار، طرح جامع گردشگری استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۳. ابراهیم زاده، عیسی و عبدالله آقاسی زاده (۱۳۸۸)، تحلیل عوامل موثر بر گسترش گردشگری در ناحیه ساحلی چابهار با استفاده از مدل راهبردی SWOT، مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، دانشگاه اصفهان، شماره اول، تابستان ۱۳۸۸.
۴. ابراهیمی، سید ابراهیم (۱۳۷۶)، نقش منطقه آزاد در توسعه اقتصاد ملی و توریسم، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی، جلد اول، کیش.
۵. ابراهیمی، علیرضا و محمدرضا خسروی (۱۳۸۴)، عوامل موثر بر رشد و توسعه صنعت توریسم در استان مازندران، مجموعه مقالات اولین همایش نقش صنعت گردشگری در توسعه استان مازندران، تهران، انتشارات رسانش.

۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه شناسی هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۷. خانی، فضیله، قاسمی وسمه جانی، ابوطالب و علی قنبری نسب (۱۳۸۸)، بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
۸. خورشید، صدیقه و رضا رنجبر (۱۳۸۹)، تحلیل استراتژیک و انتخاب استراتژی مبتنی بر تحلیل سوات و تکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه فازی، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سال پنجم، شماره ۱۲.
۹. رفعتی، محمدرضا (۱۳۶۹)، مناطق آزاد تجاری- صنعتی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۱۰. زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۵)، تحلیل بازار گردشگری داخلی اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره پیاپی ۸، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۱. سازمان جهانی گردشگری (۲۰۱۶).
۱۲. سرابی، فریبا (۱۳۸۷)، پیامدهای زیست محیطی توسعه توریسم، محیط زیست، شماره ۲۹.
۱۳. سرلک، محمدعلی (۱۳۷۴)، ارزیابی صحت مکان یابی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران.
۱۴. سلطان زاده، احمد (۱۳۸۶)، بانک اطلاعات پایه استان و شهرستان های تابعه در بخش های مختلف (شهرستان چابهار)، معاونت برنامه ریزی استانداری سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۱۵. شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران (۱۳۸۶)، گزارش تحقیق و تفحص از مناطق آزاد، تهران.
۱۶. فیروزآبادی، علی، عسکری پور، حسین و قاسم بخشنده (۱۳۹۱)، بررسی و تعیین رتبه سواحل چابهار در مقایسه با سواحل کیش و قشم به منظور گردشگری ساحلی با استفاده از روش AHP، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
۱۸. مبارکی، امید (۱۳۸۶)، برنامه ریزی فضایی شهرستان ملکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۱۹. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۱)، برنامه ریزی راهبردی در کلانشهرها، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۰. موحد، علی (۱۳۸۱)، بررسی و تحلیل الگوی فضای توریسم شهرریال مطالعه موردی: اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
21. Boniface, P. and Fowler, P.J. (1993), Heritage and Tourism, six editions, Financial Time.
22. Gasparini, Alberto & Enrico Ferluga. (2005), SWOT Analysis in three Cross-Border Areas Strategies and actions to plan cross-border cooperation, Institute of International Sociology of Gorizia.
23. Kajanus, M. (2004), The use of value focused thinking and the A SWOT hybrid.
24. Orams, Mark. (1999), Marine Tourism London.
25. Wright, Peter. (1998), Strategic Management, Text and cases, Mark J Kroll, Memphis state University James Madison University, Texas of Tyler.
26. www.isna.ir
27. www.unwto.org
28. www.world tourism organization.com, 1997.

توسعه پایدار شهری بر مبنای رشد هوشمند شهری تحلیلی بر مولفه‌ها، ویژگی‌ها و مزایای شهر هوشمند

مازیار ابراهیمی^{۱*}، مریم معرف^۲

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس

(عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس)

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تنکابن

Ebrahimi_maziar@yahoo.com

چکیده

با توجه به روند رو به رشد جمعیت شهرنشین در اقصی نقاط دنیا و بویژه در کشورهای در حال توسعه، در آینده ای نه چندان دور با جهانی عمدتاً شهرنشین مواجه خواهیم شد که جهت برآورده سازی نیازهایشان، زمین شهری را بیش از توان اکولوژیکی اش مورد بهره کشی قرار خواهند داد و همچنین خواسته ها و تقاضاهای خویش را از مسئولین و مدیران شهری طلب خواهند نمود. نظریه شهر هوشمند که بر پایه ی پاسخ به مشکلات عدیده ی شهرنشینان در دهه ی ۹۰ میلادی شکل گرفت مباحث پایداری را همچون اختلاط کاربری ها، دسترسی آسان، حفظ محیط طبیعی و... را در عرصه ی شهرسازی و برنامه ریزی شهری مطرح ساخت. نظریه شهر هوشمند نکاتی را برشمرد که ضمن حمایت از زندگی نوین شهری بتواند مسائل و مشکلات آن را نیز در قالب رعایت و اجرا تکنیک های شهرسازی نوین در دل شهرهای موجود و در تضاد با پراکنده رویی شهری برطرف سازد. لذا هدف از این پژوهش بررسی ابعاد و شاخصه های شهر هوشمند و توانایی های آن جهت برطرف سازی مشکلات زندگی شهری فعلی می باشد که بروش توصیفی تحلیلی و بر مبنای مطالعه ی تحقیقات خارجی مرتبط با تئوری هوشمندسازی شهری انجام شده است. بررسی و تحلیل تجربیات و مطالعات محققان بخوبی نشان داده که هوشمندسازی شهرها، منافع و مزایای زیادی در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای یک شهر و شهروندانش به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: شهر هوشمند، رشد هوشمند، مزایا و منافع

۱- مقدمه

سازمان ملل برآورد می کند که بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۵۰ جمعیت جهان به میزان ۳۲ درصد افزایش می یابد، از ۷/۲ به ۹/۷ میلیارد نفر ساکن برسد، در حالیکه جمعیت شهری ۶۳ درصد افزایش می یابد، از ۳/۹ به ۶/۳ میلیارد ساکن خواهد رسید. برآوردهای فعلی نشان می دهد تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد که رشد قابل توجهی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین خواهد بود. (اریمیا و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۱۲) شهرها همچنین ۶۰ تا ۸۰ درصد از انرژی جهان را مصرف می کنند و نیز از دلایل اصلی انتشار گازهای گلخانه ای محسوب می شوند. (اُوک زارزاک و زاک^۲، ۲۰۱۵: ۴۷۳) این وضعیت نیازمند شهرهایی است تا راه های جدید و هوشمندانه ای برای مدیریت این چالش ها پیدا کنند،

^۱ - Eremia et al

^۲ - Owczarzak & Zak

متابولیسم شهرها بطور کلی شامل واردات کالا و خروجی زیاله با اثرات منفی اجتناب ناپذیری است که مشکلات اجتماعی و اقتصادی را تقویت می کند. (تورکو^۱، ۲۰۱۲: ۷) این واقعیت به شهروندان تعهد جدیدی می دهد که چگونه می توان فضاهای شهری را به مکانهایی نوآورانه تر، مشارکتی، متصل و پایدار، بدون کوتاهی یا غفلت نسبت به کیفیت زندگی مردمشان، تبدیل کنیم؟ پاسخ را می توان به چند اسم یا نقش تفسیر کرد، از جمله: شهرهای فعال و یا پایدار، جوامعی با فناوری های جدید، شهرهای هوشمند و... (لوپز و الیویرا^۲، ۲۰۱۷: ۶۱۸)

رشد هوشمند شهری ابعاد و مولفه های زیادی در تمامی زمینه های مرتبط با جوامع شهرنشین، همچون اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی و ... دارد که می کوشد با تمهیداتی بر اساس دانش و نوآوری های ارتباطی و اطلاعاتی، کیفیت زندگی شهری را ارتقاء دهد. تجمیع یا اختلاط کاربری ها، بلند مرتبه سازی، دسترسی آسان به کالا و خدمات، حفظ محیط زیست شهری، فشرده سازی، ایجاد مراکز پیاده محور و ... تنها گوشه ای از اهداف نظریه ی رشد هوشمند می باشد که بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری استوار است. در مجموع می توان چنین عنوان نمود که نظریه شهر هوشمند در تلاش جهت افزایش و یا به تعبیری دیگر جایگزینی معیارهای انسانی و اجتماعی بر معیارهای هندسی، ماشینی و به نوعی منطقه بندی سنتی در شهرهاست. بنابراین هدف از مطالعه ی پیش روی نیز بررسی و تحلیل اهداف، مشخصات و مزایای نظریه شهر هوشمند برای شهرهای امروزی می باشد.

۲- پیشینه تحقیق

نتایج پژوهش سوسانتی^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله ای بنام رشد هوشمند، شهر هوشمند و تراکم: در جستجوی شاخص مناسب برای تراکم مسکونی در اندونزی، نشان داد که تراکم با میزان رضایتمندی مردم ارتباطی ندارد. با توجه به تراکم جمعیت، مشکلات شهری را می توان از طریق راه حل های دیجیتال کاهش داد و مدیریت موثر نواحی شهری را برای حمایت از مسائل پایداری اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی افزایش داد.

لاسیناک و رستویچ^۴ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان شهر هوشمند، ایمنی و امنیت، تمرکز اصلی خود را بر ایمنی و امنیت در شهرهای هوشمند آینده قرار دادند و مطالعه ی آنها در مورد برنامه شهر هوشمند، فقدان اهمیتی را که به این موضوع داده می شود را نشان می دهد. نتایج نشان دادند که می بایست در همه زمینه ها، توسعه تکنولوژی باید پس از آموزش شهروندان در مورد استفاده از آنها باشد. حتی پیشرفته ترین شهر هوشمند اگر ویژگی شهروند هوشمند و آموزش را از دست بدهد، موفق نخواهد بود.

ارمیا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به نام مفهوم شهر هوشمند در قرن ۲۱ به ارائه ی مختصری از تکامل اصطلاح شهر هوشمند و ویژگی های آن پرداخته اند و نیز اصطلاحات جایگزین مختلفی را برای توصیف ویژگی های چندگانه شهرهای آینده، پیشنهاد و مورد تحلیل قرار دادند. می نویسند: توسعه شهرهای هوشمند به شدت به سطح هوشی شبکه های الکتریکی وابسته است که می بایست تامین انرژی الکتریکی برای تمام مصرف کنندگان با اطمینان از برخی ویژگی های شهر را بدست آورد. اما مهمترین جنبه، هماهنگی آسان بین حکومت شهری، اپراتورهای زیرساخت های مختلف و مسئولیت آنها برای امنیت عمومی و سلامتی می باشد.

ایلاریا برتتا^۵ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان اثرات اجتماعی نوآوری های زیست محیطی در شهرهای هوشمند ایتالیایی به ارائه ی نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده بر روی پروژه های زیست محیطی هوشمند اجرا شده در ایتالیا بر پایه ی تجزیه و تحلیل کیفی پروژه های زیست محیطی که به منظور تجزیه و تحلیل اثرات اجتماعی آنها، خصوصاً با اشاره به مسئله جامعه

^۱ - Turcu

^۲ - Lopes & Oliveira

^۳ - Susanti

^۴ - Lacinak & Ristvej

^۵ - Ilaria Beretta

اجتماعی و خطر زیست محیطی ارائه شده می پردازد. ۵۱ پروژه در ۴ منطقه استان لومباردی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، با توجه به سه حوزه مختلف (زیست محیطی، تحرک و انرژی) محققان به نتایج مختلفی دست یافتند. بطور کلی با توجه به پروژه های زیست محیطی توانستند تاکید کنند که در ۴ شهر مورد نظر شاهد خطر زیست محیطی نبوده اند و اغلب بطور مستقیم اثرات مفید پروژه ها به تمام گروه های اجتماعی هدایت شده است.

پراهاراج^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله ای با عنوان نوآوری شهری از طریق ائتلاف سیاسی: دیدگاه های انتقادی از ۱۰۰ ماموریت شهرهای هوشمند در هندوستان، مکانیسم های پیچیده برنامه ریزی و حکومتداری را در سریع ترین رشد اقتصادی در جهان یعنی هند که ماموریت بلند پروازانه ای را برای تبدیل ۱۰۰ منطقه شهری در سراسر کشور به شهرهای هوشمند آغاز کرده است را بررسی می کند. برنامه فدرال شامل ارائه دستورالعمل های مرکزی برای توسعه شهر هوشمند است. این مقاله با مجموعه ای از توصیه ها برای ایجاد چهارچوب سیاست های شهر هوشمند در اقتصاد های نوظهور به پایان می رسد.

هان و هاوکن^۳ (۲۰۱۸) در مقاله ای به نام نوآوری و هویت در شهرهای هوشمند نسل بعدی، تفاوت فرهنگی و رفتار انسانی و هویت اجتماعی را نیازمند توجه بیشتری در شهرهای نوین می دانند و هویت و فرهنگ شهری را بعنوان مرکز اصلی چالش شهر هوشمند مورد توجه قرار می دهند، بطوریکه گفتمان کنونی در شهرهای هوشمند با توانایی و توسعه تکنولوژی روبروست و رتبه بندی جهانی شهرها به یک مدل کسب و کار تک بعدی و به مجموعه ای از معیارها کاهش یافته است، بنابراین می بایست فناوری را برای توسعه هویت فرهنگی و کیفیت زندگی شهری برای آینده مورد استفاده قرار داد.

بورسکوا^۴ و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله ای با عنوان کارآمدی بین اندازه و شاخص های شهرهای هوشمند: یک چالش تحقیقی با مفاهیم سیاسی بر مفهوم شهر هوشمند و اجزای خاص آن در رابطه با اندازه شهر که اهمیت کلیدی آن در بین رشته های دانشگاهی و برنامه ریزی شهری بطور فزاینده ای در حال افزایش است، تمرکز کرده اند، و می نویسند ایده ی یک شهر هوشمند رویای برنامه ریزان شهری در سراسر جهان است و موضوع بسیاری از تحقیقات و ابتکارات تجاری و همچنین مباحثات سیاسی است. سوال اصلی تحقیق آنان این بوده که آیا اندازه یک شهر بر میزان شاخص های انتخابی شهرهای هوشمند تاثیرگذار می باشند؟ و نیز فرضیه اصلی نیز این بوده است که سطح توسعه شاخص های شهرهای هوشمند در شهرهای مختلف متفاوت است. مجموعه ی اطلاعات آنها شامل ۲۶ شاخص شهر هوشمند برای ۱۵۸ شهر هوشمند اروپایی بوده است که به دو اندازه شهری متوسط و بزرگ تقسیم شده است. در نهایت تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از مدلسازی درخت تصمیم گیری، محققان را قادر به شناسایی شاخص های قابل توجه شهرهای هوشمند ساخت که توانستند شهرهای هوشمند را با توجه به اندازه هایشان با طبقه بندی صحیح ۹۶/۲ درصدی تقسیم نمایند. در نتیجه اینکه شهرهای بزرگ پول بیشتری برای سرمایه گذاری در فناوری های جدید دارند و از منظر تجاری و اندازه بازار نیز مورد توجه می باشند، از سویی دیگر اگر اهمیت شهرهای کوچک و متوسط را در نظر بگیریم می توان عنوان نمود که توجه بیشتر به مفاهیم جدید هوشمند سازی و توسعه شهری ضروری بنظر می رسد و ساخت شهر هوشمند برای شهرهای متوسط در مقایسه با شهرهای بزرگ هیچ ضرری را به همراه ندارد و این یک پیام مهم برای سیاستگذاران، برنامه ریزان شهری و ... است.

۳- روش تحقیق

مقاله پیش روی از نظر هدف کاربردی و بروش توصیفی تحلیلی نگارش شده است. شیوه ی گردآوری اطلاعات از طریق اسنادی یا کتابخانه ای صورت گرفته و از آنجاییکه تئوری شهر هوشمند نظریه ای نوین در شهرسازی و برنامه ریزی شهری معاصر می باشد و هنوز در محافل علمی، کنفرانس ها و همایش های بین المللی جزء مباحث مورد کاوش دانشمندان و محققان دنیاست، اما در کشور ما بدلائل متعددی همچون ناتوانی و فرسودگی زیرساخت ها، فقدان آموزش و مشارکت، محدودیت در

¹ - Lombardy Region Province

² - Praharaj

³ - Han & Hawken

⁴ - Borsekova

دسترسی به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی بدلائل مختلف سیاسی و اجتماعی و ... هنوز در هیچ یک از شهرهای کشور بصورت عملی و یکپارچه اجرا نشده و همچنان در مبانی و قواعد اصولی و اجرایی آن مباحثه و مناظره در جریان است. لذا با توجه به اینکه کشورهای پیشرفته ی اروپایی و آمریکایی بیش از دو دهه است که در این زمینه دارای تجربه و نمونه های اجرا شده ی زیادی می باشند، تلاش شد از مقاله های بروز ، جدید و از پایگاه های علمی معتبر الزویر^۱ و زیر مجموعه اش ساینس دایرکت^۲ و اشپرینگر^۳ استفاده شود. در پایان با مطالعه و تحلیل دستاوردهای محققان مختلف، نتیجه گیری شده است.

۴- مبانی نظری تحقیق

۴-۱- رشد هوشمند و شهر هوشمند : معانی و مفاهیم

در معرفی مفهوم شهر هوشمند ما باید به برخی از سوالات اساسی پاسخ دهیم. اول از همه : هدف از این مفهوم چیست؟ می توانیم بگوییم ، هدف این است که شهرهای امروزی را به شهرهای هوشمند تبدیل کنیم تا قادر به توسعه پایدار در آینده باشیم، که این مسئله منجر به ایجاد سوال دیگری برای ما می شود : شهر هوشمند چگونه ساخته می شود؟ (لاسیناک و ریستویچ، ۲۰۱۷ : ۵۲۳)

بین رشد هوشمند و شهر هوشمند تفاوت وجود دارد. اگر رشد هوشمند بعنوان گلدان^۴ در ماهیت فیزیکی مناطق شهری نقش داشته باشد، شهر هوشمند بخشی از آن و بعنوان محتوی^۵ مناطق شهری است. ایده شهر هوشمند بدلیل دو شرط دینامیکی یا پویایی بوجود آمده است: اول، افزایش توسعه تکنولوژی و دوم بر طرف ساختن نیازهای مردم است. مفهوم شهر هوشمند اولین بار توسط دامری و کوچی^۶ در سال ۱۹۹۴ مطرح شد و از سال ۲۰۱۰ شمار انتشارات در مورد شهر هوشمند به سرعت افزایش یافت. رشد هوشمند یکی از تلاش های کنترل مصرف منابع طبیعی است. اهداف شهر هوشمند ایجاد زندگی با کیفیت بالاست. رشد هوشمند، توسعه ای سالم در اقتصاد، محیط زیست و اجتماع است. مفهوم اصلی رشد هوشمند بدین قرار است: کاربری زمین مختلط یا ترکیبی ، طراحی فشرده و موثر ساختمان ها در شهر ، دسترسی آسان به محیط زیست با پیاده روی، داشتن حس قوی نسبت به مکان یا محیط ، حفاظت از فضاهای باز ، توسعه بر پایه ی نیازهای جامعه ، داشتن حق انتخاب وسایل حمل و نقل، تصمیم برای توسعه منصفانه و مقرون به صرفه و بر اساس توافق مردم و سایر ذیفنعان. (سوسانتی ، ۲۰۱۶ : ۱۹۵) در جدول زیر تعاریف شهر هوشمند از نظر تعدادی از محققان آورده شده است:

^۱ - Elsevier

^۲ - Science Direct

^۳ - Springer

^۴ - Pot

^۵ - Content

^۶ - Dameri & Cocchia

جدول ۱: تعاریف شهر هوشمند

هاریسون ^۱ و همکاران ۲۰۱۰	شهری متصل به زیرساخت های فیزیکی، زیرساخت های فناوری اطلاعات، زیرساخت های اجتماعی و زیرساخت های تجاری، در راستای استفاده از هوش جمعی شهر
چن ^۲ ۲۰۱۰	شهرهای هوشمند از مزیت ارتباطات و توانایی سنسورها در زیرساخت های شهری برای بهینه سازی الکتریکی، حمل و نقل و دیگر عملیات تدارکاتی که از زندگی روزمره حمایت می کند، به منظور بهبود کیفیت زندگی برای همه استفاده می کند.
واشبرن ^۳ و همکاران ۲۰۱۰	استفاده از فناوری های هوشمند محاسباتی برای ساختن بخش های زیربنایی و خدمات شهری از جمله: مدیریت شهری، آموزش، مراقبت بهداشتی، امنیت عمومی، مشاور املاک، حمل و نقل و خدمات هوشمندانه، متحد و کارآمد
کاراگلیو ^۴ و همکاران ۲۰۱۱	شهری هوشمندانه است، زمانیکه سرمایه گذاری در سرمایه های اجتماعی، انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات سنتی و مدرن، رشد اقتصادی پایدار و کیفیت بالای زندگی، با مدیریت خردمندانه منابع طبیعی، از طریق حکمرانی مشارکتی، تامین شود.
لازاریو و روسیا ^۵ ۲۰۱۲	جامعه ای که تا حد متوسطی از تکنولوژی، متحد و پایدار، راحت، جذاب و امن برخوردار باشد.
موهانتي ^۶ ۲۰۱۶	شهر هوشمند، مکانی است که در آن شبکه ها و خدمات سنتی با استفاده از فناوری های اطلاعاتی، دیجیتال و ارتباطات دوربرد برای بهبود فعالیت ها و عملکردها، به نفع ساکنان آن مکان، انعطاف پذیر، کارآمد و پایدار ساخته می شوند. شهرهای هوشمند سبزتر، امن تر، سریع تر و دوستانه تر هستند.

تکامل مفهوم شهر هوشمند بوسیله ی ترکیبی پیچیده از فناوری ها، عوامل اجتماعی و اقتصادی، تدارکات حکومتی و سیاستگذاران و اقتصاددانان شکل می گیرد. بنابراین اجرای مفهوم شهر هوشمند مسیرهای متنوعی را که بستگی به سیاست ها یا خط مشی های مختص هر شهر، اهداف، تامین بودجه و گستره ی آن دارد دنبال می کنند. هر تعریف کارآمدی از یک شهر هوشمند نیاز به ترکیب شرایط فوق دارد و در عین حال نیز می بایست قادر به درک بهتر از عملکرد خوب، پتانسیل مقیاس بندی و توسعه سیاست های مربوطه باشد. (مانویلله^۷ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱) شهرهای هوشمند در راستای نیل به ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان از ترکیب اهداف متعدد سیاسی/حکمرانی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین گستره ای از مفاهیم مرتبط با شهرهایی انسان محور مواجه است. در جدول زیر مفاهیم موفقیت در شهرهای آینده گویا شده است:

جدول ۲: شهرهای آینده: مفاهیم موفقیت

حکمرانی	اقتصادی	اجتماعی	قلمرو
شهرهای موفق	شهرهای کارآفرین	شهرهای مشارکتی	باغ شهرها
شهرهای هوشمند	شهرهای رقابتی	شهرهای پیاده مدار	شهرهای پایدار
شهرهای مولد	شهرهای تولید کننده	شهرهای متحد و یکپارچه	اکوشهرها
شهرهای کارآمد	شهرهای خلاق و نوآور	شهرهای جامع و کامل	شهرهای سبز
شهرهای مدبر	شهرهای تجاری دوستانه	شهرهای دادگر	شهرهای فشرده
شهرهای باهوش	شهرهای جهانی	شهرهای باز	شهرهای هوشمند
شهرهای آینده	شهرهای تاب آور	شهرهای زیست پذیر	شهرهای تاب آور

(ارمیا و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۴)

^۱ - Harrison

^۲ - Chen

^۳ - Washburn

^۴ - Caragliu

^۵ - Lazaroiu & Roscia

^۶ - Mohanty

^۷ - Manville

۳-۲- شاخص ها و ویژگی های شهر هوشمند

یک شهر هوشمند نیاز به ابزارهایی دارد تا قادر به کمک به مدیریت کارآمد و هماهنگی بین خدمات مختلف موجود باشد. مهم است که طراحی و پیاده سازی راه حلها برای مدیریت شهری بر پایه ی دانش دولت محلی شهر، که اجازه می دهد اطلاعات را با خدمات ثالثی به اشتراک بگذاریم و بدین ترتیب کیفیت زندگی در داخل شهر را ارتقاء دهیم، باشد. (سسلیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۱۷) شهرهای هوشمند اغلب بعنوان کهکشانی از ادوات و وسایل در مقیاسی وسیع متصور می شوند، که از طریق شبکه های متعددی با هم در ارتباط اند که اطلاعات مداومی را در مورد حرکات افراد، از نظر جریان تصمیم گیری شکل فیزیکی و اجتماعی شهر ارائه می دهند، شهرهایی هوشمندند که دارای کارکردهای اطلاعاتی باشند که قادر به ادغام و ترکیب داده ها با بعضی اهداف، راه های بهبود کارایی، عدالت، پایداری و کیفیت زندگی در شهرها باشند. (باتی^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۸۲) بطور کلی تمامی راه حلهای شهر هوشمند باید از پس حجم بزرگی از داده های متنوع، گوناگون و حقیقی بربایند. داده های آشکار یا مشخص بعنوان داده های ایستا یا بی حرکت، منبع اصلی اطلاعات در شهر نیستند، بلکه بیشتر مشکلات داده های بزرگ مرتبط با پلتفرم شهر هوشمند است که مربوط به داده های زمان واقعی مانند جابجایی خودروها و تحرک انسانها در شهر، مصرف انرژی، مراقبت های بهداشتی و اینترنت اشیاء است. بطوریکه معماری شهر هوشمند باید قادر به استفاده از مقدار زیادی از داده هایی وسیع از چندین دامنه، در سرعت های مختلف برای بهره برداری و تجزیه و تحلیل آنها جهت محاسبه یکپارچه اطلاعات چند دامنه ای، پیش بینی، تشخیص ناهنجاری برای هشدار زود هنگام و ارائه پیشنهاد ها و توصیه هایی به کاربران و مسئولان شهری باشد. (بادی^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۶) یک شهر هوشمند از سه مولفه یا ستون اصلی جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری برخوردار است:

- ۱- ارتقاء کیفیت زندگی در یک مرکز برتر برای ارائه خدمات به هر شهروند
 - ۲- ترویج توسعه پایدار از طریق مدیریت هماهنگ خدمات عمومی، که باعث افزایش بهره وری و صرفه جویی انرژی خواهد شد.
 - ۳- کار بر روی توسعه اقتصادی، بطوریکه شهر همچنان یک اهرم ضروری در توسعه خدمات جدید و نوآوری در کسب و کار و فعالیت ها باشد. (باده^۴، ۲۰۱۴: ۱۱)
- یک شهر هوشمند از مجموعه ای ویژگی ها و خصایص درونی و بیرونی، مرتبط با زندگی شهری همانند جدول و شکل زیر تشکیل شده است:

جدول ۳: ابعاد یک شهر هوشمند و جنبه های مرتبط با زندگی شهری

ابعاد شهر هوشمند	جنبه های زندگی شهری
اقتصاد هوشمند	صنعت
مردم هوشمند	آموزش
مدیریت هوشمند	دموکراسی
جابجایی هوشمند	زیرساخت ها و تدارکات
محیط زیست هوشمند	پایداری و کارآمدی
زندگی هوشمند	کیفیت و امنیت

(لومباردی^۵ و همکاران، ۲۰۱۲: ۶۶)

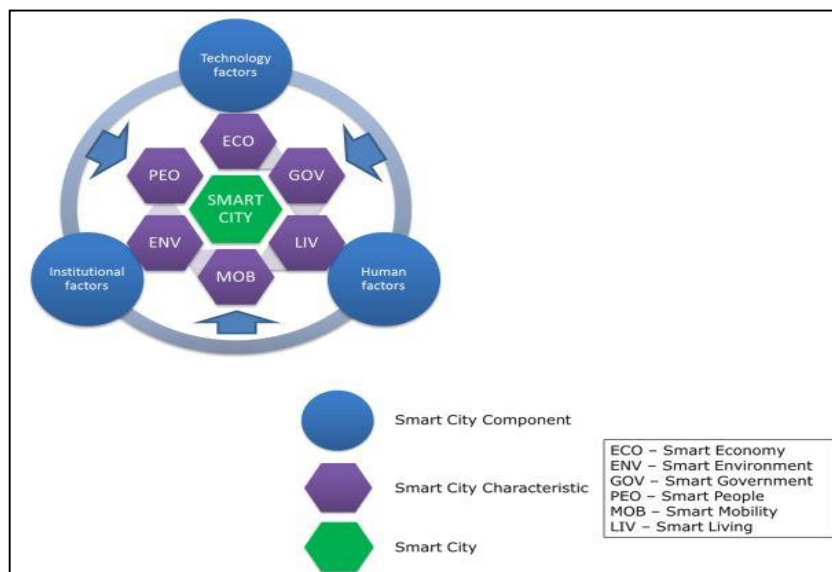
^۱ - Cecilio

^۲ - Batty

^۳ - Badii

^۴ - Budde

^۵ - Lombardi



شکل ۱: رابطه بین ویژگی‌ها و اجزاء در شهر هوشمند: حلقه بیرونی اجزاء و حلقه درونی ویژگی‌ها (مانویله و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۰)

همانطور که از جدول و شکل فوق نمایان است لازمه ی رسیدن به شهری هوشمند و پایدار، دستیابی به شش شاخصه ی اساسی می باشد که در شکل بالا بصورت اضلاع شش ضلعی، حلقه درونی و سه مولفه اصلی یعنی شاخص های تکنولوژی، شاخص های انسانی و شاخص های سازمانی که حلقه بیرونی را تشکیل می دهند، با همیاری و مشارکت تمامی عوامل فوق است که به هدف نهایی یا شش ضلعی مرکزی مورد نظر یعنی شهر هوشمند خواهیم رسید. یعنی شهری که بتواند اقتصادی فعال و دوستدار طبیعت، حکمروایی شهری دموکراتیک و پایبند به حقوق شهروندان، زیرساخت ها و خدمات زیربنایی مدرن و کارآمد و همچنین از مردمی آگاه و مطلع برخوردار باشد تا بتواند ضمن تامین نیازهای ساکنان فعلی شهرها با کمترین هزینه و مصرف انرژی، نیازهای نسل آینده برای داشتن محیطی قابل زیست را به مخاطره نیندازد.

۳-۳- نیاز شهرهای آینده به هوشمندسازی

با توجه به رشد روزافزون جوامع شهرنشین، مسائل و مشکلات زیادی نیز در تامین نیازهای آنان پیش روی مسئولان و مدیران شهری بوجود خواهد آمد، از تامین مسکن، آب و برق گرفته تا دیگر نیازهای فراغتی، فضای سبز و ... امروزه دیگر مشکلات و محدودیت هایی که منطقه بندی های کاربری سنتی که تنها زمین شهری را با توجه به ساکنان و فعالیت هایشان بر پایه ی نقشه و جداول کاربری و سرانه ی زمین طبقه بندی می نمود بر همگان روشن است و دیگر سالهاست تفکیک سنتی زمین شهری بر اساس طرح های فرمایشی جامع در کشورهای پیشرفته جهان منسوخ شده است، بویژه از نیمه دوم قرن بیستم بدین سو، نظریات متنوعی در زمینه ی بهبود و ارتقاء سطح کیفی زندگی شهروندان مانند تاب آوری، نو شهرگرایی، توسعه میان افزا و ... مطرح شده اند که در این میان نظریه ی شهر هوشمند بنظر می رسد با توجه به اهداف و معیارهای پایداری که در تحقق آنها قدم بر می دارد و در این مسیر نیز نیازمند حکمروایی شهری دموکراتیک، مشارکت شهروندان، بکارگیری فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و ... می باشد، مورد توجه ویژه محققان عرصه شهری قرار گرفته است.

جوامع شهری امروزی برای مقابله با آلودگی های ناشی از استفاده از وسایل نقلیه شخصی، دسترسی سخت با طی فواصلی طولانی جهت دستیابی به کاربری ها و خدمات، انزوای اجتماعی، زندگی ماشینی وار، دست اندازی به زمین های مرغوب کشاورزی حومه، جنگل زدایی و ... نیازمند توزیع متناسب کاربری ها با تجمع و یا اختلاط آنها، فشرده سازی، حفظ محیط زیست، پیاده محوری، تجدید حیات مراکز شهری و در کل برتری شاخصه های انسانی در محیط شهری می باشند، دیدگاه هایی که نظریه ی شهر هوشمند بدنبال تحقق آنهاست. زیرا همانطور که بر همگان و بویژه متخصصان عرصه شهری روشن است یکی از مزایای این نظریه در زمینه فشرده سازی، استفاده از زیرساخت های موجود و حفظ زمین های کشاورزی یا جنگلی اطراف

شهرهاست که اولی منجر به رشد اقتصادی و کاهش هزینه ها از دوش سازمان های شهری و دومی نیز منجر به حفظ محیط زیست خواهد شد.

شهرهای امروزی موتورهای اقتصاد اطلاعات جدید هستند. ظهور خدمات جدید دیجیتال مانند: حمل و نقل بر اساس تقاضا، مدیریت هوشمند آب، روشنایی پاسخگو و منابع انرژی توزیع شده بسرعت جایگزین زیرساخت های قدیمی و مدل های تحویل خدمات می شود که برای شهرهای قرن بیستم بکار برده می شد. (بارنز^۱، ۲۰۱۸: ۵) در سال ۲۰۱۴ دولت ایالت سیدنی برنامه ای جهت رشد سیدنی برای هدایت استفاده از زمین و تصمیمات برنامه ریزی برای افزایش جمعیت طی ۲۰ سال آینده را منتشر کرد. این طرح بر یک سری اهداف جهت دستیابی به دیدگاه مورد نظر تکیه دارد. از جمله تمرکز بر اقتصاد رقابتی، انتخاب مسکن، ارتباطات سالم، جوامع سالم و محیط زیستی پایدار و تاب آور (پتیت^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶) شبکه شهرهای هوشمند پرتغالی در سال ۲۰۰۹ با ۲۵ شهرداری بعنوان یک شبکه آزمایشی برای تحرکی الکتریکی توسط دولت پرتغال آغاز شد، که در سال ۲۰۱۳ جهت گسترش فعالیت ها در زمینه های بهره وری انرژی، انرژی های تجدید پذیر، مدیریت آب و فاضلاب، حکومتمداری و شهروندی، فرهنگ و گردشگری سرمایه گذاری شد، که در مجموع یک مدل جامع از شهرهای هوشمند است. در حال حاضر ترکیبی از ۴۶ شهرداری در سراسر قلمرو ملی است که بعنوان سایت های توسعه و آزمایش راه حل های شهری، فعالیت می کنند. این ایده در به اشتراک گذاری تجربه میان شهرداری ها، توانسته با ایجاد شبکه شهرهای هوشمند ایبرین^۳ به اسپانیا برسد، که هم اکنون از ۱۱۱ شهر تشکیل شده است. (لوپز و الیورا، ۲۰۱۷: ۶۱۸)

۴- نتیجه گیری

در جهان امروز اصطلاحات زیادی همچون جهان شهرها، کلانشهرها، مادر شهرها و... بر همگان آشناست که حاکی از افزایش جمعیت شهرنشین و به طبع رشد و توسعه شهرهاست، در این میان اغلب شهرهایی که بدون طرح و نقشه قبلی و با توجه به نیازها و شرایط ویژه سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی که فرم و کالبد بک شهر را شکل می دهد، بوجود آمده اند، در تامین خواسته ها و نیازهای شهروندان با مشکلات عدیده ای روبرو هستند. در کشور ما یعنی ایران بدلائل متعدد سیاسی از جمله: حاکمیت استبدادی در ادوار گذشته و فقدان سابقه ی تاریخی حکومت شورایی ... و نیز پیروی از طرح های جامع فرمایشی در دهه های گذشته که در کنار منافع که در زمان خودش به همراه داشته، همچنان نظام شهری بر پایه ی احکام و اهداف آن بصورت طرح های تفصیلی در جریان است و کمتر و یا اصلاً به ابعاد زندگی انسانی و اجتماعی شهروندان، نظارت و مالکیت عمومی بر زمین های شهری، ایدئولوژی زمین بعنوان ثروت عمومی و... توجهی نمی شود و از سویی دیگر نیز سازمان ها و ارگانهای زیادی در زمینه ی زمین های شهری تصمیم گیری می کنند که اولویت اول همه آنها ارزش اقتصادی زمین شهری است، نظریه ی شهر هوشمند می تواند راهگشا باشد.

زیرا تجربه انسانی در شهرهای هوشمند بطور اساسی تغییر کرده است. همانطوریکه قطار و ماشین چشم انداز و آرایش جهانی قرن نوزدهم و بیستم را دگرگون ساختند، بنابراین چشم انداز دیجیتال امروز، احساس ما از فضا و روابط انسانی بواسطه ی رسانه های اجتماعی، جی پی اس و نیز پلتفرم شهرسازی را تغییر داده است. (هان و هاوکن، ۲۰۱۸: ۱) مفهوم شهر هوشمند در طی دهه ی گذشته بعنوان ترکیبی از نظرات در مورد چگونگی بهبود فناوری اطلاعات و ارتباطات در عملکرد شهرها، افزایش کارایی آنها، بهبود رقابت آنها و ارائه راهکارهای جدیدی که مشکلات فقر، محرومیت اجتماعی و محیط ضعیف ممکن است بوجود آورد، مورد توجه قرار گرفت. (باتتی و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۸۳) بنابراین با اینکه تئوری شهر هوشمند هنوز در کشور ما در هیچ یک از شهرها اجرایی نشده است که البته نیازمند پیش شرط ها و زیرساخت های مورد نیاز خود می باشد، با اینحال با توجه به مفاد و اهداف این نظریه و دیدگاه های انسان محورانه ی آن و نیز تجربیات کشورهای پیشرفته در عرصه

^۱ - Barns

^۲ - Pettit

^۳ - Iberian

شهرسازی و برنامه ریزی شهری و همچنین مشکلات بی شمار، از جمله آلودگی هوا، ترافیک، پراکنده رویی شهری و ... که کلانشهرهای کشورمان با آن مواجه اند، نظریه ی شهر هوشمند نظریه ای مفید و کارآمد خواهد بود.

منابع:

- 1- Baddi, Bellini, Cenni, Difino, Nesi & Paolucci (2017), Analysis and assessment of a knowledge based smart city architecture providing service APIs, *Future Generation Computer Systems* 75 (2017) 14–29
- 2- Barns, Sarah (2018), Smart cities and urban data platforms: Designing interfaces for smart governance, *City, Culture and Society* 12 (2018) 5–12
- 3- Batty and others (2012), Smart cities of the future, *THE EUROPEAN PHYSICAL JOURNAL SPECIAL TOPICS*, This article is published with open access at Springerlink.com DOI: 10.1140/epjst/e2012-01703-3, 481–518 (2012)
- 4- Borsekova, Korony, Vanova & Vitalisova, Kamila, Samuel, Anna & Katarina (2018), Functionality between the size and indicators of smart cities: A research challenge with policy implications, *Cities*, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.03.010>
- 5- Budde, Paul (2014), Smart Cities of Tomorrow, *Cities for Smart Environmental and Energy Futures, Energy Systems*, DOI 10.1007/978-3-642-37661-0 2, © Springer-Verlag Berlin Heidelberg 2014
- 6- Caragliu, A., Del Bo, C., Nijkamp, P. (2011) Smart Cities in Europe, *Journal of Urban Technology*, Vol. 18, No. 2, pp. 65-82
- 7- Cecilio, Caldeira & Wanzeller, Jose, Filipe & Cristina (2018), CityMii - An integration and interoperable middleware to manage a Smart City, *Procedia Computer Science* 130 (2018) 416–423
- 8- Chen, T.M. (2010) Smart Grids, Smart Cities Need Better Networks. *IEEE Network*, Vol. 24, No. 2, 2-3
- 9- Eremia, Toma & Sanduleac, Mircea, Lucian & Mihai (2017), The smart city concept in the 21st century , *Procedia Engineering* 181 (2017) 12 – 19
- 10- Han, Hawken, Hoon & Scott (2018), Introduction: Innovation and identity in next-generation smart cities, *City, Culture and Society* 12 (2018) 1–4
- 11- Harrison, C., Eckman, B., Hamilton, R., Hartswick, P., Kalagnanam, J., Paraszczak, J., & Williams, P. (2010) Foundations for Smarter Cities. *IBM Journal of Research and Development*, 54(4)
- 12- Beretta, Ilaria (2018), The social effects of eco-innovations in Italian smart cities, *Cities* 72(115–121)
- 13- Lacinak, Ristvej, Maros & Jozef (2017), Smart city, Safety and Security, *Procedia Engineering* 192 (2017) 522 – 527
- 14- Lazaroïu, G.C., Roscia, M. (2012) Definition methodology for the smart cities model, *Energy*, Vol. 47, No. 1, pp. 326-332
- 15- Lombardi, P., Giordano, S., Farouh, H., Yousef, W. (2012) Modelling the smart city performance, *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, Vol. 25, No. 2, pp. 137-149
- 16- Lopes, Oliveira, Isabel Maria & Pedro (2017), Can a small city be considered a smart city?, *Procedia Computer Science* 121 (2017) 617–624
- 17- Manville and others, (2014), Mapping Smart Cities in the EU, To contact Policy Department A or to subscribe to its newsletter please write to: Poldep-Economy-Science@ep.europa.eu, <http://www.europarl.europa.eu/studies>
- 18- Mohanty, s.p (2016), Everything You Wanted to Know About Smart Cities, DOI: 10.1109/MCE.2016.2556879, (2016)
- 19- Owczarzak, Zak, Lukasz and Jacek,(2015), Design of passenger public transportation solutions based on autonomous vehicles and their multiple criteria comparison with traditional forms of passenger transportation, *Transportation Research Procedia* 10 (2015) 472 – 482
- 20- Petit, Christopher and others (2018), Planning support systems for smart cities, *City, Culture and Society* 12 (2018) 13–24
- 21- Praharaj, Han & Hawken, Sarbesvar, Jung Hoon & Scott (2018), Urban innovation through policy integration: Critical perspectives from 100 smart cities mission in India, *City, Culture and Society* 12 (2018) 35–43
- 22- Susanti, Soetomo, Buchori & Brotosunaryo, Retno, Sugiono, Imam & Pm (2016), Smart growth, smart city and density: in search of the appropriate indicator for residential density in Indonesia, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 227 (2016) 194 – 201

- 23- Turcu, C. (2012) Re-thinking sustainability indicators: local perspectives of urban sustainability, Journal of Environmental Planning and Management, DOI:10.1080/09640568.2012.698984
- 24- Washburn, D., Sindhu, U., Balaouras, S., Dines, R.A., Hayes, N.M., & Nelson, L.E. (2010) Helping CIOs Understand “Smart City” Initiatives: Defining the Smart City, Its Drivers, and the Role of the CIO. Cambridge, MA: Forrester Research, Inc

غم در شعر فروغ فرخزاد

بابک دهقانی^{۱*}، فریده انصاری^۲

۱- مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس
tarikhtheater@gmail.com

۲- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد

دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس
University of Applied Science and Technology, Bandar Abbas ACECR Center, Iran

چکیده

در این مقاله، سعی بر آن شده است تا غم در شعر فروغ فرخزاد، با نگاهی سبک شناسانه مورد بررسی قرار گرفته شود. با توجه به اینکه بی پیرایه بودن و دلی بودن اشعار او بی تردید جزئی از مؤلفه‌های اساسی در همه‌ی عناصر شعری‌اش می‌باشد، لذا غم نیز در بافتی کاملاً طبیعی و حسی ارایه شده که در این نوشتار برجستگی و تمایز فراوانی با دیگر اوزان شعری و حسی دارد. در این نوشتار سعی داریم تا با ارزیابی برخی از اشعار این شاعر توانا و فرزانه‌ی عصر معاصر و با نگاهی ژرف به مبحث غم و اندوه در شعر و شاعری ایشان پرداخته شود تا شاید زاویه‌ی نگاه برخی از جوانان نسبت به اشعار فروغ فرخزاد تغییر نماید. معمولاً در دفاتر شعری‌ای که توسط آدمیان خوانده می‌شود کمتر به این توجه می‌گردد که شاید آن شعر برای قریحه شعر خود شاعر در آن زمان نوشته شده است و با غفلت از این موضوع همگی با اشعار شاعران علی‌الخصوص شعر فروغ فرخزاد احساس همزادپنداری داریم و سعی می‌کنیم که خود را همچون عاشقی دانسته که گرفتار در دام معشوقه‌اش است.

واژگای کلیدی: شعر، شاعری، فرخزاد، فروغ، غم.

۱- مقدمه

شعر و شاعری در ایران از قدمت بالایی برخوردار است. اما آنچه که شعر ایران را ماندگار نموده است، تنوع آثار شعری و ریتم و موسیقایی است که در سخن شاعران بزرگش معاصر و به نام ایران وجود دارد. شاعر با شعر خود سعی در ابراز احساساتی دارد که نه تنها شخصی، بلکه می‌تواند برای مخاطبان نیز همزادپنداری نماید. شعر مجموعه‌ای از آنچیزهایی است که در دنیای واقعی قابل دیدن نیست، بلکه بایستی آن را حس کرد و سپس بر زبان آورد. احساسات انسان‌ها با اشعار لطیفی چون شعرهای نو در عصر معاصر تحریک می‌شود و در جامعه‌ی جوان همچون ایران، همزادپنداری در اشعار خصوصاً عاشقانه امری است بدیهی.

جوانان عشق می‌ورزند و از سالیان دور تا به امروز عشق و غم یار همیشگی و دیرینه هم بوده‌اند. فروغ فرخزاد نیز از جمله شاعرانی است که عاشق بوده است. ایشان شاعری است که در لحظه زندگی می‌کرد و هر لحظه شعر می‌سرایید. شعری که نه تنها زبان خویش بلکه زبان تمامی مردم این مرز و بوم بوده است. فرخزاد در تمام طول عمر کوتاهش هیچ بیت و حتی مصرعی را از روی تصنع ایراد نکرد و تلاش می‌نمود تا اشعارش جنبه‌ی واقعی خود را حفظ کنند.

در شعر شاعران اگر حالات روحی و روانی واقعی در اشعار نمایان باشد و همچنین اگر شاعر دارای قریحه و ذوق و گوش و هوش شاعری باشد از ابتدا، شعر با وزن متناسب خود از ذهن شاعر بیرون می‌تراود و در واقع این وضعیت روحی و روانی است

که وزن را به دنبال می کشد نه آنکه شاعر از میان اوزان مختلف دست به گزینش بزند. (حسین حسن پور آلاشتی/پروانه دلاور، ۱۳۸۷؛ ص ۳۸)

در مورد شعر فروغ این هماهنگی تا حدود بسیاری برقرار است و قریحه شاعری و غم و اندوه درونی در شعر او در همه‌ی دفترها مشهود است. طبیعتاً اگر دفترهای شعری فروغ فرخزاد را ورق بزنید خواهید دید که تمام آثارش مملو از عشق و اندوه بوده است. عشق دست نیافتنی است و ارزشش از دوست داشتن بیشتر است. شعر دست نیافتنی است و اعتبارش به شاعرش است. چرا که هر انسان عادی توانایی شاعری را ندارد. آن هم شعری که سالیان بر دل جوانان و صاحب‌دلان عاشقی کند.

این بررسی در نظر دارد با بررسی غم و اندوه در اشعار فروغ فرخزاد، به بررسی پیوندهای مفهومی میان دو یا چند سبک متفاوت از شاعری بپردازد. به دلیل تحولاتی که در دوران گذشته در اثر تغییر نگرش نسبت به شعر و شاعری و اثر هنری-ادبی پدیدار شد، این بخش از ادب و ادبیات در زمینه غم و اندوه بوجود آمده است که ناشی از نگرش مردم نیز می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش، نزدیک شدن به پاسخ این پرسشها است که چگونه پیوندی میان غم و شادی در اشعار شاعران به نامی چون فروغ فرخزاد وجود دارد؟

در کل آیا بین غم و اندوه رابطه‌ای وجود دارد که بتوان به یک نقطه‌ی واحد و دست نیافتنی همچون عشق برسد؟ چگونه می‌توان هم عاشق بود و هم شاد؟ قابل قبول است که انسان شاد هم می‌تواند عاشق باشد، اما عشق شادی را در خود جایی نیست.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- غم

غم و اندوه، واکنش طبیعی و سالم نسبت به از دست دادن یک چیز با ارزش در زندگی است و مشخصه‌اش غالباً اضطراب و تشویش شدید ذهنی است. با وجودی که غم و اندوه معمولاً به مرور زمان کاهش می‌یابد اما ممکن است به تجربه‌ای دردناک و طولانی تبدیل گردد و باعث درماندگی شدید هیجانی شود (نویسنده ناشناس، ص ۱) به یاد آوردن گذشته و غم خوردن به خاطر فجایع آن، حماقت و دیوانگی است و اراده و زندگی فعلی را نابود می‌کند. عاقلان پرونده گذشته را می‌پیچند و روایت نمی‌کنند؛ گذشته با طنابهایی محکم برای همیشه در سلول فراموشی بسته و زندانی می‌شود و هرگز از بند فراموشی بیرون نخواهد آمد (عائض القرنی، ص ۳۱)

۲-۲- شعر

شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده شعر، با شعر خود، عملی در زبان، انجام می‌دهد که خواننده، میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی، - یا به قول ساخت گرایان چک^۱: زبان اتوماتیکی - تمایزی احساس می‌کند. این تمایز می‌تواند علل بسیاری داشته باشد، عللی شناخته شده و عللی غیر قابل شناخت. اتفاقاً شعر حقیقی، شعر ابدی، همان شعری است که علت تمایز آن از زبان مبتذل و معمول، در تمام ساحات، قابل تعلیل و تحلیل نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸؛ ص ۳).

۲-۳- پیشینه

الله برزگر (۱۳۹۶)؛ زبان یکی از رفتارهای انسان است که هر فرد از طریق آن می‌تواند هویت جنسی خود را آشکار سازد. در این میان، زنان زبانی متفاوت با مردان به کار می‌برند و این امر در آثار هنری شان نیز نمودار می‌شود. پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد به عنوان دو شاعر برجسته‌ی زن معاصر، دارای زبان و شیوه‌ی خاص خود هستند که از جهات مختلف قابل

^۱ - Czech Structuralist

مقایسه‌بند. در عین حال که هر دو شاعر از زبان جنس زن استفاده کرده اند، تفاوت های چشمگیری را می توان در آثار هر یک مشاهده کرد. پروین مسیر سنت را طی می کند اما فروغ قدم در راه تازه ای می گذارد و سرانجام هر دو به یک نقطه ی مشترک به عنوان هدف زن می رسند: تساوی حقوق زن در کنار حقوق مرد. در این راه، اما، هریک آغازگر مسیر تازه ای می شوند. در این مقاله سعی شده است تا پس از بیان ویژگی های شعری هر یک به صورت جداگانه و مقایسه ی آن دو، وجوه اشتراک و افتراق دو شاعر، به ویژه از نظر زبان و اندیشه، بیان گردد و همچنین جایگاهی که این دو شاعر زن در شعر معاصر دارند، نمایانده شود.

زینب میرزایی (۱۳۹۶)؛ در تاریخ شعر فارسی، تا زمان فروغ تنها دو زن می شناسیم که از معشوق مرد سخن گفته اند و از خط قرمز گذشته اند. یکی رابعه، دختر کعب که تمام لحظه های شاعری را در کيفر دیدن به سر برد. او کيفر دیدن را به صورت فراموش سپردن شعرش و چه بسا نابود شدن بسیاری از سروده هایش و در نهایت کشته شدن به دست برادرش تحمل کرد. دیگری فروغ است. فروغ در برخی از اشعارش با نگاهی کاملاً زنانه به حضور معشوق مرد می نگرد و برای اولین بار بخصوص در ادبیات مشروطه، از واژه هایی سخن گفت که تا پیش از او در مورد معشوق زن به کار میرفته است و این حضور معشوق مرد را برای روحش ضروری می بیند. بیان این امر توسط یک شاعر زن در ایران آن سالها که در بافت سنتی و مذهبی فرورفته بود، تابویی قوی به حساب می آمد؛ اما او از مرزها و خط قرمزهای جامعه گذشت و همین امر سبب شد که نگاه بسیاری از موافقان و مخالفان این نوع تابو، به شعر او جلب شود. در این پژوهش به بررسی و تحلیل سیر تحول معنایی عشق و معشوق در اشعار فروغ فرخزاد پرداختیم و دریافتیم که به طور کلی زندگی کوتاه فروغ را میتوان به دو دوره تقسیم کرد: دوره ی اول با سه مجموعه اسیر، دیوار و عصیان، دوره ی دوم که در واقع دوره ی اوج خلاقیت های هنری او محسوب میشود با تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد. در نهایت و اواخر عمر عشق جسمانی فروغ به تعالی می رسد و می توان گفت، فروغ عشق را فراتر از قوانین و محدودیت های زمینی می خواهد و هر چیزی که مانع به ثمر رسیدن این میوه شود بیهوده و خالی از فایده می دانند. این عشق هم درد است و هم درمان همه زخمهای درونی از این عشق فرا زمینی و فوق انسانی است.

لیلا سلیمی، خدابخش اسدالهی (۱۳۹۶)؛ نوع به کار گیری زبان، زبان ادبی را از زبان عادی روزمره متمایز می کند. یکی از راههای برجسته کردن زبان استفاده از شیوه های آشناییزایی است. آرکایسم یا توجه به بافت کهن زبان، که آن را باستانگرایی نیز نامیده اند، یکی از این شیوه هاست. شاعر با بهره بردن از واژه های کهن و بافت نحوی گذشته باعث تشخیص به شعر خویش می گردد. فروغ فرخزاد یکی از شاعرانی است که در اشعار خود به این رویکرد توجه داشته است. این توجه باعث متمایز شدن اشعار نخست شاعر با اشعار مجموعه های بعدی او شده است. مقالهی حاضر سعی دارد با بررسی رویکرد آرکایسم از نظر واژگانی و نحوی در اشعار فروغ فرخزاد بپردازد و نتایج به دست آورده به صورت نمودار ارائه گردد.

رضا ستاری، صفورالسادات رشیدی (۱۳۹۵)؛ کهن الگوها، مفاهیم مشترکی هستند که ریشه در ناخودآگاه جمعی انسانها دارند. این اصطلاح را نخستین بار یونگ در بحث ناخودآگاه جمعی اش مطرح کرد و آن را آرکی تایپ -الگوی نخستین، صورت مثالی، صورت ازلی- نامید. کهن الگوها را می توان شامل تصاویر، مایه ها و انگاره ها و نوع دانست. کهن الگوی منجی از نوع مایه ها و انگاره ها و مفاهیم مشترکی است که میان جوامع و فرهنگ ها وادیان مختلف وجود دارد. منجی، فردی است که در زمانی خاص، که اصولاً زمان پایان دنیا و دوره اوج سختی ها و بدبختی های انسان و سلطه تاریکی و پلشتی ها در این دنیاست، ظهور می کند. این اندیشه علاوه بر اینکه دغدغه ذهنی انسان های گذشته و ادیان مختلف بوده است، اندیشه و تفکری است پویا و زنده که امروزه و تا زمانی که انسانی روی زمین نفس می کشد در جریان خواهد بود. فروغ فرخزاد نیز، به عنوان شاعری برجسته و متفکر، به این مسئله نظر داشت، بدان می اندیشید و این امر یکی از دغدغه های ذهنی او بود. مقاله حاضر، به بررسی «کهن الگوی منجی» در شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» فروغ می پردازد. این شعر پنجمین شعر در دفتر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» است. این مقاله با توجه به عناصر و اجزای خود شعر نشان میدهد که فردی که فروغ در این شعر از آن سخن می گوید کسی نیست جز منجی.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش متناسب با موضوع و در جهت دستیابی به اهداف از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. با توجه به موضوع مورد پژوهش، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، سیویلیکا، مرکز تحقیقات کامپیوتری و با مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتالی و برخی کتابخانه‌ها، با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، کتاب‌ها، مقالات، مجلات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق

از آنجا که شعر جزئی از ادبیات است و از دیرباز تا کنون در میان اقوام مختلف به زبان‌های گوناگون نقل گردیده و اینکه شعر و شاعری نیز از دل مردم بیرون می‌آید و موضوعات آن نیز گاهی از درون ایده‌های ذهنی شکل می‌گیرد، می‌توان گفت که غم و اندوه در شعر فروغ فرخزاد منحصر به فرد بوده و تا کنون در این راستا در هیچ کجا به صورت یکجا مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. هنر ادبیات و تاثیر آن در شعر و همچنین شاعری همچون فروغ فرخزاد با شور و شوق و هیجان فراوان خود از زیباترین شاهکارهای فرهنگ دیرپای کشور ما ایران است، که در این پژوهش مورد ارزیابی و قرار می‌گیرد. تازگی موضوع شور و شغف و علاقه مخاطب را برای خواندن و به سرانجام رساندن آن بیشتر می‌سازد.

۵- نتایج و بحث

۵-۱- شعر در ایران و جهان

سابقه شعر و شاعری در ایران به دوران باستان باز می‌گردد. زمانی که ایرانیان از غارنشینی خارج شده و به یکجا نشینی روی آوردند.

سومریان اولین قومی بودند که خط و نوشتار را اختراع و از آن استفاده می‌نمودند^۱، در مصر به جهت نگارش از سنگ و الواح گلی و سفالی استفاده می‌شد. اما با کشف کاغذ پاپیروس و بهره‌گیری از آن به جهت مکتوب نمودن ادبیات، فرهنگ و دانش مصر وارد مرحله جدیدی شد.^۲ طبیعتاً با اختراع خط و نوشتار بشر توانست به کار نوشتن بپردازد و داستانهای زیادی را بنویسد. برخی از این داستانها جنبه ی شعر داشته و نیاز به ریتم و موسیقی داشت. از همین رو سعی در سرایش اشعار نیز داشتند.

موسیقی در مصر باستان از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار بود، به طوری که تمامی معابد و کاخ‌ها برای خود دارای گروه خوانندگان، نوازندگان و همسرایان بودند و فردی خاص در مقرر شاه مسئولیت سرپرستی آنان را بر عهده داشت.^۳ وقتی در مکانی صحبت از خواننده به میان می‌آید پس مطمئناً شعر و ترانه ای نیز وجود داشته است.

هنر نویسندگی کم‌کم در تمام دنیا آموزش داده می‌شد به شکلی که در کشورهای همچون بابل نیز سعی می‌کردند افراد به آن بپردازند و در واقع آن کسی که این هنر را آموزش می‌دید در دربار به بالاترین مقام و یا همان روحانی دست می‌یافت. به همین خاطر از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار بود. علاوه بر این کسانی که این هنر را می‌آموختند سعی می‌کردند از خود آثاری را برجای بگذارند که عمده ترین آنان عبارت بودند از:

^۱ - تاریخ هنر ایران و جهان، ص ۲۳۴.

^۲ - همان، ص ۲۱۴.

^۳ - همان ص ۲۱۵.

- تجارت و بازرگانی
- داستان های منظوم از زبان حیوانات
- سروده ها، اشعار و متن های منظوم دینی و غیر دینی (نمایشی)
- گزارش و ثبت حوادث تاریخی و ...

که با توجه به موارد فوق ملاحظه می شود که شعر و شاعری نیز جزو بخش های عمده و مورد پسند پادشاهان و درباریان بوده است.

در ایران بعد از اسلام نیز، شعر در لهجه های دری و چه در دیگر لهجه های محلی، همچنان وجود داشت و در کتاب های مربوطه به تاریخ ادبیات، اشاراتی به آنها شده است و نمونه های از هر کدام آمده است. آنچه مسلم است، شعر در ایران و نیز چند قرن بعد از آن، همراه با موسیقی خنده می شده است و همچنین همراه بودن آن با موسیقی موجب گشته است که به ندرت آنها ثبت گردند.^۱

۵-۱-۱- دوره پس از مشروطه

با گذر از دوره مشروطیت و کمرنگ شدن شعر انقلابی و اهمیت یافتن فرهنگ عامیانه، کم کم قالب های شعری به آثار شاعران نام آور راه یافت. تا جایی که شاعر توانای عصر معاصر فروغ فرخزاد نیز در این دوره به کار شاعری در حوزه کودک نیز پرداخت. اگر چه کار جدی در زمینه ادبیات کودک نکرد اما ترانه ماندگار او به نام "علی کوچیکه" هنوز هم مخاطبان زیادی از میان کودک و بزرگسالان دارد (بهجت نجیبی فینی و معصومه ارج، ۱۳۹۳؛ ص ۱۰۰).

علی کوچیکه /// علی بونه گیر /// نصف شب از خواب پرید /// چشماشو هی مالید با دس /// سه چار تا خمیازه کشید /// پا شد نشس /// چی دیده بود ؟ /// چی دیده بود ؟ /// خواب یه ماهی دیده بود (فروغ فرخزاد، ۱۳۸۸؛ ص ۶۴).

۵-۲- فروغ فرخزاد

نظر به اینکه در دنیای معاصر زنان به دنبال یافتن جایگاه واقعی خود در سطوح مختلف می باشند و همچنین درصدد تغییر وضع موجود -مردسالاری یا فرزند سالاری- نیز هستند، پرداختن به اندیشه و اشعار یک زن ایرانی (فروغ فرخزاد) با موضوعیت خاص (غم) در اشعارش می تواند کنش ها و واکنش های زیادی را به همراه داشته باشد.

فروغ فرخزاد (۱۳۴۵-۱۳۱۳ / ۱۹۶۷-۱۹۳۵) شاعر معاصر ایرانی که بعد از نیما یوشیج و در کنار احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث از پیشگامان شعر معاصر فارسی محسوب می شود؛ حدود ۱۲ سال به شعر و شاعری به سبک شعر نو پرداخت. نوع نگاه فروغ به جنسیت امکان تحلیل و تبیین عدم تحول جدی رویکرد فمینیستی را در جامعه امروز ایران فراهم می آورد. فروغ شاعر زندگی است و گوشه های بکر آن را زیسته و سروده است، پس طبیعی است در شعر او همه چیز طبیعی باشد. از جمله موسیقی که کارکرد درست آن از جنبه های قدرتمند شعرهایش است. وزن عروضی و نیمایی، آشکارترین شکل موسیقی در شعر فارسی است که مبنای وزن عروضی، همسانی و تساوی ارکان عروضی و اساس وزن نیمایی، مبتنی بر عدم لزوم همگونی مصراع هاست. یکسانی زحاف در رکن آخر وزن، در همه مصراع های یک شعر در عروض سنتی لازم است و در شعر نیمایی به دلیل شکستن وزن و عدم تساوی ارکان، زحاف رکن آخر در مصراع های شعر می تواند متغیر باشد. البته هر ابزاری را که شاعر در شعر استفاده کند تا کلام را از سیاق طبیعی نثر خارج سازد و در آن طنین و تناسب ایجاد کند، از گونه موسیقی شعر

۱- در طول قرون دو و سه هجری بر اثر آشنا شدن ایرانیان با شعر و ادب عربی، به تریج عروض معمول در شعر عربی، بر قالب های شعری شعر فارسی و دری و بعضی از شعرهای لهجه های دیگر ایران منطبق شد و شاعرهای ایرانی از آن به بعد، در قالب های مختلف که بعضی از آنها خاص شعر فارسی بود و بعضی از شعر عربی اقتباس گشته بود، به وزن عروضی شعر سرودند و به این ترتیب جریان شعر از فارسی که شعر معروف ایران معروف به شعر فارسی دری است، جدا از شعر محلی و شعر عامیانه در کنار آنها رشد و تحول یافت و برای مضمون هایی از قبیل حماسه، شعر تعلیمی، شعر عرفانی، شعر غنایی و مانند آنها به کار رفت در طول این مدت، بر حسب تحول زبان فارسی در زمان ها و مکان ها و همچنین در اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی هر دوره، اختصاصاتی یافت که موجب به وجود آمدن سبک های مختلف در شعر فارسی گشت.

محسوب می شود. در نتیجه، نه فقط وزن عروضی بلکه هر نوع تناسب و آهنگی را که ناشی از شیوه ی ترکیب واژگان، انتخاب قافیه ها و ردیف ها و همگونی صامت ها و مصوّت و... باشد نیز در شمار آن قرار می گیرد.

اگر شعر شاعری، نمود واقعی حالات درونی او باشد و همچنین اگر شاعر دارای قریحه و ذوق و گوش موسیقایی باشد از ابتدا، شعرا وزن متناسب خود از ذهن شاعر بیرون می تراود و در واقع این وضعیّت روحی و روانی است که وزن را به دنبال می کشد نه آنکه شاعر از میان اوزان مختلف دست به گزینش بزند. در مورد شعر فروغ این هماهنگی تا حدود بسیاری برقرار است و علاوه ابراهای سازنده موسیقی درونی در شعر او در همه ی دفترها برجسته اند و در دو دفتر "تولد دیگر" و "ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد" کارکرد خیلی ویژه ای دارند (محمد جواد فرج زاده، ۱۳۹۲).

فکر، اندیشه و شعر و کلام فروغ فرخزاد در کشورهای دیگر همچون تاجیکستان در قرن بیستم و دهه های ۷۰ و ۸۰ حادث شد. مجموعه اشعار فروغ نه از جمله "تولد دیگر" نه تنها در اجتماعات ادبی، بلکه در میان جوانان و نوجوانان کشور تاجیکستان همانند انفجاری احساسی رخ داد تا آنان بتوانند با تار و پور خود، با قلب و درونیات خود تمام احساسات یک فرد را دریابند. در آن دوران جوانان با شعر وی نه تنها زندگی، بلکه کار، تلاش، اندیشه و تفکر می کردند. راه را هموار دیده بودند برای ابراز احساساتی که تا کنون جلوه گر نشده بود. شاید این همه محبوبیت به آن دلیل بوده است که تا آن زمان شاعری با این همه قریحه شعری نتوانسته بود با اشعارش در میان جوانان محبوبیت کسب نماید. البته لازم به ذکر است که بعد ها شاعران به نام و معاصری همچون سهراب سپهری توانستند جایگاه هایی را برای خود پیدا نموده اما شاعر توانایی همچون فروغ که از دل زنان سخن به میان آورده بود با ظرافت های کودکانه و دستان کوچکش سعی در تسلیم نمودن قلبی داشت که گهگاه در خاطراتش از آن یاد کرده است. او مزاحمتی برای کسی نداشت. تنها دلخوش بود به خاطراتی از گذشته. گذشته ای سرشار از عشق و ندامت.

۵-۳- غم در اشعار فروغ فرخزاد

فروغ خلوت خود را عاشقانه می زیست. روزها می گذشت که به دیگرانش نیازی نبود، به نوشته ی رویایی روزها و گاه هفته ها، در به روی کسی نمی گشود و او وقتی از عزلت خود پریشان و آشفته بیرون می آمد نخستین کارش این بود که عزیزانش را به تلفنی و دیداری بنوازد (جلالی، ۱۳۷۵؛ ص ۶۸).

برخی از اشعار فروغ شاهد بر ادعای فوق می باشند. البته لازم به ذکر است که در زمان خوانش اشعار فروغ فرخزاد خود به خود دچار غم و اندوه بزرگی در وجود خودمان که در واقع همان حس تنها زیستی و درونگرایی است، می شویم اما برخی از اشعار با تم و موضوعیت خاصی سروده شده اند که مخاطب آگاه به راحتی آن را تشخیص خواهد داد. اشعاری چون "در غروبی ابدی"، "اندوه پرست"، "باد ما را با خود خواهد برد" و نمونه هایی از این دست هستند.

اینک بخشهایی از این اشعار:

گوش کن /// وزش ظلمت را می شنوی؟ /// من غریبانه به این خوشبختی می نگرم /// من به نومیدي خود معتادم... (فرخزاد، ۱۳۸۰؛ ص ۲۸۱)

روز یا شب؟ /// نه، ای دوست غروبی ابدی است /// دل من می خواهد با ظلمت جفت شود... (همان، ص ۳۳۱)
کاش چون پاییز بودم... کاش چون پاییز بودم /// کاش چون پاییز خاموش و ملال انگیز بودم /// برگهای آرزوهایم یکایک زرد می شد /// آفتاب دیدگانم سرد می شد /// آسمان سینه ام پردرد می شد... (همان، ص ۱۴۱)

فروغ بیش از هر چیز تنهاست و این صفت حدود ۶۰ بار در شعرش آمده و نیز خسته است، که این واژه ۵۷ بار حدوداً تکرار شده. سخت در شعر فروغ نقش مهمی دارد هم به عنوان صفت و هم به عنوان قد ۳۵ بار آمده است. به علاوه به عنوان نوعی تاکید برای قید های دیگر با صفت های دیگر هم به کار می رود. در مرتبه ی بعدی صفت لرزان با بسامد ۱۷ بار که اشاره ای به عصر عدم قطعیت و تزلزل در همه ی ارکان زندگی است. مضطرب و اضطراب ۱۳ بار و مشوش و تشویش ۱۲ بار نشان دادن

دنیای پر از نگرانی فروغ نقش مهمی دارند و همینطور پریشان با ۱۵ بار و افسرده با ۸ بار تکرار در ادامه و سست با ۱۰ بار تکرار به مفهوم بی اعتباری امور عمق می بخشد (حسین حسن پور آلاشتی/پروانه دلاور، ۱۳۸۷؛ ص ۳۵)

فروغ فرخزاد با شخصیت و ساختار خانوادگی که داشت همیشه در حال هنجار شکنی بود. هنجار شکنی که نیاز به کنکاش در عواطف برای کنار هم قراردادن کلمات بود. فروغ در اشعارش چنین نشان می دهد که هنوز همان دختر بچه‌ی کوچکی است که داستان ناتوانش به سمت قدرتی ازلی دراز است و می خواهد به کسی تکیه داشته باشد. فروغ، فروغ روشن زندگی مخاطبین خود است. فروغ توانست به دلها بنشیند. تا زمانی که بود تنهایش درک نشدنی اما از زمانی که رفت درکش تنهایی شد. فروغ فرخزاد در تمام طول عمر نیاز به کسی داشت تا بتواند به او دلخوش باشد. کسی که چون پرویز ماندگار بود.

۴-۵- مقایسه فروغ فرخزاد با شاعران دیگر

نهضت نوجویی (مدرنیسم) که بعد از جنگهای جهانی اول و دوم در ادبیات تمام ملت ها تغییر و تحولی ایجاد کرد، سبب شد که ادبیات در فرم و محتوی دچار دگرگونی‌هایی بنیادی گردد. فروغ فرخزاد (۱۳۴۵-۱۳۱۳) و سیلویا پلاث^۱ (۱۳۴۱-۱۳۱۰)، نیز دو شاعر نوپردازند که گرچه یکی ایرانی و دیگری امریکایی است اما چون در یک زمان و تقریباً پس از آن دوران زندگی می‌کردند، از نظر سبک و ویژگی های شعری (در حوزه تفکر، تخیل (Imagination) و (زبان) و وجه مشترکی دارند که قابل تأمل است. مهمترین وجه اشتراک فروغ فرخزاد و سیلویا پلاث غریزی بودن اشعار آنهاست و همچنین لحن زنانه آنها که در اشعارشان کاملاً محسوس است. البته، باید در نظر داشت که اشعار فروغ تقریباً به دو دوره تقسیم می‌شوند. دوره اول که شامل سه مجموعه «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» است. در این مرحله از شاعری، اشعار وی در قالب سنتی و کاملاً فردی و خصوصی است؛ اما در دوره دوم، که با مجموعه «تولد دیگر» آغاز می‌شود، اشعاری تکامل یافته‌تر و متحول‌تر جلوه‌گر می‌شود. در این اشعار، وی از دنیای خیالی و فردی بیرون می‌آید. و به دنیای تازه‌ای وارد می‌شود. اینجاست که زندگی واقعی با شعر او در می‌آمیزد و او واقع گرایی را با طنزی تلخ ارائه می‌دهد. سیلویا پلاث نیز همانند فروغ شاعری ذهنگراست، ولی وی از همان ابتدا به مسایل اجتماعی توجه بسیاری دارد. به طور کلی، این دو شاعر از نظر خصوصیات شعری، با هم وجه مشترک بسیاری دارند. اما برخلاف فروغ که در اشعارش نوعی نشاط و تحرک دخترت جوان به چشم می‌خورد، سیلویا پلاث بسیار نا امید است و درونمایه «مرگ» در تمام اشعارش سایه می‌افکند (منصوره شریف زاده؛ ۱۳۹۵).

امیلی^۲ را "شاعر شاعران" و "شاعر شگفتیها" نامیده‌اند. او مورد ستایش شاعرانی چون "تد هیوز"^۳، "سیلویا پلاث"^۴ و "مک لیش"^۵ که خود از جمله بزرگترین شعراوند قرار گرفته است.

امیلی در سال ۱۸۳۰ در آمهرست^۶ در ایالت ماساچوست^۷ زاده شد و ۵۶ سال بعد در همان شهر درگذشت. پدرش مردی بسیار مذهبی و سختگیر بود که سایه هیبتش همیشه بر امیلی سنگینی می‌کرد. با پدرش روابط تیره‌ای داشت، زیرا همواره او را از توجه به ادبیات باز می‌داشت.

برخی از منتقدان اشعار وی معتقدند که شعر «من هیچ کسم، تو کیستی؟ I am nobody! Who are you» در واقع نبردی است علیه فشاری که از جانب پدر بر او اعمال می‌شده است. او در این اشعار اشاره می‌کند که خواهان آن است که ناشناخته

^۱ - Silviya pelas

^۲ - Emili

^۳ - Ted hiuz

^۴ - Silviya pelas

^۵ - Mac lish

^۶ - Amherst

^۷ - Masachoset

بماند. شاید علت عدم انتشار آثار وی در زمان حیاتش همین مطلب باشد (تنها هفت قطعه از اشعار امیلی در زمان حیاتش منتشر گردید).

جی لیدا^۱ در کتاب "سالها و ساعات امیلی دیکنسون" The years and houres of Emily Dickinson می گوید: والدینش هیچگاه به او در پیشرفت هایش بعنوان یک شاعر کمک نمی کردند. او خلوتی اختیار کرد که برای ادامه کارش به آن نیاز داشت. تنها در این خلوت بود که او احساس اسارت نمی کرد.

فروغ نیز در محیط خانوادگی با چنین مشکلی مواجه بود. عدم توجه خانواده به هنر و شعر او، بخصوص رفتار خشن پدر که به قول فروغ با خشونتش همه را از خود می ترساند و باعث می شد به خود پناه ببرد، تأثیر عمیقی بر احساسات و اندیشه او داشت. پوران فرخزاد می گوید: "شاید اصولاً این محیط خاص خانوادگی ما بود که همیشه مانع از این می شد تا برای فروغ و یا اصولاً برای همه ما شخصیت ثابتی بوجود بیاید. تأثیر محیط خانوادگی بود و نفوذ دوگانه و اسرار آمیز پدرم" (جلالی، ۱۳۷۵؛ ص ۱۱۷).

فروغ در یکی از نامه هایی که از اروپا برای پدرش فرستاده، خطاب به او می نویسد: "دلم می خواست همه ی زندگیم را، همه ی حس ها و دردها و بدبختی هایم را برای شما بنویسم و نمی توانستم و هنوز هم نمی توانم؛ چون وقتی پایه های ساختمان افکار و عقاید ما در دو زمان مختلف و در دو اجتماعی که از لحاظ شرایط متفاوت هستند ریخته شده، چطور ما می توانیم در میان خودمان حس تفاهم ایجاد کنیم؟... درد بزرگ من این است که شما هرگز مرا نمی شناسید و هیچوقت نخواستید مرا بشناسید" (همان، ص ۱۱۸).

امیلی در محیطی زندگی و رشد می کند که زنان چیزی جز موجودات بی مصرف و بی روح نیستند. او در موقعیتی است که احساس می کند صدایی ندارد زیرا وادار به سکوت شده است. برای او محدودیت مضاعفی بخاطر زن بودن وجود دارد. به گفته ی سینتیا ولف^۲ شعر برای او وسیله ای بود که می توانست خود را بیان کند و به محدودیت های اجتماعی حاکم بر زنان بتازد. او در اشعار خود سعی می کند تفکر سنتی جامعه را تغییر دهد و به جهان بگوید که از طرز رفتار با زنان ناراضی است. شعر زیر نمونه ای از اینگونه اشعار اوست:

اینک نامه ی من به جهان /// که هرگز برای من ننوشت /// خبرساده ای را که سرشت /// با شکوهی مهر آمیز فرستاده بود ///
پیامش را به دستانی سپرده است /// که من نمی توانم دید /// به پاس عشقش، ای هم میهنان /// از من به مهر یادآرید!
(دیکنسون، ۱۳۷۹؛ ص ۱۴۴)

۵- نتیجه گیری

- فروغ فرخزاد شاعری توانا و تاثیر گذاری نه تنها در داخل بلکه در خارج از کشور نیز بوده است.
- فرخزاد ذاتا شاعر بوده است.
- فروغ فرخزاد ترانه سرای چیره دستی است که توانایی سرایش شعر کودک را نیز دارد.
- غم در اشعار فروغ فرخزاد به راحتی درک می شود.
- اشعار و دلنوشته های فرخزاد از زاویه ی نگاه خودش است، اما به راحتی می توان با آن همزادپنداری نمود.
- اشعار فروغ فرخزاد ارزش تحلیل پذیری بالایی دارد.

^۱ - Jay Leyda

^۲ - Cynthia Wolff

منابع

- القرنی، عائض، (۱۳۸۷)؛ غم مخور (راز شاد زیستن)، مترجم: محمد گل گمشاد زهی، زبان: فارسی/عربی، ناشر: سنت احمد شاپک: 9789649129624
- برزگر، الهه، (۱۳۹۶)؛ نگاهی تطبیقی به زبان و اندیشه پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد، دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- جلالی، بهروز، (۱۳۷۵)؛ جاودانه زیستن در اوج ماندن، انتشارات مروارید، تهران شاپک: 9789646026049
- دیکنسون، امیلی، (۱۳۸۳)؛ گزیده نامه‌ها و اشعار امیلی دیکنسون، مترجم: سعیدپور، سعید، چاپ چهارم، انتشارات مروارید، تهران.
- حسین حسن پور آلاشتی/ پروانه دلاور، (۱۳۸۷)؛ نگاهی سبک شناختی به واژگان در زبان شعر فروغ، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال هجدهم، شماره ۷۴، زمستان.
- ستاری، رضا و صفورالسادات رشیدی، (۱۳۹۵)؛ بررسی کهن الگوی منجی در شعر "کسی که مثل هیچ کس نیست" فروغ فرخزاد، همایش ملی ادبیات غنایی، اصفهان، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- سلیمی، لیلا و خدابخش اسداللهی، (۱۳۹۶)؛ آرکایسم واژگانی و نحوی در اشعار فروغ فرخزاد، اولین کنگره علمی بین المللی فرهنگ، زبان و ادبیات، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- شریف زاده، منصوره، (۱۳۹۵)؛ اشعار فروغ فرخزاد و سیلویا پلات از دید تطبیقی، همایش ملی ادبیات غنایی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۸)؛ موسیقی شعر، نشر آگه، تهران، شاپک: ۵-۴۲-۰۴۲-۳۲۹-۹۶۴
- فرج زاده، محمدجواد، (۱۳۹۲)؛ ویژگی های فکری و سبک شعری فروغ فرخزاد، مجله اینترنتی monadnet.
- فرخزاد، فروغ، (۱۳۸۰)؛ دیوان اشعار فروغ فرخزاد، چاپ دوم، انتشارات شقایق، تهران.
- فرخزاد، فروغ، (۱۳۸۸)؛ تولدی دیگر، چاپ چهارم، تهران.
- محمدی، رامونا (۱۳۹۴)؛ تاریخ هنر ایران و جهان، چاپ سوم، نشر فارسیران، تهران شاپک: ۸-۳۷-۵۸۱۴-۶۰۰-۹۷۸.
- میرزایی، زینب، (۱۳۹۶)؛ از فرش تا عرش با نجوای عاشقانه فروغ فرخزاد، دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- نجیبی فینی، بهجت، معصومه، ارج، (۱۳۹۳)؛ تاریخچه مختصر ادبیات کودک و نوجوان در ایران و تحلیل چند شعر از (مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی)، فصلنامه پژوهشی، آموزشی، شماره نوزدهم، پائیز ISSN: 2322-1364.
- نویسنده ناشناس، غم و اندوه، کارنیل، شبکه موفقیت ایرانیان.

سقف شیشه‌ای، از چالش‌ها و راهکارها تا توانمندسازی زنان

اسداله مهرآرا^۱، سیده فاطمه شفیعی پور^۲، ربابه دیانتي^۳، علیرضا زارع زیدی^۴

۱- استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران

۲- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (مدیریت تطبیقی و توسعه)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران

۳- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (مدیریت تطبیقی و توسعه)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران

۴- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (مدیریت منابع انسانی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران

چکیده

امروزه برنامه ریزان در سطح خرد و کلان به اهمیت نقش زنان در پیشبرد اهداف جامعه واقف شده اند. با این حال شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه هم چنان علایقی را در سطح جامعه به نمایش می گذارد که مانع ارزش گذاری واقعی فعالیت زنان در جامعه می شود. یکی از شاخص های مهمی که به عنوان معیار توسعه جنسیتی و نیز توانمندسازی زنان مورد توجه قرار می گیرد، میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری های کلان کشور و هم چنین حضور آنها در پست های مدیریتی است. زنان در افزایش بهره وری و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها نقشی بنیادی دارند. اما در بازار کار زنان سهم اندکی در انتخاب شدن برای رتبه های بالای مدیریت سازمانی دارند. در ادبیات مدیریت، علت عدم ارتقا و پیشرفت زنان را وجود پدیده ای موسوم به "سقف شیشه‌ای" می دانند. سقف شیشه‌ای به موانع مصنوعی و نامرئی، تصمیمات سازمانی و تعصبات مسئولان سازمان اطلاق می شود که مانع پیشرفت اشخاص با صلاحیت به ویژه زنان در داخل سازمان ها می شود. این پدیده که حاصل عوامل و عناصر متعددی است نشان از تاخر فرهنگی داشته و ناشی از تعمیم نامنصفانه‌ی تفاوت‌های زیستی زنان و مردان به حوزه های کاری است که تبعات منفی خود را بروز داده و باعث شده است که از توانمندی فکری و تخصصی و قابلیت‌های مدیریتی زنان استفاده مناسب به عمل نیاید. این مقاله سعی بر آن دارد که ضمن تعریف سقف شیشه‌ای، عوامل مختلف ایجاد سقف شیشه‌ای را در سازمان مورد بررسی قرار داده و با نگاهی به توانمندسازی زنان، وضعیت امروز زنان در سطوح مدیریت برخی کشورها را تحلیل نموده و راههای شکستن سقف شیشه‌ای را نیز توضیح دهد.

واژگان کلیدی: سقف شیشه‌ای، توانمندسازی زنان، تبعیض جنسیتی

۱- مقدمه

تحولات بنیادینی در فرایندها و محصولات آموزش عالی در جهان صورت گرفته است. انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات تحولات در نظام های اداره حکومت، تحولات فرهنگی و به هم پیوسته جوامع جهانی، نگاه و نیاز به نیروهای فعال و کارآزموده را افزایش داده است. زنان از جمله نیروهایی هستند که گرچه با رشد فزاینده تحصیلات عالی خود، گوی سبقت را از مردان ربوده اند اما در همه مناطق جهان به یک اندازه از مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی برخوردار نبوده اند. آمارهای مختلف از وضعیت زنان در ایران و جهان حاکی از آن است که زنان با وجود تحصیلات عالی دانشگاهی حتی در عرصه های مختلف مدیریتی نیز از وضعیت در حال رشد شغلی و متناسب با مردان برخوردار نیستند و این در حالی است که میزان و درجه توسعه یافتگی هر اجتماع بشری به مشارکت همه جانبه و خودآموزی اجتماعی و مدنی کامل افراد بستگی دارد (محدث خالصی، ۱۳۹۶).

از طرفی دیگر، اگرچه در سالهای اخیر حضور زنان در اجتماع و محیط های کاری افزایش یافته است. با وجود این، روند ارتقای زنان به سطوح بالای مدیریتی با پیشرفت های تحصیلی آنها هم خوانی ندارد و حضور زنان در سطوح عالی مدیریتی در بیشتر کشورها، به خصوص ایران، به دلیل موانع متعدد، ناچیز و کم رنگ است. موانعی که در جوامع و سازمان ها و زمان های مختلف متفاوت است (غفوری و همکاران، ۱۳۹۶).

زنان بخش مهمی از تامین سرمایه در بحث آموزش و پرورش اند. بدین لحاظ، توجه به نقش آنها از موضوعات اساسی توسعه و مشارکت اجتماعی و تربیتی به شمار می رود و ابزار مهمی در تحقق دیگر اهداف توسعه محسوب می شود. شاخص میزان اهمیت، اعتبار و حضور واقعی زنان در جوامع امروزی به منزله توسعه یافتگی کشورها مطرح شده است و توسعه پایدار مبتنی بر توانمندسازی زنان است. به طوریکه اندیشمندان اجتماعی همواره بر رفع موانع جنسیتی به عنوان لزوم تحقق توسعه تربیتی و اجتماعی تاکید کرده اند. تحقیقات نشان می دهد با افزایش درجه توسعه یافتگی یک کشور، سهم زنان در نیروی کار شاغل افزایش می یابد (شیعه زاده، ۱۳۹۰).

در بیشتر جوامع بشری، نرخ اشتغال و مشارکت زنان اندک است و عواملی مانند رشد آموزش عمومی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش تعداد فرزندان، افزایش شهرنشینی و افزایش هزینه های زندگی مشارکت آنها را در حوزه های کاری افزایش داده و نگرش ها را به قابلیت های زنان تغییر داده است. امروزه، بخش اعظمی از نیروی انسانی سازمان ها را زنان تامین می کنند اما به رغم افزایش نرخ مشارکت آنها، میزان پست های بالای مدیریتی آنها ناچیز است. به عبارت دیگر، آنها در سلسله مراتب سازمانی تا جایی خاص ارتقا می یابند و در آنجا به دلیل موانع ناشناخته و نامرئی متوقف می شوند.

سقف شیشه ای اصطلاحی است که در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا برای توصیف موانع تصنعی و نامرئی ناشی از تعصبات و تبعیضات سازمانی و دیدگاهی ابداع شد. موانعی که در عمل زنان و اقلیت های نژادی را از رسیدن به مناصب و موقعیت های عالی شغلی باز می دارد. برن سقف شیشه ای را رواج انواع تبعیض ها ی شغلی که به تدریج به یک مانع واقعی اما نامرئی برای پیشرفت زنان به مواضع بالای قدرت و مقام منتهی میشود، تعریف می کند (برن، ۲۰۰۵). اما با این وجود و با توجه به وجود سقف شیشه ای، امروزه شمار زیادی از زنان جامعه بدون پی بردن به نابرابری موجود، به زندگی روزمره خود ادامه می دهند، با این تصور که شرایط باید این گونه باشد. جالب آن که این واقعیت نابرابر، زمانی موجب احساس نابرابری در آنها می شود که آنان از طریق تحصیل در دوره های عالی و در پی آن آگاهی از حقوق خود و شرایط دیگر زنان جامعه، به نوعی خودآگاهی از وضع موجود می رسند. حال با توجه به آن که زنان به چنین آگاهی دست یافته اند، لذا نابرابری موجود در سازمان ها تبدیل به احساس نابرابری شده و به ایجاد مسئله در سازمان ها منجر شده است. علی رغم آنکه از لحاظ حقوقی هیچ تفاوتی بین زنان و مردان گذاشته نشده است، ولی در عرصه عمل، زنان برای دریافت حقوق و مزایای مساوی مردان، برای مشاغل مشابه و فراهم آوردن تسهیلات مناسب شغلی با مشکل مواجه هستند (چهاربالش، ۱۳۷۸).

امروزه بحث تقسیم کار در سازمان ها به گونه ای ناعادلانه مطرح می شود، زنان اغلب در حاشیه بوده و گویی دیوارها و سقف های شیشه ای آنان را احاطه کرده و از پیشرفت آنان ممانعت می کند. بنابراین شناسایی علل ایجاد این سقف، برای از بین بردن آن، از وظایف مهم سازمانی به شمار می آید (زهرئی، ۱۳۸۷). این در حالی است که همیشه در طول تاریخ تصورات قالبی مربوط به مرد بودن و قدرت رهبری با هم تداعی می شوند. به همین دلیل، اگر مردان حتی در مشاغل مربوط به زنان نیز وارد شوند، حالت عکس اثر سقف شیشه ای پدید می آید. یعنی گرایش این است که مردان را با یک پله برقی شیشه ای به بام سقف شیشه ای برسانند (پورکیانی، ۱۳۸۸).

چالش های بسیاری هستند که افزایش فقر و کاهش برابری جنسیتی را باعث می شوند، نکته اساسی که در غالب بررسی ها مورد تاکید قرار می گیرد، این است که زنان به خاطر زن بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. به علاوه نگرانی پیوستن زنان به گروه آنچه شیفر "فقیرترین فقرا" نام می نهد سبب طرح رویکردهای جدید در توسعه و جنسیت و اتخاذ تدابیری برای بهبود کارکردهای اساسی و مولفه های قابلیت زنان شده است. مفهوم اساسی و مشترک در این رویکردها و راهکارها مفهوم توانمندسازی زنان است. به گونه ای که برنامه توسعه سازمان ملل ارتقا برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطحی

گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است. این بدین معنی است که اگر هدف حذف نابرابری های جنسیتی عینیت پیدا نکند، تحقق اهداف هزاره سوم با دشواری زیاد مواجه خواهد بود (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶).

به عبارت دیگر هر چه حضور زنان در اجتماع فعال تر و موثرتر باشد، کشور پیشرفته تر و توسعه یافته تر خواهد بود ولیکن میزان نقش و مشارکت زنان در هر جامعه به ویژه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی وابسته به برخورد و نگرش آن جامعه نسبت به زن می باشد. در سال های اخیر زنان به رغم پیشرفت های محسوس در زمینه تحصیلات و مشارکت اجتماعی در به دست آوردن نقش های مدیریتی نسبت به مردان از سهم بسیار کمتری برخوردارند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله سعی بر آن دارد که ضمن تعریف سقف شیشه ای، عوامل مختلف ایجاد سقف شیشه ای را در سازمان مورد بررسی قرار داده و با نگاهی به توانمندسازی زنان، وضعیت امروز زنان در سطوح مدیریت برخی کشورها را تحلیل نموده و راه های شکستن سقف شیشه ای را نیز توضیح دهد.

۲- سقف شیشه ای

این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۸۶ از سوی مجله وال استریت به منظور تشریح موانع نامرئی که زنان را از حرکت به سمت مشاغل و پست های بالاتر باز می دارند، به کار برده شد (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۰). یعنی جایی که زنان می توانند بالاتر از جایگاه خود را ببینند اما امکان دسترسی به آن را ندارند (دادپور، ۱۳۹۰). یکی از نشانه های مهم سقف شیشه ای، نابرابری جنسیتی در پاداش هاست. یکی دیگر از نشانه ها هنگامی است که فرهنگ سازمان مانع پیشرفت زنان می شود (وزیری بزرگ، ۱۳۸۹). از این منظر، موقعیت نابرابر زنان در بازار کار، ناشی از یک عامل نیست بلکه از همگرایی و تعامل پیچیده در میان عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، قانونی، باورهای اجتماعی، عملیات و اقدامات افراد و سازمان ها به وجود می آید (سرمدی، ۱۳۸۷). سقف شیشه ای، یک سقف یا دیوار در یک نقطه یا مکانی نیست، بلکه شکل های متفاوتی از تعصبات جنسیتی است که اغلب به طور آشکار و پنهان خود را نشان می دهد. سقف شیشه ای کاملاً قابل مشاهده است برای مشاغلی که به وسیله آن تحت تاثیر قرار می گیرند. بنابراین شاید بتوان این گونه گفت که اصولاً هیچ سقف شیشه ای وجود ندارد، بلکه قصد این است به زنها دستمزدهای کمتری پرداخت شود تا آنها کار را در میانه راه رها کنند و زمان کمتری کار کنند و کارهای با ریسک کمتر را انتخاب کنند. علاوه بر آن، آنها استدلال کردند که سازمان ها در حال حاضر به صورت جهانی برای توسعه فرصت ها عمل می کنند. بنابراین سقف شیشه ای فقط موضوعی افسانه ای و خود ساخته است. بحث اولیه آنها این است که زن ها می توانند موقعیت های بالاتر مبتنی بر شایستگی را از طریق کار سخت حفظ کنند و بحث دوم آنها مسئولیت های خانوادگی است که به سمت توسعه میانی می آید (رای و استاوا، ۲۰۰۸).

بر اساس تعریف رسمی کمیسیون سقف شیشه ای فدرال، ضابطه ای برای شناسایی نابرابری سقف شیشه ای ارائه داده اند که عبارتند از: سقف شیشه ای نوعی نابرابری است که بوسیله سایر ویژگی های مرتبط با شغل توضیح داده نشده است. هم چنین سقف شیشه ای نوعی نابرابری است که بدون توجه به قابلیت ها و موفقیت های شخص در مورد وی اعمال می شود. نابرابری های ناشی از تبعیض های گذشته در تحصیل یا آموزش هستند یا ناشی از نوع انتخابی هستند که افراد به مقتضای اهداف غیر مرتبط با بازار کار مثل خانواده، کار داوطلبانه یا تفریح انجام داده اند، مشمول سقف شیشه ای نمی شوند (Cotter, 2001).

۳- عوامل ایجاد سقف شیشه ای در سازمان ها

هرچند حضور و مشارکت کمی زنان در سالهای اخیر افزایش یافته، اما مشارکت کیفی آنان به سطح مطلوب نرسیده است و در این زمینه پیشرفت چشم گیری وجود نداشته است. در این میان عوامل مختلفی وجود دارد که سبب عقب ماندن زنان در عرصه های مختلف اشتغال و پست های مدیریتی شده است، که در زیر به شرح آنها می پردازیم.

عوامل قانونی: هر چند در قوانین بسیاری از کشورها برابری حقوقی مرد و زن به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اما این با آنچه در عمل مشاهده می شود، متفاوت است. با این وجود موانع قانونی برای زنان بسیار محدود است، چون در اکثر قوانین اجتماعی تفکیک جنسیتی مطرح نیست. با این حال برخی از محدودیت های فرهنگی و اجتماعی در برخی از زمینه های قانونی سایه انداخته که از آن میان می توان به عدم پذیرش و اقامت یک زن تنها در برخی از اماکن مانند هتل ها اشاره کرد (محدث خالصی، ۱۳۹۶).

عوامل سیاسی: از دیدگاه عدالت رویه ای، عدالت باید با استفاده از رویه های منصفانه تعریف شود. یعنی تصمیمات عادلانه تصمیماتی هستند که نتیجه رویه های منصفانه باشد. عدالت مراوده ای نیز به کیفیت رفتارهای بین فردی که یک فرد قبل و بعد از اتخاذ تصمیم در معرض آن ها قرار می گیرد، اشاره دارد. متأسفانه شواهد حاکی از آن است که زنان بی عدالتی سازمانی را بیش از مردان حس می کنند. در نتیجه وقتی زنان متوجه شوند که علی رغم تلاش و کوشش همپای مردان، در رسیدن به پست های بالاتر با آن ها به صورت ناعادلانه برخورد می شود، دست از تلاش و کوشش برداشته و این سبب می شود که سازمان به طور خاص و جامعه به طور عام از ظرفیت آنان استفاده نکنند (میرکمالی و ناستایی زایی، ۱۳۸۸).

عوامل سازمانی: برخی مواقع سقف شیشه ای حاصل تصمیم های درست و غلط مدیران ارشد سازمان برای مشارکت دادن زنان در مشاغل مدیریتی سازمان است. این در حالی است که الان روسای سازمان ها برای اینکه نشان دهند از نیروی زنان استفاده می کنند و آن ها برای پیشرفت های شغلی از فرصت های برابری برخوردارند، از یک یا دو مدیر در سطوح بالای سازمان در پست های کم اهمیت مدیریتی استفاده می کنند. مثل حضور یک زن در کابینه دولت نهم جمهوری اسلامی ایران. در زمینه تبعیض علیه زنان در کسب مناصب رهبری در سازمان های کاری شواهد فراوانی وجود دارد. علاوه بر آن، زمانی که زنان به منصب مدیریت می رسند ممکن است با تبعیض های مداوم در زمینه نحوه برخورد با خود در توزیع پاداش ها و تشویق ها رو به رو شوند (ریجو، ۱۳۸۳).

عوامل فرهنگی: فرهنگ، در حقیقت مجموعه عناصر اساسی نگرش، بینش، عمل و اعتقاد جامعه است و در باورداشت های فرهنگی، هر آنچه که به گونه ای در جامعه به عنوان هنجارها یا ناهنجارها وجود دارد، جز عناصر فرهنگی است. از طرفی، یکی دیگر از مسائل پیش روی زنان در سازمان ها، کلیشه ها و نگرش های مورد قبول اعضای سازمان است. این کلیشه ها روسا و هیئت مدیره سازمان را از تصمیم گیری درست باز می دارد و باعث می شود فرصت های برابر در سازمان برای آن ها فراهم نباشد. نگرش های فرهنگی که می تواند شامل طرز تلقی ها، باورها، نگرش های قالبی و تعصبات منفی نسبت به زنان باشد، یکی از مهم ترین موانع فراروی زنان برای کسب پست های مدیریتی است. موانع فرهنگی و تصورات قالبی از باورها، اعتقادات و ارزش های رایج نشأت می گیرد و میزان مشارکت زنان را تعیین می کند. هم از این رو مدیران مرد نسبت به توانایی های مدیریتی زنان نگرش مثبتی ندارند و فرهنگ سازمانی باعث عدم حضور زنان در پستهای مدیریتی دولتی می شود (اسفیدانی، ۱۳۸۴).

عوامل خانوادگی: یکی از مهم ترین دلایلی که بسیاری از پژوهشگران برای مشارکت پائین تر زنان در امور اجتماعی از جمله در فرایند توسعه پایدار ذکر می کنند، این است که در اصل دختر بچه ها از همان کودکی در خانواده ها و نیز در مدارس به گونه ای پرورش می یابند که خود را دور از نقش های اجتماعی و سیاسی تصور می کنند. به سخن دیگر، از کودکی به پسران آموخته می شود که آنان باید نقش های فعال اجتماعی و نیز سیاسی داشته باشند و این نقش ها برای آنان حالت ممنوع ندارد. در حالی که به دختران آموزش داده می شود که در نهایت فقط باید به امر خانه داری و پرورش کودکان بپردازند و امور مهمی همچون فعالیت های سیاسی و اجتماعی را به مردان واگذار کنند (الماسی و همکاران، ۱۳۹۴).

کمبود مدل و الگوی زنان مدیر و موفق: الگوهای موفق از مدیران زن در جامعه به زنان اعتماد به نفس بیشتری می دهد و رفتار صحیح در محیط کاری با شبیه سازی از مدیران، زن، سطح کارایی آنها را افزایش می دهد. ولی زنان غالباً گروه مرجعی که بتوانند برای الگوهای شغلی خود از آن ایده بگیرند را نمی شناسند، زیرا تعداد مدیران زن کم است.

فقدان شبکه های حمایتی: وقتی زنان در پست مدیریتی قرار می گیرند، مسئولیت اجرای وظایف سنگین مدیریت، تحمل استرس ناشی از ابهام و هم چنین تعهدات خانوادگی، انرژی زیادی را از آنان می طلبد که به تنهایی از عهده آن ها بر نیامده و نیاز به کمک و حمایت دارند. یکی از مصاحبه شوندگان زن این گونه اذعان می کند: "رئیس برای شرکت در جلسات، ماموریت ها و تحویل گزارش های من خیلی سخت گیر است و اصلاً ملاحظه بچه کوچک مرا نمی کند". در مطالعات قبلی هم بر این نکته تاکید شده است که زنان مسئولیت اصلی امور خانه و نگهداری از فرزندان را دارند. به همین خاطر، برای اینکه بتواند مسئولیت های سنگین و حساس مدیریتی خود را انجام دهند، تحت فشار زیادی قرار می گیرند که این استرس زیادی را هم به همراه دارد. کارفرمایان هم این موضوع را به عنوان نکته ای منفی برای زنان در نظر می گیرند. از طرف دیگر، هنگامی که زنان در موقعیتی قرار می گیرند که باید چند انتظار را برآورده سازند، می توانند به دلیل تعارض نقش یکی از تعهدات خود را ترجیح دهند. اینجاست که زنان به حمایت های خانواده و همسر، به طور ویژه نیاز دارند. سازمان هم خود با ایجاد تسهیلات مهدکودک، ساعات کاری شناور و دورکاری و ملاحظات بیشتر زنان برای ماموریت ها و سفرهای کاری می تواند به این امر کمک کند (هزارجریبی و پیله وری، ۱۳۹۱).

۴- وضعیت مدیریت زنان در سازمان های ایران

اخیراً حضور زنان در رده های مدیریت چشمگیرتر شده است و ورود آنان به رده های بالای سازمانی مسائل بسیاری را با خود به همراه داشته است. با وجود اینکه تعداد زنان در نیروی کار رو به افزایش است اما پیشرفت آنها در مشاغل مدیریتی محسوس نبوده است. این در حالی است که تحقیقات انجام شده برای شناخت برتری مردان در مدیریت، وجه تمایزی را برای مدیر بودن انحصاری مردان قائل نیست. پژوهش ها نشان می دهد مدیریت آینده نیازمند استفاده بیشتر و کارآمد از نیروی بالقوه زنان در مدیریت است (سلیمان پورعمران و همکاران، ۱۳۹۵).

در طول تاریخ سازمان ها، زنان معمولاً به پست هایی منصوب شده اند که ناگزیر بوده اند کارهای تکراری انجام دهند و پست هایی در سطوح پایین داشته باشند. بیشتر آنها در پست های ستادی و به مثابه دستیار مدیران صفی انجام وظیفه کرده اند و به ندرت مسئولیت های مدیران صفی را بر عهده داشته اند (بابایی رحیم آبادی، ۱۳۹۰). به طوری که به نظر می رسد توانایی های آنها نادیده گرفته شده است. بنابراین در ارتباط با حضور و یا عدم حضور زنان در پست های مدیریتی سوالات زیر ایجاد می شود:

- چرا با وجود اینکه نیمی از جمعیت جامعه از زنان تشکیل شده است و آنان به منزله پرورش دهندگان نسل آینده تاثیر بسیار شگرفی بر توسعه همه جانبه و پایدار دارند، کماکان حضور آنها در جامعه نادیده گرفته می شود؟
- چرا با توجه به اینکه آمارها نشان می دهد در سال های اخیر حضور و مشارکت زنان در حوزه های متفاوت افزایش یافته است، در بعد کیفی چندان رشدی در تصدی زنان در مسئولیت های سطح بالاتر مشاهده نشده است؟
- چرا زنان، با وجود بهره مندی از تحصیلات و تجربه کافی، به طور معمول از توان و تمایل کافی جهت پذیرش مسئولیت و پست های حساس برخوردار نیستند؟

در مطالعات انجام شده تا کنون، این نتایج بدست آمده است: در یکی از پژوهش ها، در قالب فرضیه هایی، اسناد ناتوانی به خانم ها و جدی تلقی نشدن آنها به مثابه یکی از عوامل موثر بر کاهش فرصت شغلی زنان تلقی شده است (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۲). هم چنین با بررسی تاثیر چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی در توانمندی زنان سرپرست خانوار، ملاحظه شده است که عواملی چون فقر اقتصادی، نگرش منفی نسبت به نقش زنان، عدم مشارکت در امور اجتماعی، عدم مشارکت سیاسی، عدم مبارزه برای کسب حقوق برابر با مردان، نداشتن عزت نفس، خود اثربخشی، استقلال کاری و احساس قدرت، باعث کاهش توانمندی زنان شده است (زارع و فرهادی، ۱۳۸۵). هم چنین ادعا شده است عدم حضور زنان در پست های مدیریتی

اجرایی، به دلیل نداشتن مهارت مدیریتی نیست، بلکه ناشی از عوامل محیطی و شرایط فرهنگی یا فرهنگ سازمانی حاکم بر سازمان های شدیداً مردسالار است (آزادان و همکاران، ۱۳۹۴). هم چنین مطالعات دیگری نشان می دهد سقف شیشه‌ای بسیاری از زنان را از بالا رفتن به سوی مناسب مدیریتی و رهبری باز می دارد.

۵- توانمندسازی و توانمندسازی زنان

از توانمندسازی تعاریف متعددی ارائه شده است. در ادبیات مربوطه برای تعریف این مفهوم به گستره ای وسیع از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع و احساس استقلال، اعتماد به نفس و غیره اشاره شده است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموارکردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی. توانمندسازی یعنی مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن ها امکان انتخاب بر اساس خواسته های خود را بدهد.

توانمندسازی زنان به این معنی است که (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲):

- آن ها بر شرم بی مورد خود فائق آیند.
- کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد.
- قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند.
- به استعدادها و محدودیت های درونی خویش آگاه باشند.
- قدرت رویارویی با دشواری ها را داشته باشند و در رفع آن ها بکوشند.
- از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند.
- از توانایی و قابلیت نیل به هدف های خویش برخوردار باشند.
- بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف های مورد نظر دست یابند.

طبق دیدگاه اگبومه، توانمندسازی زنان به معنای دست یابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود تعریف شده که موجب احساس استقلال و اعتماد بنفس بیشتری در آن ها می شود و این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می شود. از منظری دیگر، توانا سازی یک زن به این مفهوم است که وی برای انجام برخی از کارها، توانایی جمعی پیدا می کند. این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می شود و یا در مقابله با تبعیض های جنسیتی در جامعه موثر واقع می گردد (عباس زاده، ۱۳۹۰).

۶- مراحل توانمندسازی زنان

به اعتقاد پژوهشگران، توانا سازی اشاره به فرایندی دارد که طی آن افراد نسبت به منافع خود آگاه گشته، شرایطی که آن ها را محدود نموده و از حق خود محروم می سازد را شناسایی نمایند. افراد پس از شناخت حقوق خود و شناسایی موانع رسیدن به آن، راه هایی را اتخاذ نمایند تا بدون پایمال کردن حقوق دیگران کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند (مهران، ۱۳۸۵). وی معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می باشد، طی کرد (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱).

رفاه: در این مرحله رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می گیرد.

دسترسی: در این مرحله زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش مهارت را که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند.

آگاهی: در این مرحله زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست، بلکه نشات گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. **مشارکت:** در این مرحله زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با تعداد و شمار آنها در جامعه متناسب باشد.

برابری در کنترل: که به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است.

۷- سهم زنان از مشاغل مدیریتی و کارکنان در برخی از کشورهای اروپایی

تاریخ جهان شاهد نقش بسیار عظیم و انکار ناپذیر زنان در حوادث گوناگون است. امروزه که مباحث توسعه کشورهای جهان مطرح می باشد، نقش زنان در این فرایند به شدت مورد توجه قرار گرفته است. برگزاری جلسات، سمینارها و کنگره های متعدد در خصوص جایگاه زنان و نقش آنان در توسعه، حکایت از این موضوع حیاتی دارد. با کمی دقت می توان دریافت که برگزاری این گونه برنامه ها نشان از موضوع نه چندان خوشایند دیگری نیز دارد و آن این است که تا کنون یا دست کم در سده های اخیر نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان در حال توسعه نادیده گرفته شده است. این امر نشان از وجود تبعیض ها و نابرابری های جنسیتی در زمینه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره دارد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰).

ارتقای زنان به پست های مدیریت در جامعه امروز بیش از پیش حائز اهمیت است. اشتغال زنان خصوصا در سطوح بالای مدیریت دارای پیامدهای مثبتی از قبیل کاهش میزان باروری، رشد شاخص های توسعه انسانی زنان، به تبع افزایش دانش و مهارت آنان و هم چنین رشد فرهنگ عمومی، افزایش شاخص های بهداشتی، بهبود پیشرفت تحصیلی فرزندان زنان تحصیل کرده و ایجاد و تقویت احساس امنیت می باشد (میرکمالی و ناستی زایی، ۱۳۸۸).

اگرچه زنان بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند و از لحاظ سطح دانش و توانایی ظرفیت های نهفته ای دارند، اما سهم ناچیزی در تصدی پست های مدیریتی دارند. مطالعات انجام شده در ۸۶۰ شرکت در ایالت متحده آمریکا نشان می دهد که تعداد افرادی که با ملیت آفریقایی- آمریکایی در مشاغل مدیریتی می باشند به ۴ درصد افزایش یافته است. هم چنین بر اساس آمارها، تنها حدود ۱۱ درصد از متصدیان مشاغل شرکت ها در ۵۰۰ شرکت برتر معرفی شده توسط "فورچون" را زنان تشکیل می دهند (اسچرمحوران، ۲۰۰۲).

در طول دهه های گذشته تغییرات شرایط جمعیت شناختی اجتماعی و اقتصادی منجر به افزایش تعداد زنان حقوق بگیر در سراسر دنیا شده است. دفتر بین المللی کار نشان داد که شکستن سقف شیشه ای در گزارشی در سال ۱۹۹۷ تحت عنوان ILO این روند در اکثر کشورهای دنیا در حال شتاب است. سقف شیشه ای مانعی است که زنان با آن روبرو می شوند و از پیشرفت آنان در محیط های کاری جلوگیری می شود. (میرغفوری، ۱۳۸۵).

مطالعه ای که در پنج کشور، درصد مشاغل مدیریتی و درصد کارکنان را به تفکیک مورد بررسی قرار داده که نتایج این مطالعه در جدول زیر نشان داده شده است (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

جدول ۱- سهم زنان از مشاغل مدیریتی و کارکنان در برخی کشورهای اروپایی

کشور	مشاغل مدیریتی زنان (درصد از کل)	کارکنان زن (درصد از کل)
اتریش	۲۲	۴۳
فنلاند	۲۵	۴۷
نروژ	۳۲	۴۷
سوئیس	۲۸	۴۰
انگلستان	۳۳	۴۵

۸- پیامدهای سقف شیشه‌ای

پیامدهای فردی سقف شیشه‌ای: یافته‌های حاصل از مصاحبه با بسیاری از زنانی که قربانی سقف شیشه‌ای شدند، نشان می‌دهد وجود سقف شیشه‌ای باعث می‌شود زنان در مکان‌های بالای سازمان حضور ضعیف و ناکارآمدی را تجربه کنند که ممکن است فرصت آینده زنان را به طور فردی و یا گروهی تضعیف کند. پیامدهای فردی چنین وضعیتی عبارت‌اند از: ترک سازمان، استعفا از شغل مدیریت و برگشت به شغل قبلی، کاهش انگیزه، افزایش استرس، عدم اعتماد به نفس و قوی تر شدن تعصبات کلیشه‌ای در مورد زنان (ضرغامی فر و بهبودی، ۱۳۹۳).

پیامدهای سازمانی سقف شیشه‌ای: ناکارآمدی حاصل از سقف شیشه‌ای هم چنین پیامدهای منفی سازمانی را نیز به همراه دارد. این پیامدها عبارتند از: ناکارآمدی سازمان، کاهش بهره‌وری، افزایش جابجایی مدیران، کاهش تعهد سازمانی و انتصاب زنان به شغل‌های چالشی. گاهی این پیامدها باعث می‌شود هر سازمانی که مدیران ارشدش از زنان باشند، به عملکرد منفی و ناکارآمدی آن سازمان فکر کنند.

۹- راه‌های شکستن سقف شیشه‌ای

با توجه به بحثی که گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که زنان نه می‌خواهند و نه می‌توانند که برای همیشه در این موضع فرودست باقی بمانند و بدیهی است که از گذشته تا به امروز شمار بسیاری از ایشان برای رفع اینگونه تبعیض‌های جنسیتی تلاش‌های ارزشمندی را به عرصه‌ی حضور رسانده‌اند. در این زمینه سازمان بین‌المللی کار نیز کوشش‌هایی را به انجام رسانده‌اند که از آن جمله‌اند: آموزش، ایجاد شبکه‌های ارتباطی، اتخاذ سیاست‌های سازگار با مصالح خانوادگی، اصلاح بعضی از قوانین استخدامی، افزایش آگاهی عمومی به نقش و سهم اقتصادی رو به رشد زنان. هم چنین برای استفاده از سطوح مدیریت و تصمیم‌گیری باید شرایطی فراهم نمود تا بانوان توانایی‌های خود را بشناسند. رسیدن به اهداف سازمان‌ها و پیرو آن رشد و توسعه هر چه بیشتر جوامع در زمینه‌های گوناگون مستلزم حضور بهتر و بیشتر زنان و مردان متخصص در عرصه عمل می‌باشد. زنان نیز باید بدانند علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته هنوز هم در سطح وسیعی از حوزه‌های عمومی تبعیض‌ها و تفکیک‌های جنسیتی فراوانی وجود دارند و برای رسیدن به برابری به معنای واقعی کلمه، راه بسیار دشواری در پیش است که حضور و یاری زنان و البته مردان بسیاری را طلب می‌کند (کریمی، ۱۳۷۸).

واژه جنسیت در قالب‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است تا به افراد کمک کند که جنبه‌های تعاملات کاری بین زنان و مردان را مورد بررسی قرار دهند. این موضع اغلب مورد توجه زنان بوده است تا موقعیت اجتماعی خود را بهبود بخشند و دیدگاه‌های جامعه را نسبت به جایگاه خود تغییر دهند. ساختارهای روابط و تعابیر در خصوص نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سازمانی با توجه به مولفه‌های فرهنگی، طبقات اجتماعی، اعتقادات مذهبی و بسیاری دیگر از عوامل در جوامع مختلف، تفاوت‌های فاحشی با هم دارند. بسیاری از صاحب‌نظران به ویژه در آمریکا و انگلستان به وجود اختلاف نظر در خصوص فعالیت زنان و مردان اعتقاد ندارند و بر این باورند که برداشت‌ها از نابرابری عمدتاً از سوی زنانی مطرح می‌شود که به دنبال اثبات این موضوع هستند که خود را با مردان همانند سازی نمایند (مارشال، ۱۹۹۸).

امروزه مدیریت زنان نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز از مقوله‌های مهمی است که مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف قرار گرفته است و در سطح جهانی نیز سازمان‌های بین‌المللی توجه ویژه به جایگاه زنان در کشورهای مختلف دارند. از این رو، همواره مقوله زنان و به ویژه مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مشاغل سطوح عالی مورد توجه بوده است. یکی از شاخص‌های مهمی که به عنوان معیار توسعه جنسیتی و نیز توانمندسازی زنان مورد توجه قرار می‌گیرد، میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و هم چنین حضور آنها در پست‌های مدیریتی است (جعفرنژاد، ۱۳۸۴). با توجه به مباحث بیان شده، علی‌رغم برنامه‌ریزی‌هایی که در این حوزه انجام شده است حضور زنان در پست‌های مدیریتی هنوز چشم‌گیر نیست و به نظر می‌آید که زنان در مسیر پیشرفت شغلی خود در سطوح مدیریتی با

مسائل و مشکلات زیادی روبرو هستند. این موضوع نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز هنوز در حد یک مساله باقی مانده است و صاحب نظران نتوانسته اند آن گونه که باید و شاید پاسخی برای آن بیابند.

۱۰- نگرش های مختلف از عدم حضور زنان در مناصب مدیریتی

نگرش های مختلف درباره اینکه چرا زنان بیشتر در مناصب مدیریتی به کار گرفته نمی شوند به شرح زیر است: اولین نگرش دیدگاه شخص گرا است. این دیدگاه دلیل محدود بودن پیشرفت شغلی زنان را در عواملی می داند که درون جنس مونث وجود دارد. این بدان معنی است که مشخصه ها و رفتارهای خاصی که توسط زنان انجام می شود باعث عدم پیشرفت آنها می شود. دومین نگرش، فرایند اجتماعی شدن فرهنگی است. این فرایند زنان را به سوی کارهای حرفه ای سوق می دهد، نه مشاغل مدیریتی. یعنی برای ساختار هر جنسیتی، یکسری مشاغل مناسب است (رابرتسون، ۱۳۷۷). نگرش سوم، نگرش های منفی و قالبی است که جامعه نسبت به زنان شاغل دارد. تحقیقات نشان می دهد، اگرچه تعداد زنان در نیروی کار مخصوصا در دهه های اخیر افزایش یافته است، اما این پیشرفت به هیچ وجه در زمینه افزایش آنها در مشاغل رده بالای سازمان نیست. زنان بعنوان نیمی از جمعیت فعال کشور تنها ۱۲ درصد از فعالیت های اختصاصی جامعه را بر عهده دارند. این سهم اندک طی ۴۰ سال گذشته حدود ۱۰ درصد بوده است. این وضعیت به گونه ای پیش رفته که به گفته کارشناسان تعداد زنان شاغل در ۲۰ سال اخیر تغییر محسوسی نداشته است و سهم آنها از تعداد بیکاران کشور دو برابر سهم آنان در کل اشتغال کشور است.

هم چنین طبق تحقیق دیگری که توسط فتحی انجام شده است، مهمترین عوامل عدم به کارگیری زنان در پست های مدیریتی به شرح زیر است (فتحی، ۱۳۸۴):

- مسئولیت ها و محدودیت های خانوادگی
- تجربه کمتر زنان نسبت به مردان در این عرصه
- فراهم نبودن شرایط لازم در جامعه همچون نبود زنان در پست هایی چون وزارت و غیره
- وجود برخی ویژگی های جنسیتی زنان
- عدم تمکین کارکنان از مافوق زن
- اعتماد پایین تر زنان نسبت به مردان در این عرصه از نظر جمعیت نمونه.

۱۱- پیشینه تحقیق و بررسی نتایج تحقیق دیگران

نتیجه تحقیقی که توسط کوتر در سال ۲۰۰۱ انجام شد نشان می دهد فقط ۳ درصد از پست های بالای مدیریتی در بزرگترین سازمان های جهانی در اختیار زنان است. با این حال، شانس حضور زنان در پست های بالای مدیریتی بسیار کمتر از مردان است. بر اساس همین تحقیق هر چه سازمان ها بزرگتر شوند سقف شیشه ای بیشتری در رده های بالای مدیریتی نمایان خواهد بود و شانس زنان در سازمان های این چنینی به مراتب کمتر خواهد شد (Cotter, 2001).

هم چنین نتیجه تحقیق اسفیدانی که در سال ۱۳۸۱ انجام شد، نشان می دهد عدم حضور زنان در پست های مدیریت اجرایی به دلیل نداشتن مهارت مدیریتی نیست، بلکه ناشی از عوامل محیطی و شرایط فرهنگی حاکم بر سازمان است. در این تحقیق سقف شیشه ای یکی از مولفه های عوامل محیطی می باشد که به خانم ها به علت جنسیت شان اجازه رشد و ترقی و کسب سکوه های مدیریتی بالا را نمی دهد (اسفیدانی، ۱۳۸۱).

نتایج تحقیق محققان دانشگاه کارولینای شمال (۲۰۱۱)، حاکی از آن است که مدیران مرد با ویژگی های مشابه یا حتی در وضعیت ضعیف تر از زنان توانسته اند به سطوح مدیریتی ارتقا یابند ولی به زنان به دید زن بودنشان، نگاه خاص نشده بود و هم چنین احتمال اینکه مردان برای تصدی پست های مدیریتی پذیرفته شوند، زیاد بوده است و نگرش جنسیتی به مدیریت در احراز این پست وجود داشته و تبعیض جنسیتی در استخدام بازار کار موج می زند. در این تحقیق مشخص می شود که تلاش

برای کسب شایستگی های تحصیلی و آموزشی برابر با مردان چندان در بهبود وضعیت آنان موثر به نظر نمی رسد و زنان علی رغم توانایی هنوز در موقعیت های مدیریتی و به ویژه در سطوح تصمیم گیری حضور ندارند و با مشکلات بیشتری برای یافتن کار مواجه هستند.

بر اساس تحقیق کادیر آدینگر که در سال ۱۹۹۴ انجام شد، نشان می دهد یکی از موانع ارتقای شغلی زنان به سطوح مدیریت، کلیشه ها و تعصبات منفی و باورهای غلط و پیش داوری ها علیه زنان است و باور نادرستی که زنان در امر مدیریت، نظارت یا سرپرستی ضعیف تری را اعمال می کنند از دلایل عدم موفقیت زنان برای حضور در مشاغل و مدیریت سطح بالا و مراجع تصمیم گیری، قانون گذاری و سیاست گذاری است.

بر اساس نتایج تحقیق دیگری که توسط فرجی در سال ۱۳۸۷ انجام شد، زنان توانایی ها و شایستگی های خود را نادیده می گیرند و به توانمندیهای خود واقف نبوده، به توانایی های خود برای احراز پست های مدیریتی، باور نداشته و حس خودباوری ندارند که یکی از موانع موجود برای احراز پست های مدیریتی توسط زنان، نگرش زنان نسبت به توانایی های خود بوده است که خودشان را شایسته و مناسب رهبری در سازمان ها می بینند.

مادلین هیلمن (۲۰۰۱)، در تحقیق چگونه کلیشه های جنسیتی از صعود زنان به نردبان سازمانی جلوگیری می کند دو جنبه متفاوت کلیشه های جنسی - توصیفی و تجویزی را مشخص کرده و اینکه چگونه آنها هر یک با تبعیض جنسی در ارزیابی نقش دارند را سنجیده است. نتایج این دو جنبه کلیشه های جنسیتی را در تشکیلات سازمانی بررسی و مشاهده شد که چگونه می توان روند پیشرفت زنان را به صورت بالقوه خنثی کرد و از رسیدن آن ها به سطوح بالاتر مشاغل سازمانی نیز جلوگیری نمود. به عنوان مثال، جنبه تجویزی کلیشه های جنسی، تبعیض جنسی را از نوع متفاوت ترویج می کند. آنچه زنان به عنوان یک گروه باید باشند، جنبه تجویزی کلیشه های جنسی است. زنانی که شایسته بودن و موفق شدن در محیط مردانه را ثابت می کنند، این هنجار تجویزی را نقض می کنند و موجب رد این موضوع می شوند.

۱۲- نتیجه گیری

مسئله مدیریت زنان در تمام کشورهای دنیا از مقوله های مهمی است که بسیار مورد توجه صاحب نظران علوم مختلف قرار گرفته و سازمان های بین المللی نیز توجهی ویژه به جایگاه زنان در کشورهای مختلف دارند. بر اساس نظریه سقف شیشه ای یک سری عوامل بر پیشرفت زنان تاثیرگذار هستند. این عوامل هر چند می توانند مسیر افزایش توانایی های زنان را هموار سازند، ولی در بیشتر موارد نقش بازدارنده ایفا می کنند و مانند سقفی نامرئی و شیشه ای بر بالای سر خواسته های آن ها قرار گرفته و از توانمندتر شدن آن ها ممانعت می کنند.

اگرچه بسیاری از تصمیم گیران و افراد جامعه به قابلیت و توان زنان جامعه در عرصه مدیریتی واقف اند اما به دلیل حاکم بودن نگرش جنسیتی در سازمان ها و ادارات مورد مطالعه، حتی در شرایط تخصصی برابر، برتری از آن مردان است. این امر نه به معنای ناتوانی زنان در ایجاد ارتباط است و نه به معنای بی توجهی همکاران مرد به آنها بلکه مسلماً مردم با کسانی ارتباط برقرار می کنند که اشتراکاتی با آنها داشته باشند و چون جنسیت، عامل اول در این زمینه به شمار می آید، امکان ارتباط با مدیران زن خود به خود کاهش پیدا می کند. با این حال همه مشکلات مدیران زن و میزان موفقیت یا عدم موفقیت آنها به این نکات محدود نمی شوند. در بررسی اشتغال زنان به نکات و مسائلی بر می خوریم که در شرایط فعلی ما را دچار مخمصه ای برای ارائه راهکار به زنان در مسیر زندگی سعادتمندانه تر می سازد. راه خروج از این مخمصه و تنگنا تغییر دیدگاه های تمامی اعضای جامعه نسبت به پاره ای از مسائل است. زیرا مادام که ما نتوانیم نگاه خود را به مسائل دگرگون سازیم، از درک موقعیت و یافتن راه حل های کارآمد و بدیع عاجز خواهیم ماند و در دور باطل سرگردانی در بازار کار و خانه نشینی زنان باقی خواهیم ماند. در این حالت نه تنها زنان از رشد و تکاملی که استحقاق آن را دارند محروم می ماند، بلکه کل جامعه انسانی از مزایای حضور کامل و تمام عیار زنان بی بهره خواهد ماند.

از مباحث مطرح شده نتیجه می شود که ظرفیت های زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوان و فعال جامعه به درستی شناخته، به کارگیری و جذب نشده است و درصد بالای ورود زنان به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به عنوان نیرویی غیرقابل اغماض و واقعیتهای توانمند و انکارناپذیر در عرصه برنامه ها و مدیریت کلان باید مدنظر قرار گیرد. بی تردید استفاده از استعدادها و خلاقیت های زنان در مسیر تعالی اجتماع می تواند شتاب بیشتری به توسعه کشور داده و در آبادانی و پیشرفت آن نقش بسزایی دارد.

به عبارت دیگر امروزه توانمندسازی زنان و مشارکت کامل بر پایه برابری در همه زمینه ها از جمله در فرایند تصمیم گیری و مدیریت جامعه یکی از پیش نیازهای توسعه پایدار می باشد که کشور ما سخت بدان نیازمند است. در جوامعی که هنوز تعادل مطلوب و قابل قبول مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده است و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسان ها برقرار نگردیده است، توسعه پایدار به سختی اتفاق می افتد. بنابراین رسیدن به اهداف هرسازمان و در نهایت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری، درگرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن می باشد. سازمان ها باید از زنان و مردان متخصص استفاده کرده و سقف شیشه ای را از میان بردارند. باورهای مربوط به نقش های جنسیتی، یکی از اساسی ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می شود. بر اساس این باورها، نقش دست دوم زنان ترویج می شود و حتی خود آنان متقاعد می شوند که نباید وظایف اصلی و اولیه را در جامعه عهده دار شوند.

به عنوان نتیجه گیری، زنان به سه روش می توانند راه پذیرش نقش های مدیریتی را بر خود هموار کنند. در مرحله اول زنان باید تا می توانند خود را توانمند کنند. راه دوم برای هموار سازی پذیرش نقش های مدیریتی، حساسیت به حقوق و خواسته های منطقی است. زنان باید ضمن نشان دادن حساسیت به مسائل خود تلاش کنند که از طریق قانونی و منطقی مطالبات خود را مطرح و پیگیری کنند. راه سوم کارآفرینی است. زنان باید خود را آماده شناخت و فرصت های تازه برای مشارکت در اجتماع سازند و علاوه بر این خلق فرصت های جدید را نیز پیگیری کنند. با توجه به مشکلات اقتصادی که می تواند یکی از موانع حضور زنان در پست های مدیریتی باشد، بدون دستیابی به فرصت های جدید امکان بروز توانایی خود را نخواهند یافت. با تمام این مباحث، زنان مدرن و آگاه در قالب تشکلهای و نهادهای زنان در حال سازماندهی خود هستند. با وجود محدودیت ها و دست تنگی ها، زنان برای ایجاد بهبودی در وضعیت حقوقی، اجتماعی خودشان تلاش می کنند و از هر امکان و فرصتی برای آگاه سازی نسبت به حقوق شان در زندگی شخصی و اجتماعی بهره می گیرند.

۱۳- پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصله، پیشنهادات زیر می توانند اثر بخش باشند:

- از نظر مدیران زن، نبود شرایط برابر و نگرش های سنتی مانع ارتقای آنان درسازمان است. لذا سازمان ها برای بهره برداری از این نیروی سرشار باید تعدیل نگرشها را در دستور کار خود قرار داده و تبیین ارزش های محوری مانند رفع تبعیض ها را دارا باشد.
- ریشه بسیاری از مسائل برای عدم حضور زنان در مشاغل مدیریتی به باورهای فرهنگی مربوط می شود. برای تغییر این باورها و دیدگاههای کلیشه ای باید از سیاست مداران، رهبران و رسانه یاری جست. رسانه ها با برخورد یکسان و به دور از تبعیض، به جایگاه زنان در جامعه اعتلا بخشیده و استعدادهای آنان را نمایان می سازد.
- از آنجا که وجود سقف شیشه ای می تواند باعث کاهش ایده های خلاقانه زنان شود، به منظور تقویت ایده های خلاقانه زنان مکانیزم های مناسب مانند، پاداش دهی، تشویق و به خصوص ارتقای پست سازمانی برای زنان شاغل در نظر گرفته شود.

- کلاس ها، سمینارها و کارگروه های راجع به خودپنداره و نتایج مفید حاصل از خودپنداره قوی برگزار شود و در این کلاس ها کارکنان با مفهوم سقف شیشه‌ای و متدها و روش های مقابله با موانع ارتقا به پست های مدیریتی آشنا شوند.
- توسعه برنامه های اجتماعی، فرهنگی و ورزشی وزارت آموزش و پرورش جهت تقویت خودپنداره دختران و توسعه مهارت های مدیریتی آنان در دستور کار قرار گیرد.
- برنامه ریزی و سیاست گذاری متولیان امور برای سهمیه بندی متناسب و عادلانه (زن و مرد) در جذب و آزمون های استخدامی مشاغل مختلف، از دیگر اقدامات می تواند باشد.
- ایجاد و حمایت های مادی و معنوی از تشکل ها و سازما های اجتماعی و اقتصادی زنان در شهر و روستا
- برگزاری همایش ملی و منطقه ای با محوریت فعالیت ها، نقش ها و جایگاه زنان در ابعاد مختلف توسعه ملی

منابع

۱. شیعه زاده، الهه (۱۳۹۰)، شکستن سقف شیشه‌ای، فصلنامه عصر کیفیت، شماره ۲۱: ۴۹.
۲. اسفیدانی، محمد رحیم (۱۳۸۱)، موانع دستیابی زنان ب هپست های مدیریت، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴، دوره ۱، ص ۸۰.
۳. اسفیدانی، محمد رحیم (۱۳۸۴)، بررسی موانع حضور زنان در پست های مدیریتی قوه مجریه وزارت خانه های مستقر در تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۴. آدینگر، کاردل، کادیر (۱۳۸۴)، سقف شیشه‌ای، بررسی عوامل موثر بر دستیابی زنان به پست های کلیدی، ترجمه مهذب حسینیان، تهران، انتشارات بهنام.
۵. پورکیانی، مسعود (۱۳۸۸)، مشکلات شغلی زنان در پست های مدیریتی.
۶. چهاربالش، مریم (۱۳۷۸)، سقف شیشه‌ای، مانع رشد زنان، تدبیر، شماره ۹۵: ۷۰-۷۱.
۷. زهرئی، سپیده (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر سلطه زبان مردانه بر ایجاد سقف شیشه‌ای در سازمان توسعه برق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران: ۹۸-۸۷.
۸. فرجی، بهاره (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر سقف شیشه‌ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۹. هزارجریبی، جعفر و پيله وری، اعظم (۱۳۹۱)، شناسایی موانع اجتماعی دستیابی کارکنان زن بانک ملی شهر تهران به موقعیت های مدیریتی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۲: ۳۹-۵۸.
۱۰. آزادان، مهدی؛ کوزه چیان، هاشم؛ بشیری، مهدی؛ نوروزی سید حسینی، رسول (۱۳۹۴)، وضعیت سقف شیشه‌ای و تاثیر آن بر کاهش توانمندسازی زنان در سازمان های ورزشی آذربایجان شرقی، پژوهش های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش، دوره ۷ شماره اول: ۴۹-۳۹.
۱۱. زارع، فاطمه و فرهادی، مریم (۱۳۸۵)، کارآفرینی و تعاون زنان، فصلنامه پژوهش های تربیتی، شماره ۸: ۳۵-۶۲.
۱۲. ابراهیم پور، حبیب؛ مکبری، امیرحسین؛ ربواز، داود و روشن دل اربطانی، طاهر (۱۳۹۰)، رسانه و سقف شیشه‌ای نقش تلویزیون در ارتقای زنان به سطوح مدیریتی جامعه، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۳ شماره ۶: ۱۸-۱.
۱۳. بابای رحیم آبادی، عیسی (۱۳۹۰)، مسیر شغلی و توسعه استراتژیک: سقف شیشه‌ای و زندگی کاری کارکنان، مجله توسعه مدیریت، شماره ۹۰: ۵۴-۵۰.
۱۴. دادپور، شبنم (۱۳۹۰)، زنان در سطح نخبگان سیاسی در آمریکا: عوامل موثر در محدودیت مشارکت، فصلنامه میثاق مدیران، شماره ۴۹ و ۴۷۴: ۵۰-۴۵۱.
۱۵. میرکمالی، سیدمحمد و ناستی زایی، ناصر (۱۳۸۸)، موانع ارتقای زنان به پست های مدیریت میانی و عالی از دیدگاه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش، مجله پژوهش های مدیریت عمومی، سال دوم، شماره ۵: ۷۸-۵۷.
۱۶. سרمدی، پرستو (۱۳۸۸)، نگاهی به حضور زنان در مدیریت کلان کشور، مجله آیین، شماره ۵۹: ۲۱-۶۲.

۱۷. شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶)، مولفه های توانمندی، زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۱ دوره ۵.
۱۸. نصیری، بهاره؛ هاشمی فشارکی، مریم السادات؛ بدوی، فاطمه و بختیاری، آمنه (۱۳۹۰)، امید و رضایت از زندگی و سلامت روان در میان زنان در جمهوری ترکیه، پژوهشنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۱۹. محدث خالصی، سیده بهناز (۱۳۹۶)، ارتقا جایگاه سازمانی زنان، چالش ها، راهکارها، اولین همایش علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی ایران.
۲۰. غفوری، معصومه؛ ناصری فر، سونا و ناصری، حمیدرضا (۱۳۹۶)، تاثیر راهبرد شکستن سقف شیشه‌ای در اثربخشی نیرویابی در بین کارکنان مدارس استثنایی ناحیه ۴ مشهد، سومین همایش بین المللی دستاوردهای نوین در علوم مدیریت و اقتصاد.
۲۱. میرغفوری، سیدحبیب الله (۱۳۸۵)، شناسایی و رتبه بندی عامل های موثر در گماشته نشدن زنان به پست های بالای مدیریتی در سازمان های دولتی استان یزد، مطالعات زنان، شماره ۴.
۲۲. مقیمی، سیدمحمد؛ رمضان، مجید (۱۳۹۰)، پژوهش نامه مدیریت، جمهوری اسلامی ایران، تهران انتشارات راه دان.
۲۳. عباس زاده، م و همکاران (۱۳۹۰)، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر راهکارهای بومی، همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی.
۲۴. کتابی، م و همکاران (۱۳۸۲)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، ملجه پژوهش زنان، دور ۱۰، سال سوم شماره ۷: ۵-۳۰.
۲۵. کلدی، ع سلحشوری، پ (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان، ملجه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم شماره ۴: ۷-۲۳.
۲۶. مهران، گ (۱۳۸۵)، بررسی روند تواناسازی دختران و زنان در نظام آموزشی ایران. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷: ۹۲-۵۹.
۲۷. داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲)، مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۸. الماسی، لیلا؛ لبادی، زهرا و علیپور، وحیده (۱۳۹۴)، سقف شیشه‌ای در جانشین پروری زنان در مناصب مدیریتی، فصلنامه پژوهش های رهبری و مدیریت آموزشی، شماره ۱۱۷: ۳-۹۱.
۲۹. فرجی، بهاره (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر سقف شیشه‌ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران، پایا نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳۰. سلیمان پورعمران، محبوبه؛ یزدانی، توران و طالب زاده، عذرا (۱۳۹۵)، مدیریت زنان و توسعه سرمایه اجتماعی، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۳۱. رابرتسون، یان (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی، ص ۲۹۵.
۳۲. وزیری بزرگ، سیده هدی (۱۳۸۹)، موانع پی روی زنان در سطو بالای مدیریتی فصل نامه میثاق، شماره ۴۹: ۵۰-۴۸.
۳۳. ضرغامی فر، مژگان و بهبودی، محمدرضا (۱۳۹۳)، پدیده صخره شیشه‌ای: بررسی تجربه ها و چالش های زنان در پست های رهبری سازمان، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۲، شماره ۲: ۱۹۱-۲۱۱.
34. Cotter, A.D.; Hermesen, M.J.; Ovadia, S.; Vanneman, R. (2001). "The Glass ceiling Effect". The University of North Carolina Press, Social Forces, December 2001, 80(2): 655-682.
35. Heilman, madeline E. (2001), Description and prescription: How gender stereotypes prevent omen's ascent up the organizational ladder, Journal of social issues, vol. 57, No. 4.
36. Marshall Judi, "Gender" in the Blackwell encyclopedic dictionary of organizational behavior, Nigel Nicholson, Malden: Blackwell publishers, 1998.
37. Pulse, Asia. (2011). " GLASS CEILING FOR AUSTRALIAN WOMEN IN MANUFACTURING " Aug 12, 2011.
38. Schermerhorn, John and Hunt.(2002),James and Osborn Richard organizational behavior, John Wiley & Sons.
39. Burn, S. M., (2005). Women across Cultures: A Global Perspective, New York, McGraw Hill.

بررسی اثر موسیقی بر امواج مغزی: مطالعه الکتروانسفالوگرافی کمی

حدیث غفاری خلیق^{۱*}، احمد علی پور^۲

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور

۲. استاد دانشگاه پیام نور.

چکیده

مقدمه: بیش از دوهزار سال است که غرب و شرق به قدرت موسیقی در برانگیختن احساسات اذعان کرده‌اند و از آن زمان، ظرفیت درمانی موسیقی مورد توجه بوده است. اما تشریح این امر که موسیقی چگونه چنین تأثیری بر انسان می‌گذارد دشوار است. شیوه تأثیر موسیقی بر افکار و احساس و رفتار انسان همیشه برای محققین حوزه های مختلف علوم جالب بوده و هست. در این پژوهش نیز تلاش شده است تأثیر موسیقی بر امواج مغز در نواحی مختلف آن به کمک الکتروانسفالوگرافی کمی (QEEG) بررسی گردد.

روش: بدین منظور امواج مغزی ده نفر داوطلب به صورت عادی و در حین گوش دادن به موسیقی مورد علاقه ایشان ثبت گردید و نتایج به کمک بررسی نسبت واریانس ها مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها: نتایج تغییرات معناداری در امواج دلتا، تتا، آلفا، بتا و بتا با طول موج بالا در نواحی متفاوتی از مغز را نشان می‌دهد.

نتیجه: با توجه به تغییر امواج مختلف در نواحی متفاوت کرتکس مغز، موسیقی می تواند به عنوان ابزاری برای درمان و ارتقا عملکرد مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: موسیقی، امواج مغز، الکتروانسفالوگرافی کمی (QEEG)

۱- مقدمه

مغز انسان دارای قسمت های مختلف با عملکردهای متفاوتی است. یکی از این قسمت ها قشر مخ می باشد. قشر مخ مرکز فرایندهای عالی ذهن، محل ثبت احساس ها، آغاز اعمال ارادی، تصمیم گیری و تدوین نقشه عملکرد است. مغز انسان از تعداد زیادی سلول عصبی به نام نورون تشکیل یافته است که از طریق این سلول ها، پیام های مختلفی (پیام عصبی) به قسمت های مختلف بدن فرستاده می شود و پیام هایی نیز دریافت می کند. ماهیت این پیام عصبی در داخل یک سلول به صورت جریان الکتریکی (پتانسیل عمل) و در بین دو سلول به صورت نقل و انتقالات شیمیایی (نوروترنسمیتر) است. فعالیت الکتریکی نورون ها در سطح مجموعه سبب شکل دهی فعالیت الکتریکی مغز با عنوان امواج مغزی می شود. امواج مغزی انواع و کارکردهای متفاوتی دارند و برحسب فرکانس به انواع مختلف تقسیم می شوند. امواج سریع تر دارای فرکانس بیشتر و امواج آهسته دارای فرکانس کمتر هستند. همه این امواج در تمام اوقات وجود دارند اما در شرایط مختلف کارکردی، غلبه با موج خاصی است.

امواج مختلف مغزی و کارکردهای آن ها عبارتند از: موج دلتا، تتا، آلفا، بتا، بتا با طول موج بالا، گاما و گاما با طول موج بالا. دلتا (۳-۵ هرتز): آهسته ترین موج مغزی و موج غالب در خواب عمیق (بدون رویا)، حل مشکلات پیچیده، بیهوشی عمیق و تنظیم ساعت درونی است، هورمون رشد هنگام غلبه این موج ترشح می شود و ترمیم بافت های بدن سرعت می یابد. تتا (۷-۴ هرتز): موج غالب هنگام احساس سکون و آرامش زیاد، یادگیری عالی، برنامه ریزی مجدد ذهن، خیال پردازی، تفکر بدون خودسانسوری، فراخوانی خاطرات ناراحت کننده و رنج آور ذخیره شده در حافظه، خلاقیت، بینش، تفکر عمیق،

بیهوشی، حالت مراقبه مطلوب، افسردگی، اضطراب، خشم و هیجان، یادگیری عالی (کودکان تمایل دارند تا خود را در حال یادگیری فعال کنند) و پذیرندگی زیاد است.

آلفا (۸-۱۲ هرتز): موج غالب هنگام تفریح و لذت بردن از محیط اطراف، کاهش اضطراب، تفکر مثبت، یکپارچگی ذهن و بدن، شهود، درون اندیشی، تعادل هیجانی، احساس سرخوشی، مدیتیشن، علاقه زیاد، یادآوری، عملکرد شناختی بهینه، آگاهی درونی، آرامش عمیق همراه با هوشیاری و وقتی که پردازش اطلاعات ذهنی زیادی وجود ندارد، می باشد. هنگامیکه چشم ها بسته است مغز امواج آلفای زیادی به ویژه در ناحیه پس سری تولید می کند. هنگام غلبه این موج ترشح سروتونین افزایش می یابد و سیستم ایمنی تقویت می گردد.

بتا (۱۲-۲۵ هرتز): موج غالب هنگام کنش های پیچیده ذهنی مثل سخن گفتن، بحث کردن و غیره، تفکر انتزاعی فوق العاده، هشیاری، پایداری هیجانی، محاسبات ریاضی، تفکر، تمرکز، توجه پایدار، تنش و هوشیاری است. هنگام غلبه این موج متابولیسم افزایش می یابد.

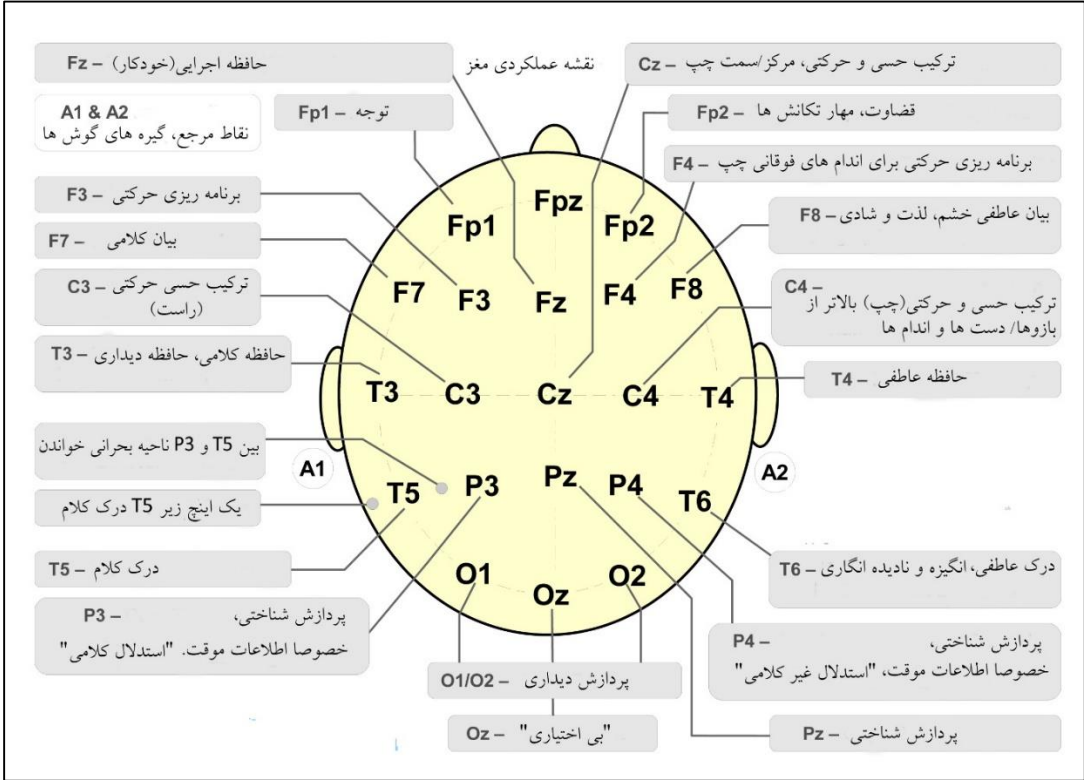
امواج SMR (امواج بتا با طول موج ۱۲-۱۸ هرتز): موج غالب هنگام پردازش و تمرکز در آرامش، هوشیاری ذهنی، آرامش جسمی می باشد. غلبه این موج موجب استحکام بخشیدن به ذهن و بدن، ایجاد هماهنگی بین محیط و فرد و کمک در به خواب رفتن و تنظیم حرکات بدن می گردد.

بتا با طول موج بالا (۲۵-۳۰ هرتز): موج غالب هنگام تحت فشار بودن، پرخاشگری و اضطراب است و موجب افزایش متابولیسم می گردد.

موج گاما (۳۰-۴۰ هرتز): موج سازمان دهنده مغز و هماهنگ کننده و یکپارچه کننده اطلاعات از قسمت های مختلف بدن است. غلبه این موج با حافظه خوب، سرعت انتقال زیاد اطلاعات، پردازش سطوح بالای اطلاعات و یادگیری مسائل پیچیده همراه است. (ویلیام، تتوم و همکاران، ۲۰۰۸، مرزبانی، مراتب و منصوری، ۲۰۱۶)

تغییرات امواج مسبب بسیاری از تغییرات در افکار، احساسات و رفتار انسان می باشد. تحقیقات بسیاری این آثار را مورد بررسی قرار داده اند. برای نمونه افزایش موج آلفا می تواند بر پاسخ های عاطفی خود به خود و الکترومیوگرافی^۱ (EMG) صورت، بهبود سرعت پردازش شناختی و عملکرد اجرایی، تقویت و بهبود عملکرد شناختی، کاهش اضطراب، کمک به حفظ عملکردهایی مانند شمارش و تمیز شنوایی، افزایش کیفیت اجرای موسیقی، کاهش نیاز به خواب، تغییرات خلق و خو تاثیر گذارد و کاهش آلفا خلاقیت را افزایش دهد. تغییرات امواج بتا بر بهبود عملکرد ذهنی، بهبود عملکرد شناختی، بهبود حساسیت ادراکی، افزایش انگیختگی قشر، فراخوان بیشتر در حافظه کاری معناشناختی، کاهش بی توجهی، بیش فعالی و تکانشگری، بهبود در توجه و هوش، درمان اختلال صرع و ADHD موثر بوده است. (مرزبانی، مراتب و منصوری، ۲۰۱۶)

هر بخش از مغز وظایف بی شمار و در عین حال ویژه ای بر عهده دارد علاوه بر توجه به تغییرات امواج مغزی، توجه به منطقه ای از مغز که تغییرات در آن اتفاق افتاده است نیز دارای اهمیت بسیار است. شکل یک تقسیم بندی مغزی بر اساس قانون ۱۰-۲۰ و عملکرد هر ناحیه را به صورت خلاصه نشان می دهد.



شکل ۱: نقشه عملکرد مغز

لوب آهiane ای (P4, P3, Pz): عملکرد سمت چپ: مسئله گشایی، ریاضی، گرامر پیچیده، توجه، ارتباط؛ عملکرد سمت راست: آگاهی فضایی، هندسه؛ اختلالات: مشکلات یادگیری جهت پریشی و مشکلات حرکتی

لوب های پیشانی (F8, F7, F4, F3, FZ, FPZ, FP2, FP1): عملکرد سمت چپ: حافظه کاری، تمرکز، برنامه ریزی اجرایی، احساسات مثبت؛ عملکرد سمت راست: حافظه اپیزودیک، آگاهی اجتماعی و عملکرد ناحیه پیش پیشانی: قضاوت و توجه؛ اختلالات سمت چپ: افسردگی؛ اختلالات سمت راست: اضطراب، ترس، برنامه ریزی اجرایی، عملکرد ضعیف اجرایی

لوب های گیجگاهی (T6, T5, T4, T3): عملکرد سمت چپ: تشخیص کلمه، خواندن، زبان، حافظه؛ عملکرد سمت راست: تشخیص شی، موسیقی، نشانه ها و کنایه های اجتماعی؛ اختلالات: تشخیص چهره، خشم، عصبانیت، نارساخوانی، حافظه بلند مدت که بیشتر در آسیب های سری بسته اتفاق می افتد.

لوب پس سری (O2, O1, OZ): یادگیری دیداری، خواندن، کارکردهای اشتراکی با نواحی گیجگاهی و آهiane ای؛ اختلالات: اختلالات یادگیری

کرتکس حسی حرکتی (C4, C3, CZ): عملکرد سمت چپ: توجه، پردازش ذهنی؛ عملکرد سمت راست: آرامش، احساسات، همدلی؛ عملکرد ترکیبی: موتور مهارت های ظریف، مهارت های دستی، ادغام حس و حرکت و پردازش؛ اختلالات: فلج (سکته مغزی)، اختلال تشنج، دست خط ضعیف، علائم ADHD

شکنج سپنگولیت (OZ, PZ, CZ, FZ, FPZ): انعطاف پذیری ذهنی، همکاری، توجه، انگیزه، اخلاق؛ اختلالات: وسواس فکری، وسواس عملی، تیک، کمال گرایی، نگرانی، علائم ADHD، OCD و طیف OCD

ناحیه بروکا (T3, F7): بیان کلامی؛ اختلالات: نارسا خوانی، هجی کردن ضعیف، خواندن ضعیف

عملکرد نیمکره چپ (همه شماره های فرد): توالی منطقی، تنظیم جزییات، توانایی های زبان، بازیابی کلمه، تمیز و تشخیص، خواندن، ریاضی، علوم، حل مسئله، حافظه کلامی؛ اختلالات: افسردگی (کاهش فعالیت)

عملکرد نیمکره راست (همه شماره های زوج): حافظه اپیزودیک، رمزگذاری، آگاهی اجتماعی، تماس چشمی، موسیقی، طنز، همدلی، آگاهی فضایی، هنر، بینش، شهود، حافظه غیر کلامی، دیدن کل تصویر؛ اختلالات: اضطراب (بیش فعال سازی)(دمو، ۲۰۰۵)

از زمان های گذشته، موسیقی برای ظرفیت آن برای درمان شناخته شده است. شخصیت های اسطوره ای مانند آپولو (خدای موسیقی و پزشکی) و همچنین شخصیت هایی مانند آستلهپیوس، افلاطون، ارسطو و هیپوکرات ها توانایی موسیقی را برای پیشگیری و درمان برخی بیماری های جسمی و روحی می شناختند. در لحظات مختلف تاریخ و در فرهنگ های مختلف، طی دو و نیم هزاره گذشته موسیقی به عنوان بخشی از پزشکی در نظر گرفته شده است. (پتروتا، ۲۰۱۴) صداها از طریق شنیدن به امور درونی مبدل می شوند و در درون انسان ایجاد فکر، حس و تصویر می کنند. (موسوی، کاظمی و دهخدا، ۱۳۹۲)

محققان از زمان های بسیار دور همواره در پی یافتن شیوه ی تاثیر موسیقی بر مغز بوده اند. شروع فکر کردن درباره پردازش موسیقی را می توان با آغاز روانشناسی گشتالت پیوند داد. در قرن نوزدهم، روانشناسان و موسیقی شناسان تطبیقی مانند کارل استامپف از لحاظ سطوح مختلف پردازش حسی و بازنمایی ذهنی به بررسی اثر موسیقی پرداخته اند. متخصصین عصبی مانند آگوست نابلوچ نیز در مورد سطوح مختلف پردازش موسیقی بر اساس ایده هایی درباره پردازش زبان، بحث و گفتگو و گمانه زنی کردند. سایر متخصصان مغز و اعصاب، مانند جان هگلینگر جکسون، موسیقی را به عنوان یک سیستم عاطفی و درمقابل زبان را به عنوان یک سیستم فکری مورد بحث قرار دادند. ریچارد والاسک موسیقی شناسی، روانشناسی و مغز و اعصاب را در هم آمیخت. او از ایده های روانشناسی برای توضیح پردازش موسیقی و واکنش مخاطب استفاده کرد و از مطالعات موردی از مغز و اعصاب نیز برای حمایت از بحث ماهیت موسیقی بهره برد. (گرازیانو و جانسون، ۲۰۱۵)

پژوهش های گوناگون، از اثر بخشی قطعی موسیقی بر مهارت های ذهنی، هوش عاطفی-هیجانی و توانایی های اجتماعی افراد خبر می دهند. موسیقی، از محدود مفاهیمی است که هر دو جنبه ی کلامی و غیر کلامی ذهن را درگیر می کند؛ زیرا از طرفی ریتم، لحن و شدت موسیقی نیمکره ی راست مغز را که مسئول پردازش داده های غیر کلامی است درگیر می کند و از طرفی شعر و کلام موسیقی می تواند سبب به کار گرفتن و تقویت نیمکره ی چپ و نواحی کلامی مغز شود. همچنین پژوهش ها نشان داده اند که اثر موسیقی بر توانمندی های ذهنی، به دلیل تغییرات ساختاری و عملکردی پایداری است که در مغز به جای می گذارد. روشن است، در صورتی که این مواجهه با موسیقی در سنین خردسالی و رشد، که پیوندهای عصبی در حال شکل گیری هستند اتفاق بیفتد، اثر آن ماندگارتر و عمیق تر خواهد بود. (ره روان، اسکندری، نصرت آبادی، ۱۳۹۱)

موسیقی درمانی یکی از شاخه های هنر درمانی است. موسیقی به آسانی در دسترس بوده، غیر تهاجمی و بدون اثرات جانبی است و سالهاست که ثابت شده تجارب ادراکی و احساسی موسیقی، باعث تغییر فشار خون، سرعت ضربان قلب، ریتم تنفس، رفلکس پسیکوگالونیک و عملکردهای اتوماتیک دیگر بدن می شود. همراه با این تغییرات فیزیولوژیکی و نوروسیکولوژیکی در بسیاری از پژوهش ها، موسیقی به عنوان یک مداخله موثر می تواند بخشی از برنامه مراقبتی مراجع باشد و به عنوان یک ابزار درمانی حمایتی-تسکینی برای درد و اضطراب، افزایش احساس تن آرامی، افزایش ایمنی بدن، کاهش فشار خون، نبض و تنفس بکار رود. گوش دادن به موسیقی باعث ترشح اندروفین ها شده و در نتیجه هیجانات را تعدیل کرده و درد را تسکین می دهد. (مقصودی فر، پوشنه، ۱۳۹۵) موسیقی درمانی می تواند سلامت روان افراد را افزایش دهد. استفاده از موسیقی جذاب در زندگی روزمره و در فرآیندهای درمانی می تواند یک زندگی مطلوب تر با رفاه روانشناختی قابل ملاحظه ای فراهم کند. (ستو و دراگواین، ۲۰۱۶) آرام سازی با موسیقی از فشار خون، ضربان قلب، میزان دم و باز دم کاسته مصرف اکسیژن را کاهش داده، سطح اسید خون را پایین آورده و امواج مغزی را از حالت فشار و استرس در سطح بتا به امواج پایین تر در سطح آلفا وارد می کند. مجموعه این تغییرات که باعث سستی و رخوت می گردد در نظام فیزیولوژیک بدن سبب کاهش استرس و فشارهای درونی می شود. عملکرد موسیقی، حافظه فرآیندی را تقویت کرده و در نتیجه یادگیری پایدار بوجود می آورد. (کائینی مقدم، استکی، صالحی، ۱۳۹۴) گوش دادن به موسیقی می تواند در موقعیت بیماری و ناراحتی، آسایش و راحتی فرد را ارتقاء دهد، موسیقی می تواند امواج مغزی را تعدیل کرده و از سرعت آن ها بکاهد. هرچه جریان امواج مغزی آهسته تر باشد

احساس آرامش و رضایت افزایش می یابد. نواختن موسیقی می تواند به خلق یک تعادل پویا میان نیمکره های مغزی- بین منطق و شهود- و ایجاد تفکری که می تواند پایه خلاقیت را بنا نهد، منجر شود. (مقصودی فر، پوشنه، ۱۳۹۵)

موسیقی در درمان بیماری های روانی به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته است. (سرگلزایی، ۱۳۷۹ و ملک خسروی، ۱۳۸۱ و شهسواری، مصلی نژاد و رنجبر، ۱۳۸۸ و دهناد، ۱۳۳۱). استفاده از موسیقی در مراقبت های بهداشتی می تواند بر احساسات بیمار و روند بهبودی تأثیر مثبت داشته باشد. (اونوسالیندو، ۲۰۱۶) برای مثال از ایجاد اختلال در درمان اعتیاد جلوگیری می نماید (استامو و همکاران، ۲۰۱۷) و می تواند روشی موثر در بهبود نشانه های کودکان دارای اختلال طیف اتیسم باشد. (احمدیان، پورشریفی و عشایی، ۱۳۹۵) همچنین از موسیقی برای بهبود محیط آزمایشی و افزایش یادگیری در کودکان با مشکلات ویژه بهره گرفته شده است. (پتروتا، ۲۰۱۴)، موسیقی در حافظه کوتاه مدت (چرایف، میتروفند، گلوک و گاته، ۲۰۱۳)، امواج مغزی، رفتار و عملکرد شناختی بیمارانی با اسکیزوفرنی مزمن (کن، گنگ و اوه، ۲۰۱۳)، کاهش اضطراب در بزرگسالان (شین و کیم، ۲۰۱۱ و عمرانی، صفاری نیا و ترخان، ۱۳۸۹)، کاهش مشکلات اضطرابی کودکان (مقصودی فر و پوشنه، ۱۳۹۵)، کاهش اضطراب کودکان سرطانی (زین آبادی، سهرابی اسمرد و زاده محمدی، ۱۳۸۷)، تنظیم ریتم خواب و بیداری دانش آموزان با مشکلات دقت و تمرکز (کائینی مقدم، استکی، صالحی، ۱۳۹۴)، افزایش هوش کودکان (ره روان، اسکندری، نصرت آبادی، ۱۳۹۱)، تقویت سیستم ایمنی بدن (موسوی، کاظمی و دهخدا، ۱۳۹۲)، کاهش درد و استرس بر سالمندان (ولایی، علی اکبری و علیپور، ۱۳۹۴)، کاهش افسردگی در سالمندان (شیبانی و حسن زاده توکلی، ۱۳۸۸)، کاهش افسردگی در دانشجویان (بیگلری، اکبرزاده و زاده محمدی، ۱۳۸۱)، افزایش شادکامی و امید کودکان سرطانی (دینوری، شمس اسفند آبادی و جلالی، ۱۳۹۴)، کاهش میزان شدت خستگی بیماران مبتلا به سرطان (صنوبرلیماکشی، احدی و نریمانی، ۱۳۹۱) و کاهش پرخاشگری دانش آموزان عقب مانده ذهنی (اکبری، میرزمانی، صالحی و داورمنش، ۱۳۸۹) تأثیر دارد.

افراد در سنین مختلف می توانند از موسیقی درمانی بهره مند شوند. درمان و استفاده از موسیقی در طیف وسیعی از مسایل مانند بهبود محیطی در مدارس، مسایل مربوط به بهداشت روانی، پزشکی، سالمندان، خدمات مراقبتی در بیمارستان و خدمات درمانی مورد استفاده قرار گرفته است. درمانگران موسیقی ممکن است در ارتباط با مسایل شناختی، ارتباطی، حسی، فیزیولوژیکی، روانی، احساسی یا اهداف معنوی از آن بهره ببرند. به طور کلی، مداخلات موسیقی درمانی ممکن است شامل گوش دادن به موسیقی، صحبت در مورد موسیقی، ساخت موسیقی و یا حرکت با موسیقی باشد؛ مداخله یا مداخلات خاص بر اساس نیازهای خاص، توانایی ها، اهداف و ترجیحات مراجع انتخاب می شود. موسیقی زنده و مورد علاقه فرد در کمک به ایجاد تغییرات درمانی بسیار موثر است. روش های مختلفی در زمینه موسیقی درمانی وجود دارد و پایگاه تحقیقاتی در زمینه درمان با موسیقی در حال حاضر قوی است و به سرعت در حال رشد است. (دوبرگ، ۲۰۱۸) در این پژوهش امواج و نواحی از مغز که موسیقی می تواند بر روی آن تأثیر بگذارد، به کمک الکتروانسفالوگرافی کمی (QEEG) مورد بررسی قرار گرفته است؛ چه بسا روشن شدن این مسئله در به کارگیری موسیقی به عنوان یک ابزار درمانی با دقت و کارایی بیشتر کمک نماید.

۲- روش

این پژوهش، تحقیقی اکتشافی است که به منظور بررسی تغییرات امواج در نواحی مختلف مغز که تحت تأثیر موسیقی قرار می گیرد و با الکتروانسفالوگرافی کمی قابل مشاهده است، انجام گردید. بدین منظور از ۱۰ نفر درحالی که به موسیقی مورد علاقه خود گوش می دادند ثبت QEEG گرفته شد و با ثبتی که به صورت عادی از ایشان گرفته شده بود مقایسه گردید. افراد داوطلب مردان و زنانی در محدوده سنی ۲۰ الی ۴۰ سال بودند.

الکتروانسفالوگرافی کمی (QEEG) وسیله ای برای ارزیابی و اندازه گیری امواج مغزی و خصوصیات مربوط به آن هاست. در این روش ارزیابی تعدادی الکتروود روی کلاهی با نظم و قانون خاصی تثبیت شده اند. این کلاه روی سر قرار گرفته امواج مغزی را دریافت می کند. امواج مغزی در حالت های مختلف موردنظر (چشم باز و در حال گوش دادن به موسیقی) ثبت گردید. در این تحقیق امواج حاصل به کمک نرم افزار نوروگاید مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. امواج مغزی بر حسب فرکانس تفکیک

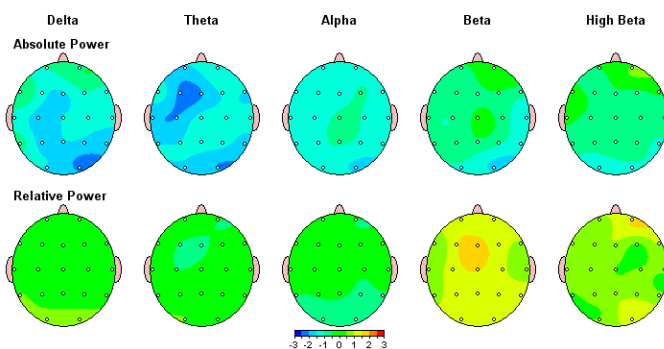
شده و بر اساس شدت فعالیت در رنگ های مختلف نمایش داده می شوند. تصاویر در قالب سرهای رنگی که نقشه مغزی نامیده می شوند ارائه می گردند. علاوه بر تصاویر، جداول و نمودارهای دیگری نیز ارائه می شود که کاربردهای خاص خود را دارند. مطابق با مطالعاتی که صورت گرفته اندازه امواج مختلف در مغز دارای استاندارد و حد نرمالی است که تنها براساس جنس و سن تغییر می کند. امواجی که فعالیت مناسب داشته باشند با رنگ سبز و امواج با فعالیت نامناسب با رنگ های بنفش و نیلی و آبی (فعالیت کمتر از حد نرمال) و زرد و نارنجی و قرمز (فعالیت بیشتر از حد نرمال) مشخص می شوند. با بررسی این نقشه ها و مقایسه ی آن ها با الگوی نرمال و مرجع، می توان کارکرد مغز را بررسی و مطالعه کرد. از آن جا که هر فعالیتی موجب تغییر در امواج مغزی می گردد، لذا QEEG مغزی که کارکرد طبیعی دارد با مغزی که در حال انجام فعالیت خاصی است، تفاوت دارد. با مقایسه اعداد بدست آمده برای هر موج در دو حالت عادی و در حال گوش دادن به موسیقی می توان تغییرات را مشخص نمود. جهت تحلیل آماری داده های به دست آمده از آزمون نسبت واریانس ها استفاده شد و داده های حاصل از ثبت مغزی در سه بخش نیمکره راست، نیمکره چپ و مرکز کورتکس مغز برای تمامی طول موج ها (دلتا، تتا، آلفا، بتا و بتا با طول موج بالا) مورد بررسی قرار گرفت.

۳- نتایج

نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد موسیقی کارکرد مغز افراد را به کارکرد نرمال نزدیک می گرداند. چهار نمونه از ثبت های گرفته شده جهت بررسی کیفی در شکل ۲ الی ۵ آورده شده است:

Montage: LinkEars

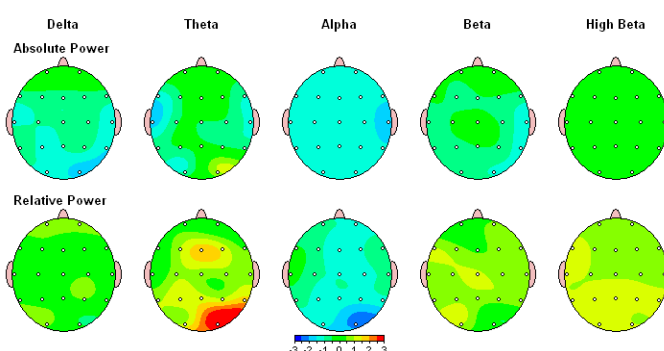
Z Scored FFT Summary Information



الف- ثبت در حالت عادی

Montage: LinkEars

Z Scored FFT Summary Information



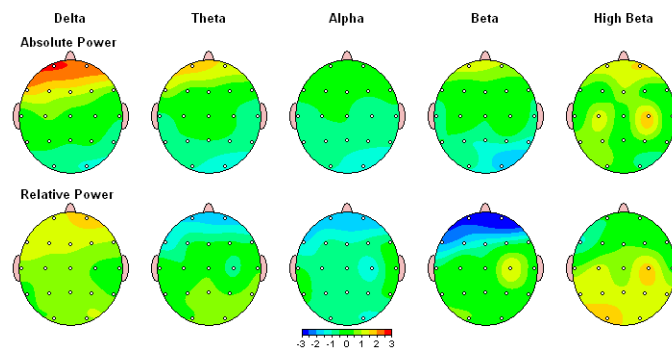
ب- ثبت در حال گوش دادن به موسیقی

شکل ۲: نتایج ثبت امواج مغزی در حالت عادی و در حالت پخش موسیقی داوطلب ۱

در QEEG داوطلب شماره یک تقریباً در تمامی امواج تغییر مشاهده می شود و امواج دلتا، تتا، بتا و بتا با طول موج بالا با یک افزایش محسوس به مقدار نرمال نزدیک شده اند.

Montage: LinkEars

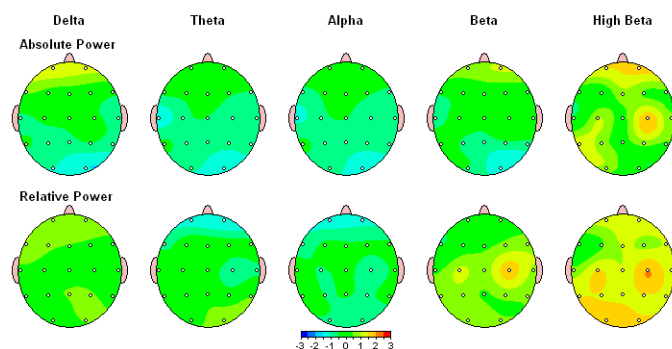
Z Scored FFT Summary Information



الف- ثبت در حالت عادی

Montage: LinkEars

Z Scored FFT Summary Information



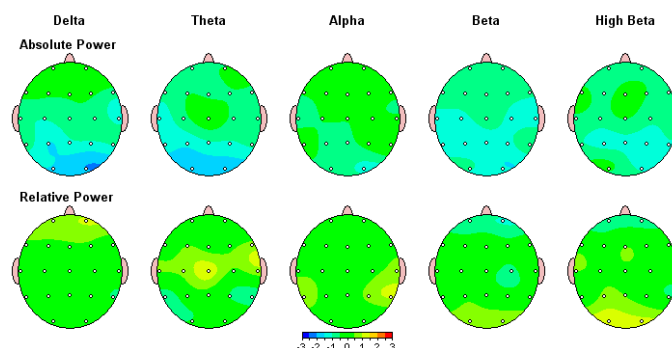
ب- ثبت در حال گوش دادن به موسیقی

شکل ۳: نتایج ثبت امواج مغزی در حالت عادی و در حالت پخش موسیقی داوطلب ۲

در QEEG داوطلب شماره دو نیز تقریباً در تمامی امواج تغییر مشاهده می شود اما این بار امواج دلتا و تتا کاهش یافته و امواج آلفا و بتا افزایش یافته اند و به مقدار نرمال نزدیک شده اند.

Montage: LinkEars

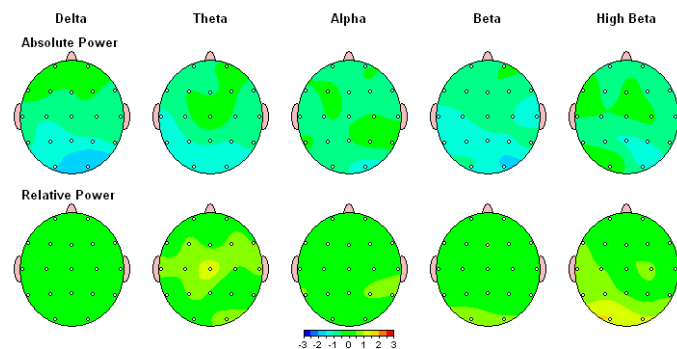
Z Scored FFT Summary Information



الف- ثبت در حالت عادی

Montage: LinkEars

Z Scored FFT Summary Information



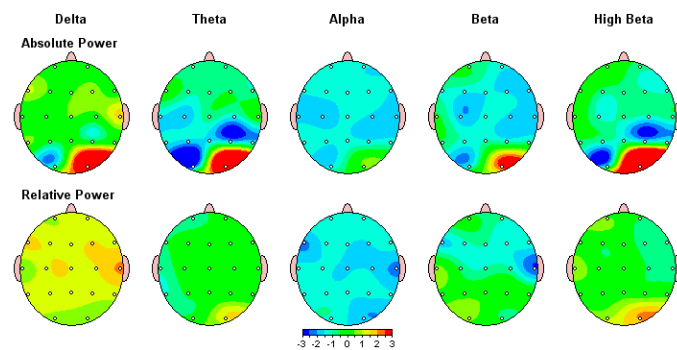
ب- ثبت در حال گوش دادن به موسیقی

شکل ۴: نتایج ثبت امواج مغزی در حالت عادی و در حالت پخش موسیقی داوطلب ۳

در QEEG داوطلب شماره سه امواج دلتا و تتا کاهش یافته و امواج دلتا، آلفا و بتا و بتا با طول موج بالا افزایش یافته اند و به مقدار نرمال نزدیک شده اند.

Montage: LinkEars

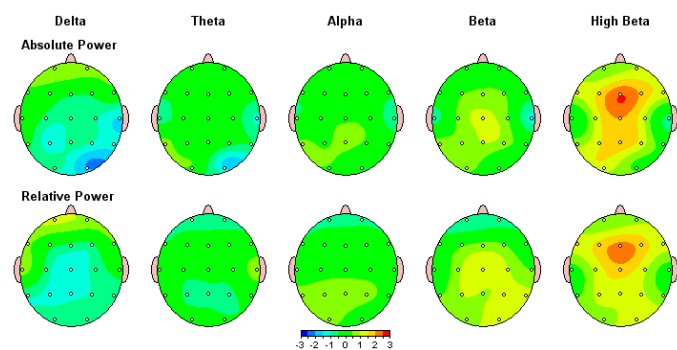
Z Scored FFT Summary Information



الف- ثبت در حالت عادی

Montage: LinkEars

Z Scored FFT Summary Information



ب- ثبت در حال گوش دادن به موسیقی

شکل ۵: نتایج ثبت امواج مغزی در حالت عادی و در حالت پخش موسیقی داوطلب ۴

در QEEG داوطلب شماره چهار نیز تقریباً تمامی امواج تتا، آلفا و بتا با تغییر بسیار محسوسی به مقدار نرمال نزدیک شده اند.

نتایج حاصل از بررسی نسبت واریانس ها در هر موج در جداول ۱ الی ۵ ذکر گردیده است ($\alpha=0.05$):

جدول ۱: نسبت واریانس ها برای موج دلتا در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج دلتا
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۱۲/۲۲	۲۹/۰۳	۹/۵۲	۹/۳۴	۱۴/۴۷	۱۳/۴۸	میانگین
۶۱/۷۶	۳۵۱۱/۰۳	۱۳/۰۳	۷/۵۸	۲۴/۸۹	۱۶/۵۷	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	Df
۰/۰۱۷		۱/۷۲		۱/۵۰		F
۷/۴ E -۰۷		۰/۲۲		۰/۲۸		P(F<=f)
۰/۳۱		۳/۱۸		۳/۱۹		F بحرانی

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود تغییرات امواج دلتا در آزمون نسبت واریانس ها در سمت چپ کرتکس مغز معنا دار می باشد.

جدول ۲: نسبت واریانس ها برای موج تتا در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج تتا
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۵/۵۶	۵/۵۸	۵/۰۱	۵/۱۹	۸/۲۶	۸/۵۲	میانگین
۷/۳۸	۱/۱۱	۵/۷۵	۱/۱۴	۱۵/۷۲	۲/۱۴	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	Df
۶/۶۴		۵/۰۵		۷/۳۴		F
۰/۰۰۵		۰/۰۱		۰/۰۰۳		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

جدول ۲ نشان می دهد تغییرات موج تتا در هر سه ناحیه کرتکس مغز معنا دار بوده است.

جدول ۳: نسبت واریانس ها برای موج آلفا در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج آلفا
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۹/۴۸	۵/۱۵	۹/۴۲	۴/۷۱	۱۲/۶۵	۷/۳۲	میانگین
۲۲۵/۸۲	۴/۷۱	۲۲۸/۵۰	۳/۸۳	۳۷۱/۷۴	۱۳/۵۷	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۴۷/۹۷		۵۹/۵۹		۲۷/۳۸		F
۱/۵۵ E -۶		۶/۰۲ E -۷		۱/۷۳ E -۵		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

جدول ۴ نیز تغییرات معناداری برای امواج آلفا در هر سه ناحیه کرتکس مغز نشان می دهد.

جدول ۴: نسبت واریانس ها برای موج بتا در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج بتا
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۷/۲۳	۶/۹۹	۶/۸۳	۶/۷۵	۷/۹۸	۷/۴۶	میانگین
۱۳/۵۸	۳/۴۷	۱۲/۴۷	۴/۱۱	۲۰/۴۳	۹/۲۳	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۳/۹۱		۳/۰۳		۲/۲۱		F
۰/۰۳		۰/۰۶		۰/۱۳		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

برطبق جدول ۵ تغییرات امواج بتا در ناحیه چپ و راست کرتکس مغز معنادار بوده است.

جدول ۵: نسبت واریانس ها برای موج های بتا در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج بتا با طول موج بالا
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۱/۲۸	۱/۷۰	۱/۱۴	۱/۷۱	۱/۰۹	۱/۴۳	میانگین
۰/۱۷	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۷۶	۰/۱۲	۰/۵۲	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۰/۶۰		۰/۳۵		۰/۲۲		F
۰/۲۳		۰/۰۷		۰/۰۲		P(F<=f)
۰/۳۱		۰/۳۱		۰/۳۱		F بحرانی

امواج بتا با طول موج بالا در ناحیه چپ و راست کرتکس مغز تغییرات معنادار نشان می دهد.

امواج بتا در سه دسته بتا ۱ (۱۲-۱۵ هرتز)، بتا ۲ (۱۵-۱۸ هرتز) و بتا ۳ (۱۸-۲۵ هرتز) به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی در جداول ۶ الی ۸ نشان داده شده است.

جدول ۶: نسبت واریانس ها برای موج بتا ۱ در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج بتا ۱
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۲/۵۸	۲/۱۴	۲/۴۳	۱/۹۶	۳/۰۱	۲/۳۸	میانگین
۲/۷۸	۰/۴۱	۲/۲۱	۰/۳۰	۳/۸۴	۰/۷۱	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۶/۸۴		۷/۳۳		۵/۴۴		F
۰/۰۰۴		۰/۰۰۳		۰/۰۱		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

جدول ۶ نشان می دهد بتا ۱ در تمام نواحی کرتکس مغز تغییرات معنادار داشته است.

جدول ۷: نسبت واریانس ها برای موج بتا ۲ در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج بتا ۲
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۱/۷۷	۱/۶۵	۱/۶۲	۲/۸۸	۲/۱۴	۱/۷۰	میانگین
۰/۵۸	۱/۲۷	۱/۶۰	۱۷/۹۰	۲/۴۵	۰/۳۸	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۲/۱۸		۰/۰۳		۶/۴۴		F
۰/۱۳		۱/۱۷E-۵		۰/۰۰۵		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

بتا ۲ مطابق جدول ۷ در مرکز کرتکس مغز تغییرات معناداری داشته است.

جدول ۸: نسبت واریانس ها برای موج بتا ۳ در سه ناحیه چپ، راست و میانه کرتکس مغز

آزمون F دو گروهی برای واریانس						
چپ		راست		مرکز		موج بتا ۳
عادی	موزیک	عادی	موزیک	عادی	موزیک	
۲/۹۵	۳/۲۴	۲/۷۵	۳/۲۳	۳/۰۴	۳/۳۵	میانگین
۱/۸۷	۱/۰۰	۲/۰۵	۱/۸۴	۳/۱۷	۳/۴۷	واریانس
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	تعداد نمونه
۹	۹	۹	۹	۹	۹	df
۱/۸۷		۱/۱۱		۰/۹۱		F
۰/۱۸		۰/۴۴		۰/۴۵		P(F<=f)
۳/۱۸		۳/۱۸		۳/۱۸		F بحرانی

مطابق جدول ۸ بتا ۳ نیز دارای تغییرات معنادار در ناحیه ی مرکزی کرتکس مغز بوده است.

۴- بحث

این پژوهش اکتشافی جهت بررسی تغییرات امواج مغز به کمک موسیقی و با توجه به داده های حاصل از الکتروانسفالوگرافی کمی بر روی ۱۰ نفر انجام گردید. بر اساس نتایج حاصل موسیقی می تواند امواج تتا و آلفا را در تمام نواحی کرتکس مغز، امواج بتا را در ناحیه چپ و راست، امواج دلتا را در سمت چپ و امواج بتا با طول موج بالا را در سمت چپ و میانه کرتکس مغز تعدیل نماید؛ همچنین در تقسیم بندی جزئی تر امواج بتا، امواج بتا ۱ در تمامی نواحی کرتکس مغز و امواج بتا ۲ و بتا ۳ در میانه کرتکس مغز تغییر معنادار داشت.

امواج تتا در تمامی کرتکس مغز تغییر یافت در نتیجه موسیقی می تواند بر افزایش یادگیری، آرامش، برنامه ریزی مجدد ذهن، خیال پردازی، تفکر بدون خودسانسوری، خلاقیت، بینش، تفکر عمیق تاثیر گذار باشد.

امواج آلفا نیز در تمامی کرتکس تغییر یافته است در نتیجه موسیقی می تواند بر آرامش، کاهش اضطراب، تقویت سیستم ایمنی، تفکر مثبت، یکپارچگی ذهن و بدن، شهود، درون اندیشی، تعادل هیجانی، احساس سرخوشی، بهبود عملکرد شناختی، آگاهی درونی و افزایش ترشح سروتونین تاثیر گذار باشد.

تغییرات امواج بتا موجب استحکام بخشیدن به ذهن و بدن، تمرکز، ایجاد هماهنگی بین محیط و فرد، هوشیاری ذهنی، آرامش جسمی، کمک به خواب رفتن و تنظیم حرکات بدن می گردد و تغییرات امواج های بتا می تواند در اضطراب و

پرخاشگری تغییر ایجاد نماید. نتایج این تحقق با تحقیق مقصودی فر و پوشنه (۱۳۹۵) و کائنی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) در مورد اثر تعدیلی موسیقی بر امواج مغزی هم راستا است.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیرامون تغییرات امواج و نواحی از کرتکس مغز که تحت تاثیر موسیقی قرار گرفته است؛ می توان از موسیقی به عنوان ابزاری کارا و به صورت هدفمند در درمان اختلالات مختلف و یا ارتقا عملکرد در موضوعات متفاوت بهره برد. امید است این تحقیق بتواند زمینه تحقیقات بعدی را فراهم آورد.

منابع

۱. احدیان مهسا، پورشریفی حمید، عشایری حسن، (۱۳۹۵)، "اثربخشی ارائه ی همزمان تم های موسیقی و اظهارات هیجانی چهره در بهبود بازشناسی حالات هیجانی چهره در کودکان دارای اختلال طیف اتیسم"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۲. اکبری مرضیه، میرزمانی محمود، صالحی مسعود، داورمنش عباس، (۱۳۸۹)، "تاثیر اجرای برنامه حرکات موزون همراه با موسیقی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر مقطع ابتدایی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۳. بیگلری شبنم، اکبرزاده نسرين، زاده محمدی علی، (۱۳۸۱)، "بررسی تأثیر شنیدن موسیقی انتخابی و راهبردهای شناختی بر کاهش افسردگی و باورهای دانشجویان استان تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۴. دهناد اسمعیل، (۱۳۳۱)، "اثر موسیقی در بیماریهای روانی"، پایان نامه دکتری، دولتی وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
۵. دینوری مریم، شمس اسفندآبادی حسن، جلالی محمدرضا، (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر نقاشی و موسیقی درمانی در شادکامی و امید کودکان سرطانی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی.
۶. ره روان پروانه، اسکندری حسین، نصرت آبادی مسعود، (۱۳۹۱)، "بررسی اثر بخشی آموزش موسیقی بر هوش کودکان ۲ تا ۴ سال شهر تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی.
۷. زین آبادی فاطمه، سهرابی اسمرود فرامرز، زاده محمدی علی، (۱۳۸۷)، "تاثیر موسیقی بر کاهش اضطراب کودکان سرطانی ۹-۱۲ ساله تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۸. سرگلزایی محمد، (۱۳۷۹)، "موسیقی درمانی از دیدگاه روان تحلیل گری، مقاله های همایش های ایران، چکیده مقالات دومین سمینار سراسری موسیقی درمانی"، دولتی - وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، دانشگاه تهران.
۹. شهبواری سکینه، مصلی نژاد لیلا، رنجبر افسانه، (۱۳۸۸)، "اثرات موسیقی درمانی در ارتقا سلامت جسم و روان"، مقاله های همایش های ایران، خلاصه مقالات اولین همایش ارتقای سلامت و آموزش بهداشت (نهمین همایش سراسری تازه های پزشکی و پیراپزشکی).
۱۰. شیبانی تذرجی فاطمه، حسن زاده توکلی رضا، (۱۳۸۸)، "تاثیر موسیقی، خاطره گوئی و انجام فعالیت های دلخواه بر افسردگی و احساس تنهایی سالمندان"، پایان نامه کارشناسی ارشد دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. صنوبرلیماکشی لاله، احدی بتول، نریمانی محمد، (۱۳۹۱)، "مقایسه اثربخشی دو تکنیک (آرام بخشی عضلانی پیشرونده و موسیقی درمانی) بر میزان شدت خستگی بیماران مبتلا به سرطان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۲. عمرانانی رقیه، صفاری نیا مجید، ترخان مرتضی، (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر موسیقی درمانی و خنده درمانی بر کاهش اضطراب قبل از عمل جراحی در خانم ها"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

۱۳. کائینی مقدم زهرا، استکی مهناز، صالحی مهدیه، (۱۳۹۴)، "کاربرد ماساژ و موسیقی در تنظیم ریتم خواب و بیداری دانش آموزان با مشکلات دقت و تمرکز"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۱۴. مقصودی فرد کیوان، پوشنه کامبیز، (۱۳۹۵)، "مقایسه اثر بخشی دو روش موسیقی درمانی فعال و غیر فعال بر مشکلات اضطرابی کودکان ۵-۷ ساله"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۱۵. ملک خسروی غفار، (۱۳۸۱)، "بررسی رابطه بین تکنیک های موسیقی درمانی و تکنیک های روان درمانی"، مقاله های همایش های ایران، دومین کنگره سراسری درمان های غیر دارویی در روانپزشکی.
۱۶. موسوی محسن، کاظمی علی، دهخدا محمدرضا، (۱۳۹۲)، "تأثیر گوش دادن به موسیقی آرامش بخش، مهیج و تحریک کننده امواج مغزی حین تمرین استقامتی شدید بر برخی نشانگرهای ایمنی شناسی در مردان بزرگسال"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
۱۷. ولایی وجیهه، علی اکبری دهکردی مهناز، علیپور احمد، دادخواه اصغر، (۱۳۹۴)، "تأثیر موسیقی بر کاهش درد و استرس سالمندان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
18. B.Graziano A., K.Johnson J., (2015), "Music, neurology, and psychology in the nineteenth century", Progress in Brain Research, Volume 216, Pages 33-49.
19. Chraif M., Mitrofanb L., Goluc F., Gâtej M., (2014), "The influence of relaxation music on abstract visual short term memory retrieval task at young students at psychology", Procedia - Social and Behavioral Sciences 127, 852 – 857.
20. Demos, J. N., (2005), "Getting started with neurofeedback", (1th ed.). NewYork: W.W. Norton.
21. Kwon M., Gang M., Oh K., (2013), "Effect of the Group Music Therapy on Brain Wave, Behavior, and Cognitive Function among Patients with Chronic Schizophrenia", Asian Nursing Research 7.
22. Marzbani, H., Marateb, H. R., Mansourian, M., (2016), "Methodological Note: Neurofeedback: A Comprehensive Review on System Design, Methodology and Clinical Applications", Basic and Clinical neuroscience, Volume 7. Number 2.
23. OnosahwoIyendo T, (2016), "Exploring the effect of sound and music on health in hospital settings: A narrative review", International Journal of Nursing Studies, Volume 63, Pages 82-100.
24. Petruta-Maria C., (2015), "The Role of Art and Music Therapy Techniques in the Educational System of Children with Special Problems", Procedia - Social and Behavioral Sciences 187, 277 – 282.
25. Shin H. S., Kim J. H., (2011), "Music Therapy on Anxiety, Stress and Maternal-fetal Attachment in Pregnant Women During Transvaginal Ultrasound", Asian Nursing Research, Vol 5, No 1.
26. Stamou V., Clerveaux R., Stamou L., Rocheleuil S., Berejnoi L., Romo L., Graziani P., (2017), "The therapeutic contribution of music in music-assisted systematic desensitization for substance addiction treatment: A pilot study", The Arts in Psychotherapy, Volume 56, Pages 30-44.
27. ŞUTEU L., DRĂGULIN S., (2016), "Music therapy and the PERMA model", Bulletin of the Transilvania University of Braşov – Supplement Series VIII: Performing Arts, Vol. 9 (58) No. 2.
28. Swedberg Yinger O., (2018), "Overview of the Music Therapy Profession", Music Therapy: Research and Evidence-Based Practice, Chapter 1, Pages 1–13.

Study of Music Effects on Brain Waves: Quantitative Electroencephalographic Study

***Hadis Ghaffari Khaligh¹, Ahmad Alipoor²**

1. M.A. in General Psychology, Payame Noor University

2. professor in Psychology, Payame Noor University

Abstract

Introduction: For more than two thousand years the power of music is known for stimulate emotions, and the therapeutic capacity of music has been considered. But it's difficult to explain how music is making such a difference to humans. The way that music influence human thoughts, feelings and behaviors is always interesting to researchers in various fields of science. In this study, the effect of music on brain waves in different regions of the cortex has been studied using Quantitative Electroencephalography (QEEG).

Method: the brain waves of ten volunteers were recorded in normal mode and while they listening to their favorite music. The results were analyzed by F-Test (analyzing the relationship between variances).

Results: The results show significant changes in the delta, theta, alpha, beta and high beta in different regions of the brain.

Conclusion: Due to changes in various waves in different areas of the brain's cortex, music can be used as a tool for treatment and Performance promotion.

Keywords: Music, Brain Waves, Quantitative Electroencephalography (QEEG)

بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی

معصومه افشارنیا^۱، رضا عباسی و مرتضی دسترنج^۲

۱- آموزگار دبستان مهدیار سرمه، آموزش و پرورش منطقه کهریزک، تهران، ایران

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و مدیریت دبیرستان شهید بهشتی، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران

و دبیر دبیرستان شهید بهشتی، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران

(rabbasi.25@yahoo.com)

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی مدیریت کلاس درس^۱ و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی هست. یکی از عواملی که امروزه معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش به‌عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است که از دیرباز به‌عنوان پیچیده‌ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است. تشکیل و اداره‌ی کلاس از وقت‌گیرترین فعالیت‌های حرفه‌ی معلمی تلقی می‌شود. هنگامی که بیشتر وقت کلاس صرف مشکلات انضباطی شود، به‌طور عملی زمان کمتری برای تدریس و یادگیری دروس باقی می‌ماند. بعضی عقیده دارند، مدیریت کلاس درس فقط با حفظ نظم و انضباط کلاس قابل طرح است، اما مدیریت کلاس درس سخنی بس فراتر از آن است. تحقیقات بی‌شمار نشان داده‌اند، بعضی از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما حاکی از جذاب نبودن محیط مدرسه و کلاس درس و کشمکش‌های این‌گونه دانش‌آموزها با معلمان و در نتیجه افت تحصیلی آنان بوده است. لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی‌های فراگیران باشد، لازمه‌ی جامعه‌ی امروزی و راه‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان است. مقاله حاضر بر آن است تا به مفهوم مدیریت کلاس درس، اهمیت و ابعاد گوناگون آن بپردازد. ابتدا مفهوم مدیریت مورد بررسی قرار گرفته، سپس به اهداف، اصول و مهارت‌های مدیریت کلاس درس اشاره می‌گردد. در ادامه ضرورت انضباط و مدیریت کلاس درس و روش‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان ضمن بحث و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت کلاس درس اعم از رفتارهای معلم و فنون تدریس بیان شده و راهبردهای موفق مدیریت کلاس ذکر گردیده است و رهنمودهایی به‌منظور اداره صحیح و اصولی کلاس درس و بهبود کیفیت آموزش در مدارس و مراکز آموزشی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس درس، کلاس داری، مهارت‌های مدیریت کلاس، روش‌های مدیریت، راهبردها.

مقدمه

بدون شک تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می‌گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، اما در یک رویکرد باهم مشترک‌اند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به‌طور مؤثر و کارآمد می‌باشد. بدون مهارت‌های مورد نیاز برای عملی کردن این کار

^۱ -Classroom management

حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارت‌های معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن‌ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای موثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. این مقاله برآن است به بررسی مدیریت کلاس درس بپردازد.

از مدیریت^۱ تعریف‌های زیادی شده است که بر اساس اهمیت کاربرد آن‌ها در رفتار کلاسی به برخی اشاره می‌شود. یکی از تعاریف قابل قبول مدیریت در امر رفتار کلاسی این تعریف است:

مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله‌ی دیگران (فالت) در این تعریف، رفتار آمرانه ی معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. با توجه به این تعریف، معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد، ولی کارها توسط خود دانش آموز انجام شود. و آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی و در امر یادگیری بیشتر باشد، رشد مهارت‌های گوناگون در آنان بیشتر می‌شود، و متکی به خود می‌گردند و اعتماد بنفس در آنان رشد می‌کند. باید در نظر داشت که این تعریف در کلاس‌هایی که فراگیران دوران کودکی را طی می‌کنند، دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع ابتدایی، پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد، بایستی عمدتاً خود، برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال کند، زیرا با توجه به ویژگی‌های خاص کودکان اولامتکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می‌باشند، این وظیفه به معلم برمی‌گردد، در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزی‌های درسی و کلاسی، از اهمیت زیادی برخوردار می‌گردد. با توجه به موارد فوق در آموزش دوره‌های بالاتر، لازم است فراگیران، خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند. در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروه‌ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است (پرداختچی، ۱۳۷۲).

در این تعریف، اهمیت مشاکت معلم به عنوان رهبر و راهنمای دانش آموزان، بیشتر ملحوظ است، بدین معنی که پس از اینکه اهداف مشخص شد معلم و دانش آموزان بایستی با برنامه ریزی صحیح راه رسیدن به آن را دنبال کنند.

صفوی (۱۳۷۲) مدیریت کلاس درس را، رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه‌ی درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به‌منظور بالا بردن کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و پیش‌بینی مسایل بالقوه می‌داند.

رئوفی (۱۳۷۷) مدیریت کلاس درس را این‌گونه تعریف می‌کند: مدیریت کلاس عبارت است از: هنر به‌کاربردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارت‌های کلاس‌داری در هدایت دانش‌آموزان به‌سوی اهداف مطلوب مورد نیاز دانش‌آموزان و جامعه. گرچه کارایی معلم براساس نگرش، نیت و شخصیت از یک سو و همه جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش‌آموزان از سوی دیگر سنگ بنای مدیریت کلاس درس است، اما معلم به‌مهارت‌ها و فتنونی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه‌ای را برای تحقق یادگیری خلق کند (تاج‌الدین، ۱۳۸۲).

پس بسیار شایسته است که مدیریت کلاس و اهم مطالب مربوط به آن بررسی شده و موانع و مشکلات مدیریت مؤثر بررسی شده و راهبردهایی جهت مقابله و رفع موانع مدیریت کلاس تحلیل و ارائه گردد تا بتوانیم با به‌کارگیری راهبردها بر مشکلات فائق آمده و محیط کلاس را به‌محیطی جذاب، شاد و مثبت جهت حداکثر تعامل و یادگیری تبدیل کنیم.

سازماندهی و مدیریت کلاس درس

مدیریت کلاس درس عبارت از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسائل با لقوه است. (صفوی، ۱۳۷۲). تعریف دیگری از سازماندهی و مدیریت کلاس وجود دارد که میتوان از آنها در رهبری کلاس درس، با تکیه بر بعد انسانی آن چنین تعریف کرد:

^۱ - Management

مدیریت کلاسی عبارت است، از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارت های کلاس داری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مورد نیاز و جامعه.

مهمترین دغدغه‌ی معلمان مبتدی، از اداره ی کلاس و یا به تعبیری مدیریت اداره ی کلاس درس ناشی می شود. برقراری نظم و کنترل کلاس و تدریس موفق، مجموعه نگرانی های این گونه معلمان است. بنابراین آگاهی از مفهوم مدیریت کلاس و راهبردهای آن، راهی برای رفع این نگرانی هاست. در تعریف مدیریت کلاس درس گفته شده است: «مدیریت کلاس درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است.» بر این اساس می توان استنتاج کرد، مهارت های مدیریت کلاس درس، سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر به ویژه در کلاس های درس مدرسه های ایران که مملو از دانش آموزانی است که گاهی شمار آنان بالاتر از حد استاندارد است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اهداف مدیریت کلاس

روش معلم در مدیریت کلاس براساس جهت‌گیری‌های انسانی در محیط کلاس است. معلم باید به دانش‌آموزان به‌عنوان افراد مجزا و مستقل نگاه کند و راه‌های مناسب برای پذیرش و اجرای رفتاری خاص را در هر دانش‌آموز پیدا نماید. از نظر بیکرووسترپ (۸۵) (۲۰۰۰)، اهداف عمده ی مدیریت کلاس شامل موارد زیر است:

(الف) برنامه ریزی درسی بر پایه ی آمیزه ای از تنوع و هدف

(ب) ارائه ی دستورالعمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی

(ج) هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان

(د) به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس

(ه) حرکت منطقی از یک مرحله ی تدریس به مرحله ی دیگر

(و) زمان بندی فعالیت های کلاس و ایجاد توازن در آن ها

(ز) شروع و خاتمه ی هدفمند درس

معلمان با بررسی هدف ها و مؤلفه های مدیریت کلاس درس، تأمل در مورد کلاس های خود، بازدید از کلاس های دیگر همکاران و گفت و گو با کارشناسان، نگرشی همه جانبه در مورد مدیریت کلاس پیدا می کنند.

پس دیده می‌شود اصطلاح مدیریت کلاس با اصطلاح نظم و انضباط معادل نبوده و مدیریت کلاس را می‌توان مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی دانست که معلم برای اطمینان یافتن از اثربخشی و کارایی یادگیری در کلاس انجام می‌دهد معلمانی که در امر مدیریت کلاس موفق هستند نظم و انضباط را در جایگاه مناسب آن در کل صحنه‌ی آموزش قرار می‌دهند. با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت کلاس معلم نه‌تنها امیدوار است که میزان یادگیری دانش‌آموزان فزونی یابد، بلکه هم‌چنین به‌آنان کمک می‌کند که متوجه‌ی رفتار خود باشند و آن‌را اصلاح نمایند (صیامی، ۱۳۸۰).

اصول مدیریت کلاس

از مهمترین اصول کلاس داری، کارآیی و جامع الاطراف بودن معلم است. معلم کارآ معلمی است که بر مطالب درسی تسلط دارد، کارها و اعمال او سازمان یافته و منظم و دارای اعتماد به نفس است، به دانش آموزان نیز اعتماد می کند و شکیباست. به تعبیری دیگر، نخستین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری این است که معلم فردی کارآ باشد تا از مهارت های مدیریت کلاس درس بهره گیرد. جامع الاطراف بودن معلم، دومین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس است.

معلمان سه گونه اند:

۱. توضیح دهنده / ۲. مشارکت دهنده / ۳. توانمندساز

معلم توضیح دهنده بر موضوع درس تسلط دارد، اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخن رانی و توضیح استوار است و برخی دانش آموزان با او همراه هستند. معلم مشارکت دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن، با روش تدریس نیز آشناست. چنین معلمی می کوشد تا از فعالیت های جالب بهره گیرد، دانش آموزان را در کارها مشارکت دهد، و در عین حال مدیریت صحیحی را در کلاس اعمال کند. معلم توانمندساز در مرحله ی عالی حرفه ای قرار دارد. او نه فقط موضوع درس و روش تدریس را به خوبی می شناسد، بلکه به تفکرات و احساسات دانش آموزان نیز توجه دارد. چنین معلمی اعتماد به نفس بالایی دارد، به حدی که دانش آموزان را در مدیریت کلاس درس سهیم می کند یا این که کلاس درس را یکسره به آنان می سپارد و خود راهنما می شود، با گفت و گو و مشورت با دانش آموزان تصمیم می گیرد تا در آنان توان یادگیری را عملی سازد. (بابالویان و همکاران، ۱۳۹۴).

مهارت های مدیریت کلاس

مدیریت کلاس بر دو مهارت به هم پیوسته و اساسی استوار است: ۱. تصمیم گیری و ۲. اقدام. تصمیم گیری یعنی، چه اقدامی را چگونه، چه وقت، و به وسیله ی چه کسی باید انجام داد. اقدام یعنی، عملی که در کلاس درس تحقق می پذیرد. مانند تأکید بر نکته های تدریس، استفاده از تخته سیاه و... از این رو، مهارت های اساسی و ضروری برای مدیریت کلاس درس، به منزله ی اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی مؤثر است. مدیریت کلاس درس زری نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت معلم در کلاس کامل می شود و معلم را در امر تدریس کارآمدتر می سازد (سرمد، ۱۳۷۶).

روش های مدیریت کلاس

انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازمان دهی آن، از علائم موفقیت معلم به شمار می آید. انتخاب هرگونه شیوه ی مدیریتی، به سبک تدریس و هدف های معلم بستگی دارد. معلمان با به کارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود می توانند، در پرورش مهارت های اجتماعی، خلاقیت ها و توانایی های دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند. اداره کردن چنین محیطی، نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد. در این جا سه روش مدیریت کلاس درس ارائه می شود (هرگنهان والسون، ۱۳۸۷).

۱. **روش رفتارگرایانه:** رویکرد رفتارگرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید تصمیمی اتخاذ کند تا در کلاس درس او مشکلی به وجود نیاید. از آغاز سال تحصیلی، معلم موظف است قوانین و مقررات کلاس درس را وضع کند. دانش آموزان نیز موظف اند آن قوانین را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب، در این روش مؤثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات کلاس، از این اقتدار بهره می جوید.

۲. **روش تعامل گرایانه:** در این روش، مشکلات کلاس پیامد طبیعی حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیرمنتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیت های حل مسئله در کلاس، مورد توجه قرار می گیرد و حل و فصل می شود.

۳. **روش غیرمداخله جویانه:** این روش حد وسط دو روش رفتارگرایانه و تعامل گرایانه است. مداخله ی معلم در حل مشکلات کلاس بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش، ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنان است. معلمان در این روش با دانش آموزان خود رابطه ی مشاوره ای دارند و معلم در فعالیت های کلاس نقشی حمایتی از دانش آموز دارد. این روش حداقل اقتدار را برای معلم در نظر می گیرد و به جای آن، بیش تر به تقویت روابط میان معلم و دانش آموز تأکید دارد.

به طور کلی نمی توان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد. بنابراین معلم باید روش های متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته

به صراحت می توان گفت، شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روش های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل گرایانه یا غیرمداخله جو را اعمال می کنند، اندک است. اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را مورد استفاده قرار می دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار می گیرند و کلاس درس آن ها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه ی یادگیری است (هرگنهان والسون، ۱۳۸۷).

اهمیت و ضرورت مدیریت و انضباط کلاس

بدون شک به منظور تدریس و نیل به اهداف آموزش و پرورش، وجود شرایطی لازم می باشد، از جمله این شرایط می توان به نظم حاکم بر کلاس به عنوان فاکتری مهم اشاره نمود، زیرا کلاسی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش های کلاس داری و نظم کلاس در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش آموزان بسیار موثر می باشد (جویش، ۱۳۷۶). اهداف می توانند به وسیله روش ها تحت تاثیر قرار گیرند. بنابراین اعمال روش های درست تدریس و سبک های مناسب مدیریت با توجه به شرایط کلاس، امکانات آموزشگاه، توانایی معلم و نوع کتاب و محتوای درسی، متفاوت می باشد.

عوامل موثر بر مدیریت کلاس را در سه قسمت به شرح زیر طبقه بندی می نماییم:

الف: ویژگی های شخصیت معلم؛

ب: روش های تدریس معلم؛

ج: استفاده از فنون تدریس.

الف) ویژگی های شخصیتی معلم: بدون شک شخصیت و یا ویژگی های شخصیتی معلم، یکی از عوامل بسیار مهم در نظم دهی کلاس می باشد. معلمی که ظاهر آن آراسته می باشد، مثبت نگر و خوش اخلاق است به توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی شاگردان آگاهی دارد، شرایط فیزیکی کلاس را از قبل آماده می سازد، مهارت ارزشیابی و پرسش کردن را میداند، دانش آموزان را دوست دارد و به کارش علاقه نشان می دهد، با ایمان، راستگو، صادق و خوش بیان می باشد و در کارش مسلط است و با معلمی که این ویژگیها را ندارد، مسلماً بسیار متفاوت است بنابر این معلمین باید این صفت را در خود آشکار نمایند و در تمهیدات اشتغال به حرفه ی مقدس معلمی، این ویژگی ها را در خود متبلور سازند.

ب) روش های تدریس: بسیاری دانشجو معلمینی که در کلاسهای دانشگاه یا مراکز تربیت معلم، دائم این جمله را بیان می دارند که " این روش تدریس را نمیتوان در کلاس ها به کار برد " دلیل گفتن این جمله اعتراضی این است که دانشجویان معلمی، هنوز آگاهی ندارند که هر روش تدریس کارایی خاص خود دارد و از یک روش تدریس نمی توان برای آموزش همه دروس و یا در همه کلاس ها استفاده نمود. همچنین بعضی اذعان می دارند که اجرای بعضی از روش های تدریس، باعث شلوغی و بی نظمی کلاس می گردد. در توضیح این مطالب شایان ذکر است که یک معلم باید با توجه به شرایط کلاسی- امکانات و تجهیزات- توانایی های خود و شاگردان و محتوای کتب درسی یک روش مناسب انتخاب نماید و در صورتی که روش تدریس معلم مناسب نباشد باعث سردر گمی شاگردان، شلوغی کلاس و اتلاف وقت خواهد شد. بنابر این لازم است که یک معلم نسبت به الگوها، روش ها و راهبردهای فنون تدریس، آگاهی های لازم را داشته باشد تا به موقع و در جای مناسب از هر کدام از روش ها و فنون، با موقعیت بهره مند گردد.

یکی از دلایل عدم استفاده از روش های فعال تدریس توسط معلمان محتوای کتب درسی می باشد. تحلیل محتوای کتب درسی دوره ی دبیرستان نشان می دهد که تنها ۳۷ درصد معیار های روش های تدریس فعال و کتب درسی این دوره اعمال گردیده است. (پیریایی، ۱۳۸۳) بنابر این ضرورت دارد که یک معلم در طراحی آموزشی تدابیری بیاندیشد تا شاگردان را با مفاهیمی که ارائه گردید آشنا نموده. و امکان بر هم زدن نظم کلاس را از دانش آموزان خاطی سلب نماید، همچنین ضروری است که محتوای کتب درسی با توجه به چگونگی آموزش و اعمال روش های تدریس فعال باز نگری گردد.

ج) فنون تدریس: تدریس به مجموعه اعمالی که معلم برای جلب توجه شاگردان به تدریس اثربخش و کارآمدتر اجرا می‌نماید، گفته می‌شود. آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در کلاس درس توسط معلم، باعث می‌شود، وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی، کلاس را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد، از جمله فنون تدریس می‌توان موارد زیر را بر شمرده (قورچیان، ۱۳۷۹):

۱. تدبیر منفی: تدبیر منفی یکی از تکنیک‌های خانواده درمانی است و معلم به منظور ساکت کردن کلاس و یا جلب توجه دانش‌آموزان از آن استفاده می‌نماید بدین صورت که وقتی کلاس شلوغ می‌شود معلم طنین شادی صدای خود را کم کرده و بغض صدایش را افزایش می‌دهد و با این روش به کلاس نظم می‌بخشد.
۲. کم وزیاد کردن تن صدا: به منظور جلب توجه شاگردان و وادار کردن آنها به گوش دادن، معلم باید با صدای یکنواخت صحبت نکند، نوسانات صدای خود را کم و زیاد نماید تا دانش‌آموزان شنونده فعالی شوند.
۳. حرکت‌های معلم: بین حرکت‌های معلم و توجه شاگردان رابطه مستقیم وجود دارد، (شعبانی، ۱۳۸۲) هر چه حرکات هدفمند معلم و حرکت کردن به آخر کلاس و برگشتن و حرکات پایین کلاس معلم بیشتر باشد، معلم بر کلاس مسلط تر خواهد داشت و شاگردان بیشتر به او توجه خواهند کرد و در نتیجه یادگیری بهتر صورت می‌گیرد.
۴. تاکید روی بعضی از مفاهیم و کلمات: "نگاه کنید، دقت کنید"، این کلمات خیلی مهمند و تکرار بعضی افعال و کلمات از جمله نکاتی است که به خاطر تاکید معلم، توجه شاگردان را جلب می‌نماید.
۵. اشارات معلم: بعضی از ایماها و اشارات معلم، باعث دقت بیشتر شاگردان می‌شود؛ حرکات دست، چشم، ابرو، دهان، انگشتان و سر، مشتمل بر این حرکات است.
۶. مکث‌های به موقع و هدفمند: برخی معلمان در حین توضیح دادن و یا سخنرانی با مکث‌های به موقع حواس شاگردان را به مفاهیم جلب می‌نمایند، و سر و صدای دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. و کلاس را اداره می‌نمایند.
۷. تشویق و تمجید دانش‌آموزان: یکی از فنونی که به عنوان ابزاری موثر در اختیار معلمان می‌باشد، تشویق و تمجید است؛ البته تمجید عملکرد شاگردان، با ارزش تر از تشویق آنان است، زیرا تشویق شاگردان باعث به وجود آمدن آموزش و پرورش سودگرایانه می‌گردد. همچنین معلم می‌تواند با توجه به سن دانش‌آموزان از تقویت پته ای نیز بهره‌بردارد. و یا از کارتهای تلاش، امتیاز و کارت جایزه بدین منظور استفاده نماید. استفاده ی فاصله ای و نسبی متناوب از این ابزار، اثر بخشی آن را ارتقا می‌بخشد.
۸. نگاه‌های معنی دار: گاهی نگاه‌های معنی دار معلم به دانش‌آموزی که به درس توجه ندارد و یا سروصدا می‌کند، باعث کاهش رفتار نا به جای او می‌گردد. همچنین با عصبانیت نگاه کردن به دانش‌آموزانی که برای کلاس مزاحمت ایجاد کرده اند؛ باعث می‌شود دانش‌آموز وادار شود به درس‌های معلم گوش دهد.
۹. ضربه زدن به میز و صندلی: گاهی معلم با ضربه زدن به میز یا تابلوی کلاس، توجه شاگردان به مطالب و مفاهیمی که ارائه می‌شود جلب می‌کند.
۱۰. تدوین قانون و مقررات کلاس: تدوین قوانین کلاسی و تشریح آن برای دانش‌آموزان و آگاهی دادن به آنها باعث ایجاد نگرش می‌گردد و در نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می‌شود. لذا معلمان باید در تدوین مقررات کلاس به خصوص در روزهای اول دقت کافی باشند.

از زمانی که تعلیم و تربیت به وجود آمده است، معلمان به رفتار دانش‌آموزان توجه داشته‌اند. حتی سقراط شکایت داشت که دانشجوین او "عاشق تجملمند"، رفتارهای بدی دارند و به اولیای خود بی‌احترامی می‌کنند.

این نگرانی فزاینده وجود دارد که رفتارهای نامناسب دانش آموزان امروز، به مراتب بیش تر و شدیدتر از گذشتگان باشد، ولی شواهد اندکی برای اثبات این نظریه وجود دارد. کارشناسان گوناگون نظریات متفاوتی درباره اداره کلاس مطرح کرده اند، ولی بهترین شواهد را باید از مشاهده مستقیم کار معلمان در سازماندهی محیط کلاس به دست آورد. در سال های اخیر، اصطلاح "مدیریت کلاس" عمدتاً به نوعی روش رفتاری برای هدایت رفتار کلاس اشاره داشته است. این هشت اصل در زمینه مدیریت کلاس می توانند مفید باشند:

۱. امکان فعالیت های یادگیری معنادار را فراهم سازید. رمز پیشگیری از بروز مشکلات در کلاس، داشتن فعالیت های با معنا و چالشگرانه است. وقتی دانش آموزان به کار خویش علاقه مند باشند، بی نظمی در کلاس کمتر می شود و زمانی که اطلاعات درسی برای دانش آموزان با معنا باشد، یادگیری تقویت می شود. یک عامل مهم برای پیدا کردن فعالیت های با معنا، اطلاعات شما از دانش آموزان، علاقه ها، روش فکری و میزان آمادگی آنان است.
۲. کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید. یادگیری و رشد، خود به خود اتفاق نمی افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش آموزان پاسخ داده شود. کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلا می ممکن پاسخ داده شود. آشکار است که معلم نمی تواند جایگزین پدر و مادر شود و سرپرستی و عشقی را که کودک نیاز دارد، برای او فراهم کند، ولی مسلماً می تواند امنیت دانش آموز را در کلاس تضمین کند و با تحسین صادقانه او، نقشی تسهیل کننده ایفا کند.
۳. برای یادگیری موفقیت آمیز، فرصت های لازم را فراهم آورید. این گفته قدیمی که "موفقیت، موفقیت می آورد" در کلاس درس، کم تر از سایر جاها صادق نیست. همه دانش آموزان باید امکان تجربه موفقیت را در کلاس داشته باشند. این تجربه ممکن است از سهیم شدن در کارها تا پیشرفت در درسی خاص تغییر کند. معنای موفقیت تنها پیروزی در رقابت با دیگران نیست. پیشرفت فرد در انجام کارهای خود، منبع مهم کسب موفقیت است. معلمان موفق، فعالیت هایی را برنامه ریزی می کنند که ضمن کارآمد بودن، احتمال موفقیت در آن ها زیاد باشد.
۴. به دانش آموزان کمک کنید، هدف های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند. هدف هایی که دانش آموزان انتخاب می کنند، در رفتار موفقیت آمیز آنان تأثیر دارد؛ یعنی احتمال بروز رفتارهای سازنده از دانش آموزانی که هدف های مربوط به اصلاح خود را دنبال می کنند، بسیار بیش تر از آن هایی است که فقط در پی هدف های عملی کلاس هستند.
۵. درباره نتایج کارها، اطلاعات لازم را در اختیار دانش آموزان بگذارید. گفتن نتایج کارها توسط معلمان، با موفقیت دانش آموزان رابطه نزدیک دارد. اگر آن ها به بچه ها، کارهای خوبشان و معیارهای خوب انجام دادن کارها را توضیح دهند، یادگیری دانش آموزان استمرار پیدا می کند و امکان بروز رفتارهای بد کاهش می یابد. به علاوه، این کار سبب می شود که آن ها درباره خود در رابطه با کارهایشان داوری کنند و کارهایشان را تحلیل کنند.
۶. دانش آموزان را در تصمیم گیری شرکت دهید. دانش آموزان نیاز دارند که احساس کنند در مورد کارهایی که انجام می دهند، مختارند. اگر مدیریت کلاس ضعیف باشد، آن ها احساس می کنند که در مورد یادگیری خود اختیار ندارند. در این صورت، آن ها آنچه را معلم می خواهد انجام می دهند و انگیزه شان برای ادامه کار کاهش می یابد. معلمان موفق به دانش آموزان خویش اجازه می دهند که نقش مهمی را در تعیین تجربه های یادگیری ایفا کنند. آن ها اغلب به دانش آموزان اجازه می دهند که درباره موضوع، زمان و نحوه یادگیری تصمیم بگیرند. مشارکت دانش آموزان سبب می شود که احساس کنند، بر اوضاع مسلط هستند. در نتیجه، انگیزه آن ها افزایش و امکان بد رفتاری شان کاهش می یابد.
۷. برای روزهای "بد" برنامه ریزی کنید. گاهی موفق ترین معلمان نیز با وجود برنامه ریزی، از تدریس باز می مانند. از جمله رویدادهایی مثل بیماری، مشکلات خانوادگی و... برای آن ها به وجود می آید. در این صورت، با یک پیش برنامه کلی و با معنا برای مواقع اضطراری، می توان دانش آموزان را کاملاً مشغول کرد.

۸. رفتارهای مناسب را تقویت کنید. دانش آموزان نمی‌توانند در یک زمان، هم مسأله ریاضی حل کنند و هم با یکدیگر صحبت کنند. در این جا حل مسأله، رفتار مناسب و صحبت کردن، رفتار نامناسب است. وقتی رفتار نامناسب به ندرت اتفاق می‌افتد. این روزها با یکدیگر در تقابل هستند و در یک زمان تنها یکی از آن‌ها را می‌توان انجام داد. پس با تقویت رفتار مناسب می‌توان از بروز رفتار نامناسب جلوگیری کرد. معیار مدیریت موفق در کلاس، پرهیز از مشکلات است، نه صرفاً برخورد با رفتارهای نامناسب.

امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزش و پرورش و تغییر در سیاست‌ها و برنامه ریزی‌های آموزشی، بعضی از معلمان در رویارویی با مسائل و مشکلات آموزشی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و از روش‌های قدیم و مهارت‌های سنتی و انفرادی برای اداره‌ی کلاس خود استفاده کنند. همین امر باعث کندی شکل‌گیری فرایند یاددهی-یادگیری و آسیب‌پذیری امر آموزش شده است.

تحقیقات بی‌شمار نشان داده‌اند، بعضی از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما حاکی از جذاب نبودن محیط مدرسه و کلاس درس و کشمکش‌های این‌گونه دانش‌آموزان با معلمان و در نتیجه افت تحصیلی آنان بوده است. لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس درس که مطابق نیازها و ویژگی‌های فراگیران باشد، لازمه‌ی جامعه‌ی امروزی و راه‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان است.

معلم موفق کسی است که کلاس درس را به گونه‌ای آماده سازد تا پاسخ‌گوی تمامی چالش‌ها در طول تدریس باشد. معلم باید توانایی‌های خود را بشناسد، روش تدریس خود را ارزیابی کند و اگر روش‌ها قدیمی و کهنه باشند روش‌پویا و زنده‌ای را پیش‌گیرد تا روحیه‌ی خلاقیت و نوآوری را در نهاد دانش‌آموزان شکوفا سازد. او باید روش‌های برخورد با مشکلات درس را بشناسد و راهبردی را اتخاذ کند که فرایند یاددهی-یادگیری را مختل نسازد و مشکلات جزئی کلاس او، به مشکلات کلی و وخیم تبدیل نشود. هم‌چنین باید رفتاری داشته باشد که دانش‌آموختگان کلاس درس او، مسائل آموزشی و مشکلات رفتاری خود را در محیطی آرام و سرشار از محبت و غیر تهدیدآمیز حل کنند.

به گفته‌ی ایرنزی، برخی از معلمان در هنر معلمی استعداد بیش‌تری دارند؛ اگرچه ممکن است ضرورتاً در علم معلمی استعداد خوبی نداشته باشند. این گروه از معلمان می‌توانند، فضای کلاس را به صورتی ماهرانه برای یادگیری، مساعد و دل‌انگیز کنند و مسائل و مشکلات انضباطی آن‌را به حداقل برسانند.

معلمان، علاوه بر کسب مهارت‌های مربوط به هنر معلمی، یعنی تسلط بر کلاس و داشتن مهارت‌های آموزشی باید واکنش‌ها و راهبردهای معین دیگری را نیز برای اداره‌ی کلاس درس یاد بگیرند.

مطالعات متعدد نشان داده است، معلم کارآمد و فعال معلمی است که می‌تواند براساس توانایی خود، به هدف‌های مورد نظر یادگیری و نیز دو مهارت زیر دست یابد: ۱. مدیریت اداره‌ی کلاس و ۲. تدریس کارآ

رفتار معلم در کلاس

یکی از ارکان مهم آموزش و تدریس، ایجاد فضایی سالم و مناسب برای یادگیری و آموختن است. ذهن، روان و رفتار کودکان و نوجوانان نسبت به سال‌های گذشته دچار تحولات و دگرگونی‌های بی‌شماری شده است. دانش‌آموزان، آموزگاران را ترجیح می‌دهند که به شخصیت آنها احترام گذارند، به جای تنبیه آنها را تشویق و حمایت کنند، خوب درس بدهند، انگیزه تلاش و پیشرفت را در آنها زنده نگه دارند، ارزش‌ها و آرمان‌هایشان را نادیده نگیرند و آنها را در یافتن اهداف صحیح زندگی یاری کنند. رابطه معلم - دانش‌آموز رابطه‌ی ظریف و شکننده است، تا حدی که شکیبایی و بردباری بیشتر آموزگاران و معلمان را می‌طلبد. گاهی وضعیتی بر کلاس حاکم می‌شود که احتیاج به مهارت، تسلط و مدیریت آموزگار بر رفتارها و واکنش‌های هیجانی - احساسی دانش‌آموزان دارد. بدخلقی‌های روزانه، اختلاف‌ها و تعارض‌های بین‌بچه‌ها، بحران‌های لحظه‌ی کلاس و... نیازمند توان بالای تصمیم‌گیری آموزگار است. تحقیقات نشان می‌دهد ارتباط مستقیمی بین اعتماد به نفس آموزگار برای ایجاد رابطه‌ی فعال و پویا با دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی کلاس وجود دارد. آموزگاران که می‌دانند چه هدفی را

دنبال می کنند و با چه شیوه یی قصد دارند برنامه های آموزشی خود را دنبال کنند، با آمادگی بیشتری درس و کلاس خود را اداره می کنند.

باید اذعان کرد مشکلات آموزشی به یکباره و ناگهان به وجود نمی آید، بلکه همیشه عوامل گوناگون و متنوعی زمینه ساز آن است. خانواده، دوستان، مدرسه، اجتماع و... تاثیرات عمده یی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان می گذارد که گاه آنها را از روند آموزش دور می سازد. در دنیای پرمساله یی که ما زندگی می کنیم، کودکان و نوجوانان نمی توانند مشکلات شخصی شان را (حتی آنهایی را که ارتباطی هم به درس و مدرسه ندارد)، پشت در کلاس جا بگذارند و پس از بازگشت از مدرسه، آنها را با خود به همراه ببرند. برای آنکه بچه ها از مدرسه، کلاس و درس لذت ببرند، استعدادهایشان شکوفا شود و تبدیل به افرادی سرزنده و پویا شوند، باید به تمامی نیازهای عاطفی، عقلانی، جسمانی و اجتماعی آنان توجه شود. تعامل و ارتباط بین معلم و شاگرد و شاگرد و شاگرد بخش مهمی از فرآیند آموزش و یادگیری است. هرچه آموزگاران به اهمیت این تعامل اجتماعی بیشتر پی ببرند، بهتر می توانند محیطی مساعد برای تدریس خود به وجود آورند. رفتارها و پاسخ های آموزگاران، مربیان و مشاوران مدرسه می تواند جوی از تفاهم و توافق یا خودسری و مشاجره در بین کلاس و دانش آموزان پدید آورد.

الف - انتقادهای آموزگار:

انتقادهای، بهانه جویی ها و حرف های نیش دار آموزگاران تنها حس تنفر و انزجار را در دانش آموزان ایجاد می کند و موجب کاهش پیشرفت و ضعف عملکرد و راندمان کلاس می شود. اگر دانش آموزی قدری بی نظم، اخلاک گر و کند است، طعنه و سرزنش آموزگار نمی تواند تغییری در رفتار او به وجود آورد. معمولاً زمانی که بچه ها در فهم درسی مشکل دارند، بدرفتار و سهل انگار می شوند و از ادامه یادگیری سر باز می زنند. آن ها از اینکه از آموزگارش کمک بخواهند، می ترسند، زیرا احساس می کنند یا آموزگار آنها را توبیخ می کند یا انگشت نما و مسخره دیگر بچه ها می شوند. این در حالی است که آموزگار می تواند با برقراری روابط صحیح و تذکرات مرتب به دانش آموزان، رفتاری پیشه کند که جو تفاهم و دوستی را در کلاس برقرار سازد. زمانی که احترام و جایگاه واقعی آموزگاران و دانش آموزان در کلاس حفظ شود، اعتماد به نفس، خودپنداره و تصویر ذهنی بچه ها از خودشان تقویت می شود.

کودکان دبستانی و گاه نوجوانان دبیرستانی، کمتر به استعدادها و توانایی های درونی شان اطمینان دارند. کمترین جملاتی که هوش و ذکاوت آنها را مورد حمله قرار دهد (به خصوص توسط آموزگاران و معلمان) کافی است که انگیزه تلاش و پیشرفت را در آنها از بین ببرد و احساس بی ارزشی و ناتوانی را در آنها جایگزین سازد. بسیاری از مسائل آموزش و پرورش ریشه در روابط حاکم بر معلم و دانش آموز دارد. برای اصلاح و بهبود بخشیدن این روابط، باید تغییرات عمده یی در این زمینه صورت گیرد. زمانی که آموزگار از دانش آموز می خواهد کاری انجام دهد، اگر لحن کلامش انتقادی و سرزنش آمیز باشد، نتیجه آن مقاومت و ستیزه جویی کودک (یا نوجوان) خواهد بود. اما اگر لحن سازنده و غیرانتقادی داشته باشد، روحیه همکاری و مشارکت را در بین دانش آموزان تقویت خواهد کرد. خوب است معلمان و آموزگاران نسبت به رفتارهای خود هوشیار و حساس باشند و آگاهانه از برانگیختن پاسخ های دفاعی شاگردان بپرهیزند (رگ، ۱۳۸۲).

ب - خشم آموزگار

زمانی که آموزگاری عصبانی می شود، در فرآیند تدریس او اخلاص به وجود می آید. او باید سعی کند خشمش را به گونه یی ابراز کند که به کسی لطمه یی (چه جسمی و چه روانی) نزند. او باید ضمن اشاره به مشکل درصدد حل وضعیت حاکم بر کلاس باشد. بد و بیراه گفتن، حمله به شخصیت بچه ها، سر و صدا راه انداختن و رفتارهای تکانشی - هیجانی محض، هیچ گاه نمی تواند کلید برتری معلم در کلاس درس باشد. یکی از استرس ها و اضطراب های حرفه یی آموزگاران اداره و کنترل کلاس و داشتن رابطه یی پویا و فعال با دانش آموزان است. در مواردی بعضی از دانش آموزان می توانند به تنهایی مشکلاتی برای آموزگاران شان به وجود آورند که حتی باتجربه ترین معلمان هم از کنترل و اداره آن ناتوانند. گاهی حضور یک دانش آموز

خاطی و اخلاکگر می تواند تاثیر زیادی روی عملکرد آموزگار بر تک تک دانش آموزان گذارد. همان طور که نمی توانیم عکس العمل ها و رفتارهای آموزگاران را بدون در نظر گرفتن رفتار دانش آموزان تبیین کنیم، همان طور هم نمی توانیم رفتار دانش آموزان را بدون در نظر گرفتن رفتار آموزگاران درک کنیم. آموزگاران که برای کنترل کلاس دست به تهدید و ارباب دانش آموزان می زنند، گاهی متوجه می شوند بچه ها آنها را به عملی کردن این تهدیدها ترغیب می کنند، تا بتوانند موقعیت شغلی آنها را به مخاطره اندازند. درحالی که از این گروه از معلمان باید پرسید: «آیا واقعاً خواستار رابطه یی رعب انگیز بین خود و دانش آموزان هستند و آیا تنها با ترساندن بچه ها می توانند آنها را به درس خواندن تشویق کنند؟»

دانش آموزان زمانی که آموزگارشان عصبانی است، به رفتار او و آنچه او می گوید، خوب توجه دارند. گاهی بدخویی و رفتار تند معلم، اشارات و حرکات او موجب رنجش، احساس خواری و سرافکندگی دانش آموزان و به دنبال آن نادیده گرفتن اصول اولیه بهداشت روانی کلاس می شود. دانش آموزان به معلمان شان وابسته اند. اگر معلمان نسبت به بچه ها از خود احترام نشان دهند و به عزت نفس و حس ارزشمندی آنها لطمه نزنند، طبیعی است که بچه ها نیز کمتر دست به مقاومت، خودسری و بدرفتاری خواهند زد. رفتارهای مودبانه و حرفه یی آموزگار می تواند مانع از تخلف های انضباطی دانش آموزان شود. اگر آموزگار اجازه دهد بچه های کلاس به سادگی او را خشمناک و عصبانی کنند، خیلی زود کنترل و تسلط خود را بر کلاس از دست خواهد داد (رگ، ۱۳۸۲).

ج- تشویق های آموزگار

تشویق باید تایید کننده عمل دانش آموز باشد نه وجود و شخصیت او. زیرا کودک یا نوجوان تصور می کند اگر آن خصوصیت و ویژگی را نداشته باشد، دیگر مورد ارزش و احترام نیست. برای مثال، زمانی که دانش آموز از درسی نمره عالی و خوبی می گیرد، اگر او را به دلیل نمره اش تشویق کنند، او فکر خواهد کرد که اگر بار دوم نمره پایینی بگیرد، دیگر مورد لطف و تمجید کسی واقع نخواهد شد، در حالی که اگر او را برای تلاش و کوششی که به خرج داده است، مورد تشویق قرار دهند، او سعی می کند با تلاشی بیشتر بار دیگر هم نمره رضایت بخشی بگیرد. در حقیقت تشویقی که شخصیت او را ارزیابی نمی کند، احساس امنیت، آرامش و انگیزه بیشتر در او ایجاد می کند.

رفتارهای شایسته و مطلوب دانش آموزان را همواره مدنظر داشته باشید، زیرا رفتارهای آینده آنان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. در بعضی شرایط شناخت رفتارهای خوب و پسندیده دانش آموزان موجب کاهش رفتارهای نامطلوب و نامناسب آنها می شود. به هر اندازه که نکات مثبت و ارزشمند اخلاقی - آموزشی دانش آموزان بیشتر مد نظر قرار گیرد، به همان اندازه نیز انگیزه تلاش و پیشرفت در آنها پایدارتر خواهد شد. تشویق نه تنها وسیله یی است که دانش آموز را با رغبت و تمایل به تلاش و پویایی وامی دارد، بلکه موجب تایید و تکرار رفتارهای مطلوب آنان نیز می شود. دانش آموزان زمانی می توانند توانمندی های خود را ارتقا دهند که با استفاده از حمایت های مثبت و داشتن روابط کیفی بالا با مربیان و معلمان شان بتوانند احساس شایستگی و کارآمدی را در خود پرورش دهند.

د- تنبیه های آموزگار

در کلاسی که نظم و مقررات حاکم باشد، تنبیه و طرد دانش آموز جایی نخواهد داشت. خشونت با دانش آموز هدف و فرآیند یادگیری را مختل می کند. ارزش ها و مفاهیم اخلاقی گوناگون مثل احترام، مسؤلیت پذیری، رعایت حقوق دیگران و... را نمی توان به طور مستقیم به دانش آموزان آموخت، بلکه باید آنها را در موقعیت های عینی و واقعی به بچه ها یاد داد. تهدید و ارباب کودکان (و نوجوانان) نه تنها مانع از بدرفتاری آنها نمی شود، بلکه تنها زمینه یی برای مخفی کاری او ایجاد می کند. از طرف دیگر، وقتی دانش آموز به دلیل رفتار نامناسبش با شدت عمل روبه رو می شود، کمتر به رفتار خود و خطایش فکر می کند و بیشتر متوجه نحوه خشم و عصبانیت آموزگار می شود.

هنگامی که از دانش آموزی می پرسند؛ «چرا سر کلاس بد رفتاری می کنی؟» او پاسخ می دهد؛ «معلم ما اصلاً بداخلاق است.» از آنجایی که کودکان هنوز به خصیصه خودمحوری خود پایبندند، هیچ گاه خود را مورد سوال قرار نمی دهند، بلکه رفتار و واکنش آموزگارشان را علت اصلی اختلاف معرفی می کنند. از این رو بهتر است برای تغییر رفتارهای منفی دانش آموزان، رفتارهای مثبت و سازنده آنان تشویق و تقویت شود. با به کار بردن این شیوه، رفتارهای نامناسب بچه ها به تدریج کاهش می یابد و رفتارهای مطلوب جایگزین آنها می شود. برای برقراری نظم و انضباط آگاهانه در کلاس و اجرای مقررات، بهترین شیوه حمایت، تشویق، توجه، بردباری و تمرکز بر رفتارهای پسندیده دانش آموزان است.

آموزگاران باید پیش از آغاز سال تحصیلی برای برقراری نظم و انضباط در کلاس شان، مقررات و قوانین ساده و شفافی تدوین کنند تا بدین وسیله دانش آموزان را با خواسته ها، انتظارات و اهداف خود آشنا سازند. زمانی که کلاسی به نحو مطلوب اداره و مدیریت شود، شرایطی به وجود می آید که دانش آموزان مشکلات انضباطی کمتری داشته باشند. داشتن روابطی منفی با شاگردان موجب می شود آنها اصول انضباطی کلاس را مستبدانه و خشک بدانند و برای اجرای آنها از خود مقاومت نشان دهند، در حالی که داشتن روابطی مثبت به آنها کمک می کند تا هدف اصلی از انضباط را سازندگی و پیشرفت در کار بدانند (رگ، ۱۳۸۲). تادیب دانش آموز باید با خونسردی انجام شود تا دانش آموز را متوجه رفتار اشتباهش کند. رفتار صحیح و شایسته آموزگار، آهنگ صدا، ثبات و عدالت او می تواند بهترین الگوی تربیتی دانش آموزان باشد. یکی از روش های کنترل هیجانات منفی دانش آموزان در کلاس، تماس ها و ارتباطات چشمی، نگاه های اجمالی، خیره شدن و روش های غیرکلامی آموزگار است. از این طریق می توان خیلی ساده و راحت رفتار خلاف کودک (یا نوجوان) را بدون اینکه مزاحمت و اغتشاشی برای بقیه دانش آموزان کلاس ایجاد شود، متوقف کرد.

در حقیقت، هدف از پرورش کودکان و نوجوانان باید تغییر رفتار های آنان در جهت اعتلای توانایی ها، استعدادها و ویژگی های مثبت و سازنده آنان باشد.

تأثیر و وضعیت ظاهری معلم بر فراگیران

آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال مییابد تنها معلومات و مهارتهای معلّم نیست بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می شود. رابطه دانش آموز با معلّم یک رابطه باطنی و معنوی است دانش آموز و یا دانشجو معلّم را شخصیتی محترم و ممتاز میداند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن، و به عضویت رسمی جامعه در آمدن، کمک و مساعدت می نماید.

معلّم با روح و جان دانش آموز و یا دانشجو سروکار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می شود. دانش آموز اگر چه قبلاً در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدودی شخصیت او شکل گرفته است ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر میباشد. کودک و نوجوان در این سنین از محیط خانواده خارج می شود و به طور رسمی در اجتماعی جدید یعنی مدرسه و یا دانشگاه پذیرفته می شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

دانش آموز در این اجتماع جدید فرصت می یابد تا افکار و اندوخته های دینی و رفتار و عادت های گذشته اش را مورد بازنگری قرار دهد و شخصیت خویش را بسازد و تکمیل و تثبیت نماید.

با نفوذترین و محبوب ترین فردی که می تواند در این مرحله حساس او را یاری کند معلّم است به همین جهت دانش آموزان و یا دانشجویان معلّم و استاد خود را به عنوان یک الگو و اسوه می پذیرند و از رفتار و گفتار و اخلاق خوب یا بد او سرمشق می گیرند و خود را با وی همسان و همانند می سازند. همچنین دانش آموزان همه اعمال و رفتار معلمان و مدیر و حتی سرایدار مدرسه را زیر نظر دارند، و از آن ها درس می گیرند دانش آموزان از طرز برخورد و تعامل معلمان با مدیر، معلمان با یکدیگر، معلمان با خدمتکاران مدرسه و معلمان با دانش آموزان درس میگیرند. از اخلاق و رفتار معلم، از طرز اداره کلاس، از رعایت عدل و انصاف در نمره دادن، از وقت شناسی و رعایت نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دینداری و

التزام به ضوابط شرعی، از اخلاق خوش و ادب او، از خیر خواهی و نوع دوستی معلم درس‌های آموزند همچنین از اخلاق و رفتار و کردار او متأثر میشوند و خود را با او همسان می‌سازند.

بنابراین، معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم‌تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است. یک معلم خوب که با رفتار و گفتار پسنیدهایش دانش‌آموزان را خوب پرورش می‌دهد، بزرگترین خدمت را نسبت به اجتماع خود انجام می‌دهد و به عکس یک معلم بد اخلاق و بد رفتار و منحرف که با رفتار بد خود، دانش‌آموزان را به انحراف و تباهی میکشد بزرگترین خیانتها را نسبت به اجتماع مرتکب می‌شود، بنابراین شغل و حرفه معلمی و استادی از حساس‌ترین و مسئولیت‌دارترین شغل‌های اجتماع می‌باشد. معلم و استاد نمی‌تواند نسبت به اخلاق و رفتار خود آزاد و بیتفاوت باشد، زیرا محدوده اخلاقیاتش فراتر از خود اوست. او تنها مسئول خودش نمی‌باشد. بلکه مسئولیت تعدادی از انسان‌های معصوم را نیز به عهده گرفته است. استاد و معلم باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان خوب بیندیشند و با اصلاح و اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار دانش‌آموزان و یا دانشجویان قرار دهند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

دکتر هایم گینانت، وقتی معلم جوانی بوده به این مطالب اشاره میکند: من به نتیجه خوف‌انگیزی رسیدهام، من عامل تصمیم‌گیرنده در کلاس هستم و این برخورد شخصی من است که جو خاصی پدید می‌آورد. من به عنوان یک معلم دارای قدرت شگرفی هستم و می‌توانم زندگی یک کودک را تیره و تاریک یا پر از سرور سازم. در تمام موقعیتها این پاسخ من است که اوج یافتن یا فرونشستن یک بحران و انسان شدن و یا وحشی شدن یک کودک را معلم تعیین میکند. بررسیهای علمی نیز نشان می‌دهد که ۳۳ درصد کودکان در هفت سال دوم زندگی دوست دارند همانند معلم خود باشند. از این رو اگر معلم، دانش‌آموزان را به رفتارها، صفات و نگرش‌هایی خاص دعوت کنند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

ولی خود در عمل به آن‌ها پایبند نباشند آموزش‌های شفاهی آنان نیز تأثیر نخواهد گذاشت.

در این جا توجه معلمان و اساتید محترم را به چند نکته مهم جلب می‌کنیم:

۱. دانش‌آموزان و دانشجویان، معلمان و اساتیدی را الگوی خود قرار می‌دهند که مقبول و مورد اعتماد آنان باشند. مقبولیت و اعتماد حاصل دو ویژگی است، نخست توانایی علمی قابل قبول به گونهای که بتواند به خوبی از عهده تدریس، درس خود برآید و به پرسشهای نوآموزان پاسخ قانع‌کنندهای بدهد و دوم این که، رفتار و گفتارش با یکدیگر هماهنگ و منطبق باشد، به عبارت دیگر نمونههای قابل قبول از یک فرد مومن را معرفی کند، بنابراین لازم است معلمان و اساتید، برای ایفای نقش الگوی خود این دو ویژگی را حداقل کسب کنند.
۲. محبوبیت اساتید، معلمان و مربیان، نقشی قاطع و سرنوشت‌ساز، در تأثیر گذاری آنان بر رفتارهای دانش‌آموزان یا دانشجویان دارد.
۳. رفتار الگو در صورتی برای دانش‌آموزان قابل استفاده است که روشن و قابل فهم باشد. بنابراین، در مواردی که رفتاری از الگویی بیان می‌شود یا معلم خود رفتاری انجام میدهد که برای دانش‌آموزان و دانشجویان روشن نیست، و یا ممکن است فهم نادرستی از آن داشته باشد، لازم است معلمان و اساتید محترم رفتار مذکور را برای دانش‌آموختگان توضیح دهند تا دانش‌آموزان و یا دانش‌جویان دچار شک و تردید، سردرگمی نشوند.

راهنمای مدیریت موفق کلاس

- حضور به موقع: علت بسیاری از مشکلات کلاس، دیر رسیدن معلم به کلاس یا آماده کردن ابزار و وسائل بعد از استقرار دانش‌آموزان در کلاس است. نحوه ورود معلم در هر جلسه به کلاس هم مهم است بولمر می‌گوید «بیشتر قضاوت افراد (فراگیران) متأثر از اولین برخوردها است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر معلم باانگیزه، بانشاط و صمیمانه وارد کلاس شود اثر مثبت روانی بر فراگیران خواهد داشت اما اگر با حالت کسلی و خستگی وارد شود قطعاً این اثر منفی خواهد بود. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳).

- آمادگی کامل: منظور از آمادگی کامل تنها در امور مهم مثل آمادگی در موضوع درس نیست، بلکه به امور جزئی هم مانند ابزار و وسائل نظر دارد.
- استقرار سریع کلاس برای شروع: همین که معلم و دانش آموزان در کلاس حاضر شوند درس باید سریعاً طبق برنامه آغاز شود.
- تاکید بر همکاری کلاس: باید قبل از شروع کار همکاری کامل از سوی همه وجود داشته باشد. یکی از راه های جلب توجه صدا کردن نام دانش آموزان است.
- استفاده قاطع و موثر از صدا: وسیله ارتباطی میان معلم و دانش آموز صداست. این وسیله باید برای برقراری ارتباط، روشن و واضح به کار رود.
- هشیاری نسبت به وقایع کلاس: معلمین موفق این احساس را در کلاس ایجاد می کنند که در پشت سر هم چشم دارند.
- تجزیه و تحلیل وقایع کلاس: معلم دلایل پنهان رفتار دانش آموزان را هم بشناسد.
- داشتن فنون و روش شناخته شده برای مقابله با بحران ها: موقعیت های بسیاری وجود دارند که بحران های کوچکی ایجاد می کنند و اگر دانش آموزان و معلم هر دو آمادگی داشته و به درستی بدانند چه کاری باید انجام شود می توان این وقایع را به سادگی و بدون تهدید کنترل کلاس رفع کرد.
- بذل توجه مناسب معلم: تحلیلی از تعامل کلاسی نشان می دهد که معلمین مقدار نامتناسبی از وقت خود را صرف افراد یا گروه های خاص می کنند. مثلاً با بچه های باهوشتر دوست تر هستند. معلم با زمان بندی مناسب می تواند رهنمودهای مناسبی به تک تک بچه ها بدهد و کمک کند تا احساس کنند که او مراقب کار آن ها و پیشرفتشان است.
- پرهیز از مقایسه: مقایسه یعنی اینکه به برخی از شاگردان گفته شود که عملکرد آن ها در حد معیارهای دیگران نیست. این کار نه تنها باعث می شود که افراد مورد مقایسه نسبت به معلم دشمنی و رنجش پیدا کنند، بلکه باعث تقسیم کلاس نیز می شود.
- اطمینان از وفای به عهد: اگر معلم قول دهد که به نحوی به یک دانش آموز کمک کند یا کار خاصی را برای کلاس انجام دهد این قول باید قابل اجرا بوده و به آن عمل شود.
- سریع نمره دادن: کاری که به سرعت نمره داده شود و به شاگرد پس داده شود نه تنها به یادگیری آن ها کمک می کند، بلکه به معلم نیز در یادداشت پیشرفت و به رفع اشکالات کمک می کند.
- استفاده خوب از سوال ها: سوالات مقدماتی و متنوع معلم باعث حفظ علاقه شاگردان شده و به تمرکز حواس و توجه آن ها نسبت به معلم کمک می کند.
- فراهم آوردن موقعیت های مناسب برای فعالیت های تجربی: صحبت کردن معلم در ارائه بخشی از درس نباید بیش از یک دقیقه تا یک دقیقه و نیم به ازای هر سال از سن دانش آموزان وقت بگیرد (بسته به توانایی کلاس) همین که این مدت به سر آید باید به شاگردان فرصتی برای کار عملی داده شود.
- هر جا کار عملی وجود دارد وظائف عادی کلاس را به دانش آموزان بسپارید: دانش آموزان خیلی دوست دارند وظائفی را که در کلاس به آن ها واگذار می شود انجام دهند. این کار بیانگر اعتماد معلم به آن ها و جایگاه ایشان به عنوان اعضای با ارزش کلاس می باشد.
- برقراری نظم و ترتیب فیزیکی قابل استفاده در کلاس: معلم باید قبل از شروع کلاس نحوه قرار گرفتن اشیاء را مشاهده کند و مطمئن شود که همه چیز مرتب است.
- چاره جویی برای مشکلات دانش آموزان: اداره خوب کلاس باید فرصت هایی را برای طرح مشکلات دانش آموزان فراهم کند تا در آن دانش آموزان احساس کنند که معلم برای دیدگاه آن ها ارزش قائل است.

- به پایان رساندن درس با موفقیت: علاوه بر اینکه معلم در پایان کلاس باید زمان کافی به دانش آموزان بدهد تا اشکالات خود را رفع کنند و راهنمایی ها و کارهای لازم را به آن ها ارائه دهد، جدا شدن از کلاس با واژه ها یا رفتارهای دوستانه هم اهمیت دارد. ترک خوشایند کلاس درس دارای این فایده است که به دانش آموز متذکر می شود که علی رغم همه مشکلاتی که در طی کلاس وجود دارد، معلم چندان ناراحت نیست و این روش مفیدی برای ابراز این نکته به دانش آموزان مشکل دار است که رفتار آن ها تاثیر چندانی نداشته است.

موانع و مشکلات مدیریت کلاس

در مدیریت کلاس با شرایط اقلیمی، جغرافیایی و شرایط کمی و کیفی و استانداردهای متفاوت و ضوابط موجود و جو کلاس، موانع و مشکلات مدیریتی مختلفی در کلاس ایجاد می شود. البته ابتدا باید تعریف روشن از موانع و مشکلات مدیریت کلاس داشته باشیم. منظور ما از مشکلات مدیریتی هرگونه موقعیتی است که محیط یادگیری را مختل می کند و یا موجب حواس پرتی دانش آموزان و یا معلم می شود.

صیامی (۱۳۸۰) به نقل از کیندزواتر (۸۹) (۱۹۷۸) منشأ رفتارهایی که معلمان آنها را مشکلات مدیریتی تلقی می کنند را خود معلمان، مشکلات عاطفی دانش آموزان و رفتارهای غیر عمدی و ناپایدار دانش آموزان بیان می کند.

فرانسیس (۱۹۷۵) چهار منبع اصطکاک را با عنوان سر و صدا، وسایل، تحرک و پیچ پیچ توصیف کرده است. هیچ یک از این منابع به تنهایی برای اقتدار معلم مشکل مهمی محسوب نمی شود ولی چنانچه هر یک از آنها به شکلی نادرست اداره شود، می تواند از تحریکی جزئی به صورت برخوردی مهم ظاهر شود (صباغیان، ۱۳۸۰).

مطالعات نشان می دهد که اغلب ۳۰ درصد یا بیشتر زمان آموزشی در هر روزه به صورت پیش بینی شده و یا پیش بینی نشده از بین می رود و از دست دادن زمان به هر علتی که باشد تأثیر منفی بر پیشرفت علمی فراگیران می گذارد و شرایطی را برای مشکلات رفتاری دانش آموزان ایجاد می کند.

وقفه های هنگام راهنمایی های معلم قبل و بعد از یک بخش آموزشی، دلیل اکثر مشکلات مدیریتی کلاس و از دست دادن فرصت هاست. در طول کار روزانه اتفاق های پیش بینی نشده زیادی روی می دهند که این وقایع ممکن است به وسیله دانش آموزان، مربیان مدرسه و مشاهده کنندگان آغاز شود.

هر کلاسی دارای زنجیره ای از خصوصیت ها است که در مقایسه با کلاس های دیگر و با شخصیت و شیوهی کار معلم فضای مربوط به خود را به وجود می آورد. برخی از ویژگی ها را در تمام کلاس ها می توان یافت و لازم است آنها را در حرفه ی معلمی و اداره ی کلاس مورد توجه قرار داد. (زمانی، ۱۳۷۹) و (لفرانسوا، ۱۳۸۰)، این ویژگی ها را چنین توصیف می کنند:

۱ - کلاس محیطی چند بعدی است.

۲ - بسیاری از حوادث کلاس به صورت هم زمان روی می دهد.

۳ - حوادث کلاسی نه تنها چند بعدی و هم زمان است، بلکه هر کدام از آنها به لحظه ای خاص مربوط می شود. به عبارت دیگر اکثر اتفاق هایی که با هم در کلاس روی می دهد، نیاز به عکس العمل آنی و لحظه ای معلم دارد.

۴ - علاوه بر آنی بودن، چند بعدی بودن و هم زمان بودن فعالیت ها، مهم ترین ویژگی هر کلاس این است که جریان فعالیت ها در کلاس بسیار غیر قابل پیش بینی است. اداره کردن چنین محیطی نیازمند تصمیمات آنی، سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی نیاز دارد.

نتیجه گیری

اداره کلاس درس آن چیزی است که معلم انجام می دهد تا اطمینان یابد دانش آموزان روی تکلیف در دست اجرا هر چه که باشد کار می کنند. به عبارت دقیق تر اداره کلاس درس یعنی: استفاده از فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از

مشکلات رفتاری. معلم از طریق اداره صحیح کلاس می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم دانش آموزان را اصلاح کند و میزان مشارکت در یادگیری و سطح انگیزش یادگیری آن ها را بالا ببرد.

در سبک های اداره کلاس درس سبک اقتدارگرایانه که معلم و شاگردان حقوق یکدیگر را رعایت می کنند و نسبت به هم احترام متقابل دارند، توصیه می شود. البته سبک های دیگر هم با توجه به شرایط و موقعیت های ویژه کاربرد خاص خود را دارند. (سیف، ۱۳۸۷). به منظور اداره موثر کلاس درس معلم باید با انواع راهبرد های مختلف آموزشی آشنا بوده تا در صورت نیاز بتواند این راهبردها را به نحوی موثر در موقعیت خاص خودش به کار ببرد تا بدین وسیله محیطی آرام و بدون فشار روانی برای شاگردانش فراهم آورد. در دنیای کنونی نقش معلم از امر کننده یا ارباب و تلقین کننده ی دانش به تدریج به سوی رهبری و مدیریت برنامه ریزی شده تغییر کرده است. نقش جدید معلم اهمیت آموزش مدیریت کلاس درس را روشن تر می کند. اکنون معلم خوب یعنی یک روان شناس، یک جامعه شناس، یک کارشناس علوم تربیتی و سرانجام یک مدیر آموزشی است (مرعشی، ۱۳۷۱).

به طور خلاصه می توان گفت: به منظور ایجاد نظم و تغییر مدیریت کلاسی، سه شرط لازم است، و این شروط عبارتند از:

- روش تدریس مناسب، ویژگی های شخصیتی معلم و استفاده از فنون تدریس، هر کدام از موارد ذکر شده به صورت مهندسی شده و کاربردی، در این مقاله توصیف و تبیین گردید. در پایان پیشنهادهایی با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله ارائه می گردد؛
- تشکیل کارگاه های آموزشی و اجرای فنون تدریس به صورت علمی در این کارگاهها برای تمامی کسانی که با تدریس و به طور کلی آموزش سر و کار دارند.
- تشکیل دوره های ضمن خدمت به منظور آشنایی همه معلمان با روش های تدریس گوناگون، تا معلمان بتوانند در مواقع ضروری آن روش ها را به کار گیرند.
- برگزاری همایش، سمینارها و نشست های علمی و جلسات شورای معلمان می تواند فرصت بسیار مناسبی جهت بحث پیرامون انضباط کلاسی فراهم آورد.
- دعوت از افراد موفق برای ایراد سخنرانی در جلسات شورای معلمان پیرامون چگونگی مدیریت کلاس درس.
- تغییر محتوای کتب درسی با توجه به روش های فعال تدریس و ارائه ی محتوا براساس تفکر واگرا به جای تفکر همگرا به منظور در گیر کردن شاگردان با مطالب و کمرنگ کردن روش های تدریس سنتی.
- تبیین ویژگی های یک معلم نمونه از نظر شخصیتی و اخلاقی و ارائه ی الگوهای مناسب توسط گروه های آموزشی، رسانه ها و آموزش و پرورش و استخدام معلمان با ویژگی های شخصیتی مناسب.
- تقدیر از معلمان که بدون تنبیه و خشونت به بهترین نحو ممکن کلاس درس خود را مدیریت مینمایند و تهیه ی فیلم و سی دی از الگوهای تدریس این معلمان جهت استفاده ی سایر همکاران.
- اجرای طرح مربیگری همتا در مدارس که بعضی معلمان در اداره کلاس مشکل دارند.
- اجرای طرح تصمیم گیری دلفی و سیستم گروهی اسمی به منظور نظر سنجی از همه ی همکاران جهت مدیریت کلاس درس و برگزاری دوره ی بیست ساعته ی کوتاه مدت ضمن خدمت پیرامون شیوه های مدیریت کلاس برای کلیه معلمان.
- تحقیق پیرامون موضوع و شیوه های مناسب مدیریت کلاس در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان.
- چاپ و نشر خلاصه تحقیقات انجام شده به صورت اقدام پژوهی در خصوص موضوع مدیریت کلاس درس.

منابع

۱. بابالویان، رضا. سعداللهی، آرش و مسعودی، مجید، (۱۳۹۴)، «مدیریت کلاس درس»، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران: موسسه برگزار کننده همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
۲. پرداختچی، محمد حسن، (۱۳۷۲)، «منابع اقتدار راهنمایان آموزشی»، فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دوم شماره ۸.
۳. پیریایی، حسین، (۱۳۸۳)، «بررسی راههای افزایش علاقه مندی دبیران استان لرستان با استفاده از روش های تدریس».
۴. تاجالدین، ضیا، (۱۳۸۲)، «مدیریت کلاس درس (مفاهیم، شالوده ها و راهکارها)»، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۵، صص ۳۶ تا ۳۷.
۵. تابلستون، داناواکر، (۱۳۹۲)، «آنچه هر معلم باید بداند: مدیریت کلاس و کلاس داری»، ترجمه بهمن ابراهیمی و علی اسماعیلی، تهران: شلاک.
۶. جویس، بروس وویل، مارشا، (۱۳۷۶)، «الگوهای جدید تدریس»، ترجمه بهرنگی، محمد رضا، نشر تابان.
۷. رگ، ادواردکتراد، (۱۳۸۲)، «مدیریت کلاس در دبستان»، ترجمه علیرضا کیامنش و کامران گنجی، تهران: رشد.
۸. رئوفی، حسین، (۱۳۷۷)، «مدیریت، رفتار کلاسی»، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. سرمد، غلامعلی، (۱۳۷۶)، «تدریس، هنر معلمی»، تهران: انتشارات اشراق.
۱۰. زمانی، محمد رسول، (۷۹ - ۱۳۷۸)، «انضباط و مدیریت کلاس دو مقوله متفاوت»، نوشته گای آر - لفرانسوا، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دی و بهمن ماه.
۱۱. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۷)، «روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش»، تهران: دوران.
۱۲. شعبانی، حسن، (۱۳۸۲)، «مهارت های آموزش و پرورش (روشها و فنون تدریس)»، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. صباغیان، زهرا، (۱۳۸۰)، «مدیریت کارآمد در کلاس درس (راهنمای معلمان و مدرسان)»، نوشته کولین جی. اسمیت و رابرت لاسلت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. صفوی، امان الله، (۱۳۷۲)، «مدیریت کلاسی»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دوم، شماره ۴.
۱۵. صیامی، توحید، (۱۳۸۰ و ۱۳۷۰)، «مدیریت کلاس درس»، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، مهرماه. صص ۲۲ تا ۲۴، اسفندماه صص ۲۹ تا ۳۴، فروردین ماه صص ۳۱ تا ۳۴ و اردیبهشت ماه صص ۴۳ تا ۴۵.
۱۶. عباسی، مصطفی. زبیری، حسن. عباسی، رضا، (۱۳۹۳). «نقش های معلم در مدیریت کلاس درس»، اولین سمپوزیوم علوم مدیریت تهران، اسفندماه ۹۳.
۱۷. عباسی، رضا. هاشمی فارسی، آسیه وعباسی، مصطفی. (۱۳۹۵)، «بررسی مدیریت کلاس درس معلمان با تأکید بر فنون کلاس داری آنان»، مجله رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۶، تابستان ۹۵، صص ۸۴-۹۲.
۱۸. قورچیان، نادر قلی، (۱۳۷۹)، «جزیئات روش تدریس»، تهران: نشر دفتر همکاری های علمی بین المللی آموزش و پرورش.
۱۹. لفرانسوا، گای آر، (۱۳۸۰)، «روانشناسی برای معلمان»، ترجمه هادی فرجامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۰. مرعشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، «مدیریت و سازماندهی کلاس درس»، رشد تکنولوژی آموزشی، دوره هشتم، شماره ۶، تهران: پایگاه علوم تربیتی.
۲۱. هرگنهان، بی. آر، و السون، ام. اچ. (۱۳۸۷)، «مقدمه ای بر نظریه های یادگیری»، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: دوران.
22. Baker, J., and Westrup, H. (2000). The English Language Teacher's Handbook. London: continuum.

پژوهش در هنر و علوم انسانی

سیر تحول فرهنگ و تمدن در سرزمین آذربایجان
(آتروپاتگان) از گذشته تا حال
وحید رشیدوش

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر
میزان افزایش گردشگری شهری؛ مورد پژوهی: شهر
ساحلی چابهار
مریم ده بالائی، علی ریگی

توسعه پایدار شهری بر مبنای رشد هوشمند شهری
تحلیلی بر مولفه‌ها، ویژگی‌ها و مزایای شهر هوشمند
مازیار ابراهیمی، مریم معرف

غم در شعر فروغ فرخزاد
بابک دهقانی، فریده انصاری

سقف شیشه‌ای، از چالش‌ها و راهکارها تا توانمندسازی
زنان
اسداله مهرآرا، سیده فاطمه شفیع پور، ربابه دیانتي، علیرضا زارع
زیدی

بررسی اثر موسیقی بر امواج مغزی: مطالعه الکترو
انسفالوگرافی کمی
حدیث غفاری خلیق، احمد علی پور

بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس‌داری معلمان
در مدارس و مراکز آموزشی
معصومه افشارنیا، رضا عباسی، مرتضی دسترنج